

لوقا

مقدمه

لوقا پزشک بود (کولسیان ۴:۱۴) و همچنین رفیق و همسفر نزدیک پولس رسول. وی علاوه بر این انجیل، کتاب اعمال رسولان را نیز نگاشت (لوقا ۱:۱-۴؛ اعمال ۱:۱-۲ مشاهده شود). لوقا پولس را طی بخشهایی از دومین و سومین سفر بشارتی وی به یونان و ترکیه (اعمال ۱۶:۱۰؛ ۲۰:۶ مشاهده شود) و در سفر نهایی او به روم همراهی کرد (اعمال ۲۷:۱-۲).

بدینسان لوقا نه تنها در مورد آغاز مسیحیت مطالبی نگاشت بلکه در آن شرکتی فعال نیز داشت.

متی که یک یهودی بود، انجیلش را عمدتاً برای رهبران یهود نوشت؛ اما لوقا یک یونانی یعنی یک غیریهودی^۱ بود. بنابراین لوقا انجیلش را به طریقی نوشت که امتهای یعنی غیریهودیان بتوانند به راحتی آن را درک کنند.

لوقا به هنگام نگاشتن انجیل خود، نسخه‌ای از انجیل مرقس را نیز در دسترس داشت. بنابراین، وی در انجیلش بسیاری از آیه‌های انجیل مرقس را تکرار کرده است. (در این تفسیر از خوانندگان درخواست خواهد شد که برای تفسیر این دسته از آیه‌ها به انجیل مرقس رجوع فرمایند.)

لوقا برای نوشتن تاریخچه زندگی عیسی، از منابع دیگری نیز استفاده کرده است. برخی از این منابع در انجیل متی نیز به کار رفته‌اند. اما برخی از منابع فقط در انجیل لوقا مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

لوقا قبل از هر چیز یک مورخ بود. وی چه در انجیل خود و چه در کتاب اعمال رسولان، کوشیده است تا جزئیات تاریخی دقیقی را ارائه دهد. دقت لوقا توسط دیگر نوشته‌های تاریخی آن دوره و توسط یافته‌های باستان‌شناسی متعدد کاملاً تأیید شده است. حکایت مربوط به عیسی مسیح که در عهدجدید ثبت شده، چیزی ساخته و پرداخته ذهن بشر نبوده، بلکه تماماً واقعی و تاریخی است.

مشخص نیست که لوقا انجیل خود را در چه زمانی به رشته تحریر در آورد. بسیاری از

۱- در کتاب مقدس، تمامی مردمی که یهودی نیستند «امت» یا «غیریهودی» نامیده شده‌اند. بدینسان یونانیان نیز «امت» شمرده می‌شدند.

محققین کتاب مقدس بر این باورند که این انجیل بین سالهای ۶۵ و ۷۰ میلادی نگاشته شده است. برخی دیگر معتقدند که کمی بعد از این تاریخ نوشته شده است.

رئوس مطالب

الف) مژده تولد نجات‌دهنده (۱:۱-۲:۵۲)

۱- مژده به زکریا (۱:۱-۲۵)

۲- مژده به مریم (۱:۲۶-۵۶)

۳- تولد یحیی (۱:۵۷-۸۰)

۴- تولد عیسی (۲:۱-۲۰)

۵- تقدیم در هیکل (۲:۲۱-۳۸)

۶- کودکی عیسی (۲:۳۹-۵۲)

ب) ظهور عیسی مسیح (۱:۳-۴:۱۳)

۱- یحیای تعمیددهنده و تعمید عیسی (۱:۳-۲۲)

۲- نسب‌نامه عیسی (۳:۳-۲۳:۳۸)

۳- تجربه عیسی (۴:۱-۱۳)

ج) خدمات عیسی مسیح (۴:۴-۹:۶۲)

۱- ماهیت خدمت عیسی (۴:۴-۱۴:۴۴)

۲- دلایل و شواهد قدرت عیسی (۵:۱-۶:۱۱)

۳- انتخاب رسولان (۶:۱۲-۱۹)

۴- تعالیم عمده (۶:۲۰-۴۹)

۵- معجزات و تعالیم بعدی (۷:۱-۹:۱۷)

۶- اوج خدمت عیسی (۹:۱۸-۶۲)

د) در مسیر صلیب (۱۰:۱-۱۸:۳۰)

۱- خدمت هفتاد نفر (۱۰:۱-۲۴)

۲- تعالیم معروف (۱۰:۲۵-۱۳:۲۱)

۳- آغاز مشاجرات علنی (۱۳:۲۲-۱۶:۳۱)

۴- تعلیم شاگردان (۱۷:۱-۱۸:۳۰)

ه) رنجهای عیسی مسیح (۱۸:۱-۲۳:۵۶)

۱- در راه اورشلیم (۱۸:۱۸-۱۹:۲۷)

۲- ورود به اورشلیم (۱۹:۲۸-۴۴)

۳- تعلیم در اورشلیم (۱۹:۴۵-۲۱:۴)

-
- ۴- تعالیم در مورد انقضای عالم (۳۸-۵:۲۱)
 - ۵- شام خداوند (۳۸-۱:۲۲)
 - ۶- دستگیری و محاکمه عیسی (۲۵:۲۳-۳۹:۲۲)
 - ۷- مرگ عیسی (۴۹-۲۶:۲۳)
 - ۸- تدفین عیسی (۵۶-۵۰:۲۳)
 - و) قیام عیسی مسیح (۵۳-۱:۲۴)
 - ۱- قبر خالی (۱۲-۱:۲۴)
 - ۲- در راه عموآس (۳۵-۱۳:۲۴)
 - ۳- ظاهر شدن عیسی بر شاگردان (۴۳-۳۶:۲۴)
 - ۴- آخرین مأموریت (۴۹-۴۴:۲۴)
 - ۵- صعود عیسی (۵۳-۵۰:۲۴)

باب ۱

مقدمه (۱:۱-۴)

۲-۱ سالها بعد از مرگ عیسی، گزارش زندگی او شفاهاً انتشار یافت. گزارش مزبور توسط **شاهدان عینی**، یعنی کسانی که عیسی را دیده و سخنانش را شنیده بودند و نیز توسط **خادمین کلام** یعنی شاگردانش بازگو شد.

سپس عده‌ای به نوشتن گزارشهای این شاهدان عینی مبادرت ورزیدند. به‌عنوان مثال پطرس، رسول برجسته عیسی آنچه را که می‌دانست به مرقس بازگو کرد و او براساس این اطلاعات کتابی نگاشت که به انجیل مرقس معروف است («مرقس: مقدمه» مشاهده شود).

لیکن هر آنچه که نوشته شد، بر پایه گواهی کسانی قرار داشت که با چشمان خود عیسی را دیده و با گوشهای خود سخنان وی را شنیده بودند (اول یوحنا ۱:۱ مشاهده شود).

۴-۳ لوقا این نوشته‌ها را به‌دست آورد و همچنین با بسیاری از آنانی که عیسی را در زمان حضورش در این جهان می‌شناختند، گفتگو کرد. بر پایه تمامی این اطلاعات، وی تاریخچه زندگی عیسی را که همان انجیل لوقا است، به‌رشته تحریر درآورد.

او کتاب تاریخ خود را خطاب به شخصی نوشت به‌نام **تیوفلس** (اعمال ۱:۱). معلوم نیست که تیوفلس که بوده است. برخی بر این باورند که وی یکی از صاحب‌منصبان حکومت روم بوده که گرایش به مذهب جدید یعنی مسیحیت پیدا کرده بوده است.

تیوفلس مطالبی را در مورد عیسی و این مذهب جدید شنیده بود، لیکن آگاهی‌اش کامل نبود. شاید حتی چیزهای بدی شنیده بود. یهودیان، عیسی را شیاد و کافر می‌نامیدند و رومیان او را آشوبگر و شورشی!

بنابراین، لوقا در نظر داشت که تاریخچه صحیحی از زندگی عیسی را به تیوفلس ارائه دهد، یعنی گزارش منظمی را تا وی به **صحت**

مطالبی که شنیده بود، پی ببرد. لیکن طبق نقشه خدا نوشته لوقا تنها خطاب به تیوفلس نبود، بلکه خطاب به ما نیز می‌باشد. ما نیز می‌توانیم از **صحت** انجیل مسیح اطمینان بیابیم. ایمان ما نه بر پایه افسانه، بلکه بر اساس تاریخ قرار دارد. لیکن **در یافتن صحت کلامی که در آن تعلیم یافته‌ایم**، کافی نیست. ما باید در دل خود باور داشته باشیم که **عیسی، مسیح و پسر خدا است**، چراکه تنها از طریق ایمان داشتن به مسیح است که می‌توانیم **حیات را در نام او** دریافت داریم (یوحنا ۳۱:۲۵).

مژده تولد یحیی (۱:۵-۲۵)

۷-۵ در ایام **هیروودیس**^۲ پادشاه، کاهنی بود به‌نام **زکریا**. (زکریای مزبور با زکریای نبی که در عهدعتیق آمده، تفاوت دارد؛ همچنین با آن زکریای نبی که در متی ۲۳:۳۵ قید شده، یکی نیست). وی کاهنی یهودی از فرقه ایبا بود. کاهنان یهودی به بیست و چهار بخش تقسیم شده بودند و ایبا یکی از این بخشها یا فرقه‌ها بود (اول تواریخ ۱۰:۲۴).

الیصابات زن زکریا نیز دختر یک کاهن و از نسل **هارون**^۳ بود. ایشان صاحب فرزندی نبودند زیرا که الیصابات نازا بود. یهودیان بر این باور بودند که نازا بودن زن نتیجه گناه است. لیکن بر طبق لوقا، زکریا و همسرش **در حضور خدا صالح بودند** (آیه ۶). ایشان دعا کرده بودند که صاحب فرزندی شوند (آیه ۱۳)، لیکن خدا هنوز دعای ایشان را مستجاب نکرده بود.

۱۰-۸ هر یک از بیست و چهار فرقه کاهنان وظیفه داشتند که دو هفته از سال را در هیکل

۲- به هیروودیس پادشاه در متی ۱:۲ و تفسیر آن اشاره شده است.

۳- هارون برادر موسی، یعنی رهبر بزرگ یهودیان بود که ایشان را از مصر خارج کرد بود. تمامی کاهنان یهودی از نسل هارون بودند.

پذیرش خداوند، یعنی مسیحا^۴ و نجات‌دهنده ایشان بود؛ به عبارت دیگر، رسالت او **حاضر کردن قومی آماده شده برای خداوند** بود.

فرشته گفت که یحیی این کار را **با روح و قوت ایلاس** انجام خواهد داد. ایلاس، نبی بزرگ عهدعتیق بود یعنی کسی که مردم انتظار بازگشت او را به زمین می‌کشیدند (ملاکی ۴:۵؛ متی ۱۱:۱۳-۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

یحیی، **دل‌های پدران را به طرف پسران خواهد گردانید**. منظور از **پسران**، یهودیانی بود که در همان زمان می‌زیستند و **پدران**، اجداد ایشان بودند. یحیی از طریق هدایت قوم هم‌دوره خود به سوی توبه، به طریقی خواسته اجداد ایشان را برآورده می‌ساخت. به زعم لوقا، مصالحه در درون خانواده‌های نسل هم‌عصر نیز به وقوع خواهد پیوست. هنگامی که پسران توبه می‌کنند، والدین با آغوش باز و روحیه بخشایشگر به طرف ایشان باز می‌گردند.

یحیی **نافرمانان را به حکمت عادلان خواهد گردانید**؛ یعنی وی باعث خواهد شد که نسل نافرمان آن دوره یهود از گناه روگردان شده بار دیگر از خدا ترسیده، او را اطاعت کنند. ترس از خدا آغاز حکمت است (امثال ۱:۷).

۱۸-۲۰ زکریا به آنچه که فرشته گفت شک کرد: «این را چگونه بدانم؟» فرشته گفت: «**من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم**. بنابراین آنچه که می‌گویم حقیقت است.»

جبرائیل پیام‌آور اصلی خدا است؛ او یکی از بزرگترین فرشته‌های خدا می‌باشد (دانیال ۸:۱۵-۱۶؛ ۹:۲۰-۲۳). فرشتگان در حضور خدا می‌ایستند (متی ۱۸:۱۰؛ مکاشفه ۵:۱۱) و مأموریت او را انجام می‌دهند (عبرانیان ۱:۱۴).

۴- «مسیحا» واژه عبرانی به معنی «شخص مسح شده توسط خدا» می‌باشد. مسیحا به زبان یونانی «کریستوس» گفته می‌شد (یوحنا ۱:۴؛ ۲۵:۴ مشاهده شود).

اورشلیم خدمت کنند. دو بار در روز در حجره درونی هیکل که **قدس** نامیده می‌شد (عبرانیان ۲:۹) بخور سوزانده می‌شد. از آنجا که تعداد کاهنان هر فرقه زیاد بود، کاهنی که می‌بایست بخور بسوزاند، برحسب قرعه انتخاب می‌شد (آیه ۹). هنگامی که کاهن در قدس بخور می‌سوزاند، جماعتی که برای عبادت گرد آمده بودند، در بیرون انتظار می‌کشیدند (آیه ۱۰). سپس کاهن بعد از سوزاندن بخور بیرون آمده، جماعت را برکت می‌داد.

در این روز بخصوص، زکریا برای سوزاندن بخور انتخاب شده بود.

۱۱-۱۳ هنگامی که زکریا در قدس بود، **فرشته‌ای** بر او ظاهر شد و گفت که او و همسرش ایصابات صاحب پسری خواهند شد. ایشان می‌بایست نام پسرشان را یحیی بگذارند، به معنی «خدا فیاض است».

۱۴-۱۵ فرشته گفت که یحیی **در حضور خداوند بزرگ** خواهد بود. عیسی فرمود که یحیی در ایام خود بزرگترین انسانی بود که از زن زاده شد (متی ۱۱:۱۱). فرشته همچنین گفت که یحیی **پسر از روح القدس** خواهد شد. در عهدعتیق، روح القدس بر مردان خدا نازل می‌شد و مدت کوتاهی به ایشان کمک می‌کرد تا برخی کارهای خاص را به انجام برسانند. اما در مورد یحیی، روح القدس او را **حتی از بدو تولد** پر کرده (آیه ۱۵)، همواره با او بود.

۱۶ فرشته گفت که یحیی بسیاری از **بنی اسرائیل را به سوی خداوند خواهد برگردانید**. یعنی یحیی از طریق موعظه **تعمید توبه برای آمرزش گناهان** (مرقس ۱:۴)، بسیاری از یهودیان را به سوی خدا خواهد برگردانید. و به راستی هم یکی از کارهای عمده یحیی، دعوت یهودیان به توبه از گناهان و بازگشت به سوی خدا بوده است.

۱۷ و ... **پیش روی (خداوند) خواهد خرامید**. کار عمده دیگر یحیی، آماده کردن یهودیان برای

باور نکردن یک فرشته، باور نداشتن خداست. زکریا سؤال کرد: «این را چگونه بدانم؟» (آیه ۱۸). وی خواهان آیتی بود. لذا فرشته نیز آیتی را نشان داد. وی به عنوان تنبیه ناباوری‌اش، برای مدتی یارای سخن گفتن را از دست داد.

۲۱-۲۵ هنگامی که زکریا بعد از سوزاندن بخور، از قدس بیرون آمد، نتوانست با مردم سخن گوید و مطابق رسم، ایشان را برکت دهد. سپس بعد از اتمام خدمتش در هیکل، به خانه بازگشت و همسرش باردار شد. وی گفت: «**خداوند ننگ مرا برداشت**» (آیه ۲۵). از نظر یهودیان، نازا بودن یک زن **ننگ** به شمار می‌رفت (پیدایش ۲۲:۳۰-۲۳).

تولد عیسی (۱: ۲۶-۳۸)

۳۵ سپس فرشته به مریم گفت که پسرش از پدری انسانی به وجود نمی‌آید، بلکه از روح خود خدا خواهد بود. عیسی حقیقتاً **پسر خدا** خواهد بود (متی ۱: ۱۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

هنگامی که یوسف از باردار شدن مریم آگاهی یافت، تصمیم گرفت که او را طلاق دهد (متی ۱: ۱۹). لیکن فرشته با یوسف نیز سخن گفت و او را متوجه ساخت که نباید مریم را طلاق دهد، زیرا که او از روح القدس حامله شده است، نه از مردی دیگر (متی ۱: ۲۰-۲۱، ۲۴-۲۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۶-۳۸ سپس فرشته خبر حامله شدن ایصابات را به مریم داد. ایصابات یکی از خویشان مادری مریم بود. برای مریم جایی برای شک باقی نمانده بود. اگر خدا می‌توانست به زن نازایی نظیر ایصابات فرزندی بدهد، می‌توانست به یک باکره نیز فرزندی دهد (پیدایش ۱۸: ۱۰-۱۴؛ مرقس ۱۰: ۲۷).

مریم به دیدار ایصابات می‌رود (۱: ۳۹-۴۵)

۳۹-۴۰ هنگامی که مریم از بارداری ایصابات مطلع شد، برای دیدار او به یهودا (ایالت یهودیه) در جنوب اورشلیم رفت.

۴۱-۴۴ هنگامی که ایصابات مریم را

۲۶-۲۸ در ماه ششم از بارداری ایصابات، خدا جبرائیل را نزد باکره‌ای مریم نام فرستاد که در شهر **ناصره** می‌زیست. وی به عقد مردی در آمده بود؛ اما تا آن زمان با هیچکس رابطه جنسی نداشت.

۲۹-۳۲ فرشته به مریم گفت که پسری خواهد زایید و نامش را **عیسی** یعنی «نجات‌دهنده» خواهد نهاد. این پسر، **پسر حضرت اعلی** نامیده خواهد شد، یعنی پسر خدا. او **تخت پدرش داود** یعنی پادشاه بزرگ یهودیان را به میراث خواهد برد (متی ۱: ۱ و تفسیر آن مشاهده شود). از اینرو می‌دانیم که مریم مادر عیسی از نسل داود بود. یوسف یعنی مردی که مریم به عقدش در آمده بود نیز از نسل داود بود (آیه ۲۷ مشاهده شود).

۳۳ فرشته همچنین گفت که عیسی **پسر خاندان یعقوب تا ابد پادشاهی خواهد کرد**. **خاندان یعقوب** همان اسرائیل یعنی قوم یهود^۵ است.

۵- یعقوب نوه ابراهیم اولین یهودی بود. نام دیگر یعقوب، اسرائیل بود. وی دوازده پسر داشت که دوازده سبط اسرائیل را به وجود آوردند.

عیسی مسیح بر اسرائیل روحانی نوین یعنی کلیسا سلطنت خواهد کرد. ملکوت یعنی حکومت او حکومتی روحانی خواهد بود.

تا بزرگترین رحمت و بزرگترین محبت خود را به جهان، با فرستادن پسر خود به دنیا برای نجات انسانها نشان دهد (یوحنا ۳:۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود). مریم چگونه می‌توانست چنین خدایی را ستایش نکند؟ ما نیز چگونه می‌توانیم او را ستایش نکنیم؟

تولد یحیی تعمید دهنده (۱:۵۷-۶۶)

۵۷-۶۰ تمامی پسران نوزاد یهودی در روز هشتم تولد ختنه می‌شدند (پیدایش ۱۷:۱۲؛ لایوان ۳:۱۲). در میان قوم یهود، معمولاً پدر نام نوزاد خود را به‌هنگام تولدش اعلام می‌کرد؛ لیکن زکریا از زمانی که جبرائیل را دیده بود، همچنان گنگ باقی مانده بود (آیه ۲۰). در اینجا بود که الیصابات با اطاعت از حکم فرشته (آیه ۱۳) گفت: «**اویحیی نامیده می‌شود**».

۶۱-۶۳ سپس زکریا تأیید کرد که نام کودک یحیی است.

۶۴-۶۶ زکریا بلافاصله بعد از آنکه نوشت «**نام اویحیی است**»، دوباره قدرت تکلمش را به‌دست آورد. دوستان و همسایگانی که برای مراسم ختنه‌گرد آمده بودند، حیران و هراسان شدند. ایشان دانستند که خداکار خاصی را بر دوش یحیی گذاشته است، زیرا کیفیت تولدش حیرت‌آور بوده است.

سرود زکریا (۱:۶۷-۸۰)

۶۷ سپس زکریا از روح‌القدس پر شده، نبوت کرد. هر زمان که انبیای عهدعتیق نبوت می‌کردند، به‌واسطه قدرت روح‌القدس قادر به این کار می‌شدند. روح‌القدس خدا یعنی خود

۶- از آنجا که زکریا نمی‌توانست سخن گوید، بدون شک کبأ الیصابات را آگاه ساخته بود که فرشته به او چه گفته است.

دید، روح‌القدس او را پر ساخت و به‌یکباره دانست که مریم مادر مسیحا، یعنی نجات‌دهنده خواهد بود. وی او را **مادر خداوند من** نامید (آیه ۴۳). به‌عنوان نشانه‌ای برای این که گفته فرشته به مریم حقیقت دارد، بجهت الیصابات **در رحم او** به حرکت درآمد.

۴۵ سپس الیصابات مریم را متبارک خواند زیرا که ایمان داشت که خدا گفته خود را به انجام خواهد رساند.

سرود مریم (۱:۴۶-۵۶)

۴۶-۴۹ هنگامی که مریم سخنان الیصابات را شنید، شروع به تمجید خدا کرد، زیرا که او را که یک دختر معمولی روستایی بود، برگزیده بود تا مادر مسیح موعود و پسر خدا گردد (اول قرنیتان ۱:۲۶-۲۹ و تفسیر آن مشاهده شود). هیچ زنی هرگز چنین افتخاری نیافته بود. وی خدا را **رهاننده** خویش خواند زیرا که به‌واسطه پسر خدا که در رحم او قرار داشت، تمامی کسانی را که به او ایمان آورند، نجات خواهد داد (اول تیموتاؤس ۲:۳).

۵۰-۵۶ سپس مریم، خدا را به‌خاطر رحمت خود بر **بنده خود اسرائیل** یعنی قوم یهود تمجید کرد (آیات ۵۴-۵۵). وی مخصوصاً خدا را ستایش کرد که به‌خاطر رحمتش، وعده خود را به **ابراهیم و ذریت او** (یعنی اعقابش) از طریق پسر او عیسی تحقق خواهد بخشید (پیدایش ۱۷:۷؛ ۱۷:۲۲). ابراهیم پدر قوم یهود بود.

خدا همواره نسبت به آنانی که از او می‌ترسند، رحمت نشان می‌دهد (آیه ۵۰). وی متکبران را به زیر افکنده و فروتنان را سرفراز می‌گرداند (آیه‌های ۵۱-۵۲). **خدا متکبران را مخالفت می‌کند، اما فروتنان را فیض می‌بخشد** (امثال ۳:۳؛ یعقوب ۴:۶). وی فقیران را کمک کرده، لیکن دولت‌مندان را تهی‌دست رد می‌کند (آیه ۵۳). و اینک خدا به‌واسطه مریم، می‌رفت

و قوم یهود. خدا فرموده بود که اگر یهودیان از احکام او اطاعت کنند، خدای ایشان بوده، آنان را محافظت کرده، هدایت خواهد نمود (خروج ۱۹:۵-۶).

۱۷۳-۱۷۵ خدا همچنین «شاخ نجاتی» یعنی نجات‌دهنده‌ای برافراشت، تا به سوگند خود به ابراهیم، یعنی اولین یهودی در دو هزار سال پیش از ایام مسیح، وفا نماید. از آنجا که ابراهیم مطیع خدا بود، خدا وعده داد که نسل وی را برکت داده (پیدایش ۱۵:۱۸-۲۲)، **ایشان را از دست دشمنانشان** (آیه ۷۴) **نجات خواهد دهد**. خدا به ایشان وعده داد که سرزمینی را به ایشان خواهد داد (پیدایش ۱۵:۱۸) که در آن بتوانند در امنیت و بی‌خوف زندگی کنند و خدا را در قدوسیت و عدالت عبادت کنند (آیه ۷۵).

۱۷۶ از این آیه، سرود زکریا از سرود تسبیح به سرود نبوت تغییر می‌یابد. زکریا نبوت کرده که پسرش **نبی حضرت اعلی** - یعنی نبی خدا خواهد بود (متی ۹:۱۱)، و راه را برای خداوند، یعنی مسیح **مهیا خواهد ساخت** (مرقس ۱:۲-۳؛ لوقا ۱:۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۷۷ یحیی می‌بایست به قوم خود یعنی یهودیان، **معرفت نجات** را ببخشد، یعنی نجات جانهایشان، نجاتی روحانی. اکثر یهودیان تنها در مورد «نجات» دنیوی، یعنی نجات از دست دشمنان سیاسی و دنیوی‌شان می‌اندیشیدند. لیکن یحیی آمد تا به ایشان بگوید که نیاز واقعی ایشان، رهایی یا نجات از دست دشمنان روحانی‌شان یعنی گناهانشان می‌باشد (متی ۲۱:۱ و تفسیر آن مشاهده شود). این نجات تنها هنگامی شامل ایشان خواهد شد که گناهانشان را اعتراف کرده، آمرزش را دریافت دارند. به این دلیل است که یحیی آمد تا توبه را موعظه کرده، مردم را تعمیم دهد تا از گناهانشان طاهر شوند (مرقس ۱:۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

خدا از طریق گفته‌ها و نوشته‌های انبیا سخن می‌گفت (دوم پطرس ۱:۱۹-۲۱ و تفسیر آن مشاهده شود).

بعد از مرگ و قیام مسیح، روح‌القدس بر شاگردان نازل شده، با ایشان ماند. عیسی به ایشان فرمود که «(روح‌القدس) **با شما می‌ماند و در شما خواهد بود**» (یوحنا ۱۴:۱۷). برای مسیحیان، روح‌القدس تنها در مواقعی خاص نازل نمی‌شود. روح‌القدس دائماً در هر ایمان‌داری زندگی می‌کند (اول قرن‌تیان ۱۹:۶ مشاهده شود).

۶۸-۶۹ زکریا می‌دانست که پسرش رسالت دارد تا **قومی مستعد** (یهودیان) **برای خداوند مهیا سازد** (آیه ۱۷). وی این را نیز می‌دانست که سرور آسمانی هم‌اینک در رحم مریم قرار دارد. بنابراین، خدا را حمد نمود «**زیرا از قوم خود تفقد نمود**» (آیه ۶۸). خدا مسیحا یا فدیه‌کننده را به زمین فرستاد. زکریا او را **شاخ^۷ نجات**، یا نجات‌دهنده (آیه ۶۹) نامید که از خاندان داود آمده است. نجات‌دهنده آمد تا قومش را نجات دهد، یعنی آمد تا بهای گناهان ایشان را بپردازد و بدینسان ایشان را با خدا مصالحه دهد.

۷۰ خدا به واسطه انبیا پیش در عهدعتیق گفته بود که چنین نجات‌دهنده‌ای را خواهد فرستاد. اکنون این نبوت‌ها متحقق شده بود.

۷۱ یهودیان بر این باور بودند که مسیحا یا نجات‌دهنده، ایشان را از دست دشمنانشان نجات خواهد داد. در روزگار عیسی، اسرائیل تحت حاکمیت و سلطه امپراطوری روم بود؛ ایشان آزادی و استقلال خود را از دست داده بودند و مورد ظلم و ستم قرار داشتند. بنابراین، امید ایشان به آمدن مسیحا بود که ایشان را از ظلم دشمنانشان یعنی رومیان نجات دهد.

۷۲ خدا «شاخ نجاتی» برافراشت تا **رحمت** خود را به یهودیان **نشان دهد و عهد مقدس خود** را به خاطر آورد. این عهد، میثاقی بود میان خدا

۷- شاخ، در صنایع بدیع یهودیان نشانه قوت بود.

۷۸ نجات بشر در اثر **احشای رحمت** (رحمت ملاطفت‌آمیز) خدا که پسرش عیسی یعنی **سپیده** (خورشید طلوع‌کننده) را از آسمان فرستاد تا قومش اسرائیل را نجات دهد، امکان‌پذیر است.

۷۹ در اینجا زکریا می‌گوید که عیسی نور درخشانی در تاریکی مطلق خواهد بود که انسانها را **در طریق سلامتی** یعنی مصالحه با خدا هدایت خواهد کرد (متی ۱۶:۴؛ یوحنا ۴:۱؛ ۱۲:۸؛ رومیان ۱:۵ و تفسیر آنها مشاهده شود). یحیی‌ای تعمیددهنده نیز کسی خواهد بود که آمدن عیسی نجات‌دهنده را بشارت خواهد داد (یوحنا ۱:۶-۹).

تمام اموری که زکریا نبوت کرد، دقیقاً به همان شکلی که او پیشگویی کرده بود، واقع شد. **۸۰** یحیی تعمیددهنده در بیابان بزرگ شد. او تا هنگام آغاز خدمت علنی‌اش در آنجا ماند. وی نیازی به تحصیل رسمی نداشت چرا که مستقیماً از خدا آموزش می‌یافت.

باب ۲

تولد عیسی (۲:۱-۲۰)

۱ **اوغسطس قیصر** از سال ۳۱ پیش از میلاد تا سال ۱۴ میلادی، امپراتور روم بود. پایتخت امپراطوری روم شهر روم بود (پایتخت کنونی ایتالیا). در دوران عهدجدید، رومیها تقریباً تمامی کشورهای اطراف دریای مدیترانه را فتح کرده بودند و استیلایشان تا به فرانسه و انگلستان نیز رسیده بود. بدین‌سان حاکمیت امپراطوری روم تقریباً بر سراسر اروپا، آفریقای شمالی و خاورمیانه سایه افکنده بود. اسرائیل و سوریه نیز جزو کشورهای فتح شده بودند.

اوغسطس به‌تازگی شیوه‌ی اداره‌ی این کشورها و ایالت‌های تسخیر شده را از نو سازماندهی کرده بود. به همین جهت، دستور داده بود تا سرشماری جدیدی به‌عمل آید.

۲ این سرشماری از حدود سال ۴ پیش از

میلاد یعنی زمان ولادت عیسی (متی ۱:۲ و تفسیر آن مشاهده شود) آغاز شد. سرشماری هنگامی به اتمام رسید که کرینوس والی سوریه بود، یعنی در سال ۶-۹ میلادی.^۸

۳-۴ بر طبق حکم امپراطور، هر کس می‌بایست در شهر خود اسم‌نویسی کند. یوسف، نامزد عقدی مریم از نسل داود بود (متی ۱:۲۰؛ لوقا ۱:۲۷). داود هزار سال پیش از آن در **بیت‌لحم** به دنیا آمده بود. لذا تمامی نسل داود می‌بایست در بیت‌لحم که شهر کوچکی در ده کیلومتری جنوب اورشلیم بود، سرشماری می‌شدند.

بدین طریق، نبوت میکا مبنی بر اینکه مسیح در بیت‌لحم متولد خواهد شد، متحقق گشت (میکا ۵:۲؛ متی ۲:۴-۶).

۵-۷ هنگامی که ایشان عازم بیت‌لحم شدند، یوسف هنوز با مریم نامزد عقدی خود، همبستر نشده بود (متی ۱:۲۴-۲۵). لوقا می‌گوید که **مریم نامزد شده بود** (آیه ۵). یعنی وی شرعاً به عقد یوسف در آمده بود، اما هنوز با او در یک خانه زندگی نمی‌کرد.

مریم بعد از رسیدن به بیت‌لحم، وضع حمل کرد و عیسی چشم به جهان گشود. از آنجا که در مهمانسرا اتاقی نبود، مریم و نوزاد در یک اصطبل اقامت گزیدند. چنین بود تولد محقرانه‌ی پسر خدا!

۸-۱۲ مژده‌ی ولادت عیسی نخست به چوپانان داده شد، یعنی به مردمانی معمولی و ظاهراً بی‌منزلت. فرشتگان به ایشان گفتند: **«بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم»** (آیه ۱۰).

آن **بشارت** عبارت بود از انجیل مسیح، یعنی خبر

۸- شواهد تاریخی بسیاری حکایت از این دارند که کرینوس در زمان ولادت عیسی نیز والی سوریه بود. سوریه در شمال شرقی اسرائیل واقع شده است. در ایام عیسی، یهودیه (ایالت جنوبی اسرائیل که پایتخت آن اورشلیم است)، بخشی از سوریه بود.

خوش نجات. خبر خوش برای تمامی مردم - یعنی در اصل برای تمامی قوم اسرائیل، یعنی یهودیان بود. اما برای غیریهودیان نیز خبر خوش به‌شمار می‌رفت (آیه‌های ۳۰-۳۲). نجات برای تمامی مردم است - چه یهودی و چه غیریهودی؛ برای تمام آنانی که خبر خوش را دریافت کرده، به مسیح ایمان می‌آورند (یوحنا ۱۶:۳).

بدین طریق، نبوت اشعیا متحقق شد که می‌فرماید: «زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسرى به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را انتها نخواهد بود» (اشعیا ۹:۶-۷).

۱۳-۱۵ فوجی از لشکر آسمانی، یعنی انبوهی از فرشتگان بر شبانان ظاهر شدند و خدا را تسبیح می‌کردند. بلافاصله بعد از عروج فرشتگان، چوپانان که دچار حیرت و هیجان شده بودند، شتافتند تا نجات‌دهنده را بیابند.

۱۶-۲۰ چوپانان عیسی را درست همانجایی یافتند که فرشتگان گفته بودند. چوپانان به همه بازگو کردند که فرشتگان چگونه بر ایشان ظاهر شدند و در مورد تولد نجات‌دهنده یا مسیح موعود مطالبی به ایشان گفتند. **و مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می‌داشت (آیه ۱۹).** یقیناً سالها بعد، مریم برخی از این چیزها را برای پیروان عیسی تعریف کرد. شاید مریم حتی به خود لوقا هم مطالبی را گفته بود، و سپس لوقا این بخش از انجیل خود را بر اساس گفته‌های او نوشت.

تقدیم عیسی در هیکل (۲: ۲۱-۳۸)

۲۱ هنگامی که مسیح هشت روزه شد، ختنه گردید و بنا به توصیه جبرائیل، او را عیسی نام نهادند (لوقا ۱: ۳۱). با وجود اینکه وی پسر خدا بود، مطیع شریعت یهود گردید تا به حد کمال

شریعت را تحقق بخشد و عدالت را به کمال برساند (متی ۳: ۱۵؛ ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۴: ۴).

۲۲-۲۴ چهل روز بعد از تولد عیسی، مریم و یوسف عازم اورشلیم^۹ شدند. ایشان به دو دلیل به اورشلیم رفتند. ابتدا به هیکل، یعنی خانه خدا رفتند تا عیسی را به خداوند بگذرانند (آیه ۲۲). بر طبق شریعت خداوند (شریعت یهود)، تمامی نخست‌زادگان ذکور چه از حیوانات و چه از انسانها، برای خدا مقدس تلقی می‌شد (آیه ۲۳). نخست‌زاده حیوانات حلال گوشت قربانی می‌شد، یعنی به خدا تقدیم می‌گردید. نخست‌زاده انسانها قربانی نمی‌شد، بلکه می‌بایست با پرداخت هدیه‌ای نقدی در سن یک ماهگی، فدیة داده می‌شد (خروج ۲: ۱۳، ۱۲-۱۳؛ اعداد ۱۸: ۱۵-۱۶).

دلیل دوم عزیمت مریم و یوسف به اورشلیم، گذراندن قربانی تطهیر بود (آیه ۲۴). بر طبق شریعت یهود، مادر و پسر نوزاد برای مدت چهل روز بعد از تولد نوزاد «نجس» تلقی می‌شدند. در آن هنگام برای طاهر شدن مادر و کودکش می‌بایست قربانی گذرانده می‌شد. برای مردم فقیر قربانی عبارت بود از یک جفت فاخته یا دو جوجه کبوتر (لاویان ۱۲: ۱-۸).

۲۵ لوقا نشانه دیگری ارائه می‌دهد تا ثابت کند که عیسی به‌راستی نجات‌دهنده، یعنی مسیح موعود اسرائیل بود. وی به شخصی اشاره می‌کند، به نام شمعون که در انتظار تسلی یعنی نجات اسرائیل بود. به عبارت دیگر، وی در انتظار دیدن مسیح خداوند یعنی مسیح موعود^{۱۰} بود که آمده بود تا قومش را نجات

۹- اورشلیم پایتخت یهودا، ایالت جنوبی اسرائیل بود و شهر عمده یهودیان به‌شمار می‌رفت. هیکل یهود در آنجا قرار داشت.

۱۰- مسیح خداوند یعنی کسی که از جانب خدا مسح شده تا رسالتی خاص را در میان قوم اسرائیل تحقق بخشد.

دهد.

۲۶-۲۸ روح القدس به شمعون وحی نموده بود که تا مسیحای موعود را نبیند، چشم از جهان فرو نخواهد بست. بنابراین، هنگامی که مریم و یوسف عیسی را به هیکل آوردند، شمعون در اثر وحی روح القدس، عیسی نوزاد را فوراً شناخت و او را در آغوش گرفت.

۲۹-۳۲ سپس شمعون خدا را تمجید کرد. او اکنون می توانست در آرامش جان به جان آفرین بسپارد، چرا که نجاتی را که خدا وعده داده بود، یعنی نه تنها نجات اسرائیل، بلکه نجات **غیریهودیان** - نجات تمامی جهان - را دیده بود (اشعیا ۴۹:۶؛ ۵۲:۱۰؛ مزمو ۹۸:۲-۳).

۳۳ با وجود اینکه فرشته به مریم و یوسف گفته بود که پسرشان، عیسی، نجات دهنده و پسر خدا می باشد، با اینحال از سخنان شمعون دچار حیرت شدند. پسر ایشان نه تنها نجات دهنده اسرائیل، بلکه نجات دهنده کل جهان خواهد بود.

۳۴ شمعون پس از برکت دادن مریم و یوسف و فرزندشان، گفت: «**این طفل قرار داده شد، برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل**». کسانی که به مسیح ایمان آورده، نجات او را دریافت می دارند، «برخواهند خاست». کسانی که او را رد می کنند، «خواهند افتاد» یعنی محکوم خواهند شد (یوحنا ۳:۱۸، ۳۶ مشاهده شود). مسیح سنگ زاویه ای است که بر روی آن کلیسا یعنی «اسرائیل نوین» بر خواهد خاست (افسیان ۱۹:۲-۲۱؛ اول پطرس ۲:۶ و تفسیر آنها مشاهده شود). اما همان سنگ در صورتی که رد شود، سنگی خواهد شد که به واسطه آن انسانها خواهند افتاد (متی ۲۱:۴۴؛ اول پطرس ۲:۷-۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

شمعون همچنین گفت که عیسی **آیتی خواهد بود که به خلاف آن خواهند گفت**. عیسی

آیت داوری است. وی ابتدا آمد تا انسانها را نجات دهد، لیکن بار دوم خواهد آمد تا ایشان را داوری کند (متی ۲۴:۳۰؛ مرقس ۱۳:۲۶؛ ۱۴:۶۱-۶۲؛ یوحنا ۵:۲۲-۲۳ و تفسیر آنها مشاهده شود). عیسی با شمشیری آمد تا عادل را از غیر عادل جدا سازد (متی ۱۰:۳۴). عیسی «آیتی» است که چنین می فرماید: «کسانی که ایمانشان را در من ننهاد، از من پیروی نمی کنند، ملعون هستند. **هیچکس نزد پدر نمی آید مگر به واسطه من**» (یوحنا ۱۴:۶).

اکثر یهودیان، یعنی همان کسانی که مسیح در وهله اول برای نجاتشان آمده بود، او را رد کرده، بر خلاف او سخن گفتند و سر انجام او را به قتل رساندند. یهودیان، این قوم برگزیده و مبارک خدا، برکت خود را از دست دادند؛ ایشان میراث خود را از کف دادند؛ ایشان افتادند. اما برکت به امته منتقل شد، به ملت هایی که مسیح را پذیرفتند و به او ایمان آوردند (متی ۲۱:۴۳).

۳۵ آمدن مسیح به این جهان سبب شد که **افکار قلوب بسیاری مکشوف شود**. آنگاه آشکار خواهد شد که چه کسانی ایمان داشته اند و چه کسانی نداشته اند؛ چه کسانی خدمتگزاران راستین خدا بوده اند و چه کسانی نبوده اند. خدا به دینداری و خداپرستی ظاهری ما نمی نگرد؛ خدا به آن حالت قلبی که نسبت به مسیح داریم می نگرد. فقط آنانی در عاقبت در نظر خدا عادل به شمار خواهند آمد که عدالت مسیح را از طریق ایمان دریافت دارند. (غلاطیان ۲:۱۵-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

آنگاه شمعون نبوت کرد که **شمشیر** به قلب مریم فرو خواهد رفت. شمشیر عبارت بود از قتل پسرش. وی شاهد خواهد بود که رهبران قوم خودش، پسر نخست زاده او را بر روی صلیب خواهند کشت.

۳۶-۳۸ بعد از سخنان شمعون، حنای نبیه نیز در مورد عیسی کودک سخن گفت. وی

شد، یوسف و مریم به همراه عیسی، مطابق معمول برای عید فصح به اورشلیم رفتند. اما در راه بازگشت به خانه، عیسی با والدین خود نرفت. صدها یهودی به اتفاق هم به ناصره باز می‌گشتند و یوسف و مریم گمان کردند که عیسی در میان قافله است و به جای اینکه در کنار والدینش باشد، در کنار بستگان و دوستان دیگر می‌باشد. اما بعد از یک روز سفر، یوسف و مریم متوجه شدند که عیسی اصلاً در قافله نیست. پس به اورشلیم بازگشتند.

۴۶-۴۱ بعد از سه روز، عیسی را در هیکل یافتند که با معلمین شریعت گفتگو می‌کند. کسانی که به سخنان عیسی گوش می‌دادند، از فهم او دچار حیرت شده بودند (آیه ۴۷). لیکن والدینش او را سرزنش کردند که چرا باعث نگرانی‌شان شده است.

۴۹-۵۰ عیسی در پاسخ فرمود: «چرا می‌بایست نگران بشوید. شما که می‌بایست بدانید که مرا کجا باید بیابید. من باید در **خانه پدرم** مشغول کار باشم»، یعنی در هیکل.

از این نکته در می‌یابیم که عیسی از همان کودکی می‌دانست که پسر خدا و مسیح موعود است. اما والدینش هنوز به‌طور کامل درک نکرده بودند که چرا پسر دوازده ساله‌شان می‌بایست سه روز در هیکل بماند.

۵۱-۵۲ والدین عیسی اصرار کردند که وی به همراه ایشان به خانه بازگردد و لوقا می‌گوید که او **مطیع ایشان** بود. و عیسی در **حکمت و قیامت ترقی می‌کرد.**

از این هنگام به بعد، تاروی که هجده سال بعد به دست یحیی تعمیددهنده تعمیم یافت، آگاهی‌مان در مورد عیسی بسیار اندک است. از مرقس ۳:۶ چنین برمی‌آید که عیسی حرفه

از **سبط اشیر**^{۱۱} بود. وی با همه **منتظرین نجات در اورشلیم** تکلم نمود. بسیاری از یهودیان اورشلیم به‌راستی نیز در انتظار مسیحی نجات‌دهنده بودند تا آمده، نجات را برای اسرائیل به ارمغان آورد. با اینحال هنگامی که او آمد، اکثر ایشان تشخیص ندادند که او همان مسیح موعود است. ایشان باور نکردند که پسر خدا در آخری به دنیا آمده، و پسر نجاری فقیر و زنی روستایی باشد.

کودکی عیسی (۲: ۳۹-۵۲)

۳۹ در این آیه، لوقا می‌فرماید که خانواده عیسی به شهر خودشان، ناصره در ایالت جلیل، در بخش شمالی اسرائیل، بازگشتند. اما پیش از بازگشتشان، ستاره‌شناسانی از مشرق‌زمین به دیدارشان آمدند که شرح آن در متی ۲: ۱-۱۲ آمده است. آنگاه، از ترس هیرودیس، آن پادشاه ستمگر، به مصر گریختند (متی ۲: ۱۳-۲۳ مشاهده شود). پس از مرگ هیرودیس بود که یوسف و مریم توانستند همراه عیسی به ناصره بازگردند.

۴۰ به غیر از آنچه که در آیات ۴۰ تا ۵۲ آمده، چیز دیگری در باره دوران کودکی عیسی نمی‌دانیم. عیسی با اینکه پسر خدا بود، شکل انسان به خود گرفته بود و از یک زن به دنیا آمد. به همین سبب، می‌بایست همچون تمامی انسانها رشد کند. اما از همان ابتدا، او از حکمت و فیض پدر آسمانی‌اش پر بود.

۴۱ اورشلیم پایتخت ملت یهود بود. معبد بزرگ یهود نیز که کانون عبادت همه یهودیان بود، در آن واقع بود (مرقس ۱: ۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود). هزاران یهودی هر ساله به اورشلیم سفر می‌کردند تا **عید فصح** را برگزار کنند (مرقس ۱: ۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود). بنابراین، یوسف و مریم نیز هر سال به همین منظور به اورشلیم می‌رفتند.

۴۲-۴۵ هنگامی که عیسی دوازده ساله

۱۱- «اشیر» یکی از دوازده پسر یعقوب، نوه ابراهیم، بود. دوازده سبط یا قبیله اسرائیل، نسل دوازده پسر یعقوب می‌باشند.

خودشان نیز ضروری است. ایشان خود را عادل و دیندار می‌شمردند زیرا که قوم برگزیده خدا و از نسل ابراهیم بودند. یهودیان معتقد بودند که غیریهودیان چون «گناهکار» هستند، به تعمیم نیاز دارند (غلاطیان ۲:۱۵). لیکن تصور می‌کردند که خودشان نیاز به این ندارند که به این طریق خاص^{۱۳} ظاهر شوند.

با اینحال، بسیاری از یهودیان موعظه یحیی را پذیرفته، آمدند تا تعمیم گیرند. ایشان از خدا می‌ترسیدند و فکر می‌کردند که به واسطه تعمیم می‌توانند خود را در برابر داوری خدا محافظت نمایند. لیکن یحیی می‌دانست که بسیاری از یهودیانی که نزدش می‌آمدند، صادق نیستند. خصوصاً می‌دانست که فریسیان و صدوقیان ابداً صادق نیستند (متی ۲۳:۷ و تفسیر آن مشاهده شود). ایشان تعمیم را فقط رسمی ظاهری همانند دیگر رسوم مذهبی می‌دانستند. لیکن یحیی به ایشان می‌گفت که باید حقیقتاً توبه کنند؛ و برای توبه واقعی می‌بایست اعمال توبه را بجا آورند (آیه ۸).

لذا، در اینجا در آیه ۱۰ یهودیان از یحیی سؤال می‌کنند که «این اعمال توبه کدامند؟»

۱۱ یحیی به ایشان پاسخ داد که باید اعمال محبت را به جا آورند. باید همسایه خود را دوست بدارند (مرقس ۱۲:۳۱). باید با همنوع خود طوری رفتار کنند که دوست دارند با خودشان رفتار شود (متی ۷:۱۲)؛ باید خوراک و پوشاک خود را با نیازمندان تقسیم کنند (یعقوب ۲:۱۴-۱۶).

۱۲-۱۳ باجگیران^{۱۴} نیز سؤال کردند که

۱۲- امپراتور روم، به والیان محلی نظیر هیرودیس و فیلیپس اجازه داده بود که بخشهای کوچکی از امپراطوری روم را اداره کنند.

۱۳- یهودیان برای کفاره گناه، قربانی می‌گذرانند.

۱۴- در مورد باجگیران در مرقس ۲:۱۴ و تفسیر آن بحث شده است.

پدرش یوسف را یعنی نجاری را در پیش گرفته بود (متی ۱۳:۵۵).

باب ۳

یحیی تعمیم‌دهنده راه را برای عیسی آماده می‌کند (۳:۱-۲۰)

(متی ۳:۱-۳، ۷-۱۲؛ مرقس ۱:۴-۷، ۸-۷)

۱ بین سالهای ۱۴ تا ۳۷ میلادی، **تیرئوس قیصر**، امپراتور روم بود. بنابراین **پانزدهمین سال** حکومت او مصادف با سال ۲۸ میلادی می‌شود. در این سال یحیی خدمت علنی خود را آغاز کرد.

پنطیوس پیلاطس بین سالهای ۲۶ تا ۳۶ میلادی والی یهودیه بود. وی بعداً حکم مصلوب شدن عیسی را صادر کرد. **هیرودیس**، پسر هیرودیس کبیر بود که در زمان تولد عیسی حکومت می‌کرد (متی ۲:۱). در اینجا هیرودیس، **تیتراک جلیل** خوانده شده است؛ منظور این است که او بر ایالت جلیل^{۱۲} حکومت می‌کرد. وی بعداً سر از تن یحیی جدا کرد (مرقس ۶:۱۶-۱۷).

۲ هنگامی که یحیی بر صحنه ظاهر شد، **قیافا** کاهن اعظم یهود بود. **حنا** پدر زن قیافا، پیش از او کاهن اعظم بود، لیکن رومیان او را عزل کرده بودند. با اینحال مردم همچنان او را کاهن اعظم تلقی می‌کردند و او همواره از نفوذ زیادی برخوردار بود (یوحنا ۱۲:۱۸-۱۳؛ اعمال ۴:۶).

۳-۶ مرقس ۱:۳-۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

۷-۹ متی ۳:۷-۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۰ موعظه یحیی برای یهودیان تازگی داشت. وی می‌گفت که انسان باید توبه کرده، سپس تعمیم گیرد. یهودیان بت‌پرستانی را که می‌خواستند به کیش یهود بگروند، تعمیم می‌دادند، لیکن فکر نمی‌کردند که تعمیم برای

باب ۴ تجربه عیسی (۱:۴-۱۳)

(متی ۱:۴-۱۷)

۱۳-۱ متی ۱:۴-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

طرد عیسی از ناصره (۴:۱۴-۳۰)

۱۴-۱۵ هنگامی که عیسی تعمید گرفت، روح القدس بر وی نازل شد (لوقا ۳:۲۲). وی پر از روح القدس گردید (آیه ۱). عیسی با پر شدن از روح القدس، آماده بود تا با وسوسه‌های شیطان مقابله کند (آیه‌های ۳-۱۳). سپس هنگامی که با شیطان مقاومت ورزید و بر او پیروز گردید، به قوت روح به جلیل بازگشت (آیه ۱۴).

هنگامی که در مقابل شیطان مقاومت می‌کنیم - یعنی از گناه و امیال گناه‌آلود رویگردان می‌شویم - قوت روح القدس تماماً زندگی ما را فرا می‌گیرد. لیکن اگر در یک نقطه در برابر شیطان ضعف نشان دهیم، آن قوت را از دست می‌دهیم.

عیسی کارهای پر توانش را به واسطه قدرت روح القدس انجام داد. او بعدها به شاگردان نیز فرمود که منتظر روح القدس شوند تا بر ایشان نازل شود و به آنان قوت دهد (لوقا ۲۴:۴۹؛ اعمال رسولان ۱:۸ و تفسیر آنها مشاهده شود). تنها بعد از آن خواهد بود که خواهند توانست شاهدان مؤثری برای او باشند. پیروان مسیح بدون قوت روح القدس، نمی‌توانند به گونه‌ای مؤثر برای خدا کار کنند. بدون روح القدس، موعظه و تعلیم ما فاقد قدرت می‌گردد. به همین دلیل است که هنگامی که عیسی با قدرت روح القدس به مردم تعلیم می‌داد، ایشان متحیر می‌شدند و خیر او را در تمامی نواحی منتشر می‌ساختند (متی ۷:۲۸-۲۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۶-۱۷ بسیاری از محققین کتاب مقدس

چه باید بکنند. اکثر باجگیران به مردم اجحاف می‌کردند؛ به همین دلیل مورد نفرت بودند؛ مردم آنان را گناهکاران بزرگی می‌دانستند.

یحیی به ایشان نگفت که نباید دیگر باج بگیرند. باج گرفتن گناه نبود (مرقس ۱۲:۱۷ مشاهده شود). لیکن به ایشان گفت که وظیفه و شغل خود را با صداقت انجام دهند.

۱۴ یحیی همان توصیه را به سربازان کرد. این سربازان یهودیانی بودند که هیروودیس، تیتارک جلیل را خدمت می‌کردند. توجه داشته باشید که یحیی سه چیز را به ایشان گفت: اولاً «بر کسی ظلم مکنید» ثانیاً «بر هیچکس افترا مزنید» و ثالثاً «به مواجب خود اکتفا کنید» - یعنی «در جستجوی مزایای اضافی برای خود مپاشید». سخنان یحیی نه تنها در مورد سربازان، بلکه در مورد همه ما نیز صدق می‌کند.

۱۵ در میان یهودیان این تفکر به تدریج شکل گرفت که یحیی شاید همان مسیح موعود است. لیکن وی بلافاصله به ایشان گفت که مسیحا نیست (یوحنا ۱:۱۹-۲۰). وی گفت: «شخصی توانا تر از من می‌آید» (آیه ۱۶).

۱۶ مرقس ۱:۷-۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۷-۱۸ متی ۳:۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۹-۲۰ مرقس ۶:۱۷-۱۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

تعمید عیسی (۳:۲۱-۲۲)

(متی ۳:۱۳-۱۷؛ مرقس ۱:۹-۱۱)

۲۱-۲۲ مرقس ۱:۹-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

نسب نامه عیسی (۳:۲۳-۳۸)

(متی ۱:۱-۱۷)

۲۳-۳۸ متی ۱:۱-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

را ببخشاید (مرقس ۲: ۵، ۱۰-۱۲).
 مسیح فرستاده شد تا **کوران را بینایی** بخشد.
 وی نه تنها چشمان جسمانی انسانها را گشود،
 بلکه چشمان روحانی ایشان را نیز باز کرد.
 وی فرستاده شد تا **کوبیدگان^{۱۷} را آزاد سازد**.
 مردم از سوی حکام رومی، رهبران ریاکار
 خودشان، و ثروتمندان و قدرتمندان کوبیده
 شده بودند. اما نه فقط این، بلکه در اثر ترس و
 شک و خواهشهای گناه‌آلود نیز تحت ظلم و
 ستم بودند. مسیح برای ایشان آزادی، سلامتی و
 شادمانی را به ارمغان آورد.

سرانجام عیسی فرستاده شده بود تا **سال**
پسندیده خداوند را موعظه کند؛ او آمده بود تا
 ظهور مسیح موعود، یعنی تسلی اسرائیل را
 اعلام نماید (لوقا ۲: ۲۵).

۲۰ همه حضار در کنیسه از شیوه قرائت
 عیسی حیرت زده شده بودند. مردم بارها و بارها
 به این آیات از کتاب اشعیا گوش فرا داده بودند،
 لیکن هرگز نشنیده بودند که این آیه‌ها این‌گونه
 قرائت شوند! گویی خود اشعیا سخن می‌گفت؛
 اما نه، کسی برتر از او، خود مسیحا!

۲۱ عیسی بعد از اتمام قرائت کتاب اشعیا،
 به حاضرین فرمود «**امروز این نوشته در گوشهای**
شما تمام شد». مسیحا آمده است! انجیل موعظه
 می‌شود، اسیران آزاد می‌گردند، نابینایان بینایی
 می‌یابند. دوره مسیحا فرا رسیده است.»

۲۲ ابتدا مردم از سخنان عیسی لذت بردند
 (آیه ۱۵) اما لحظه‌ای بعد، شخصی او را
 شناخت! برای همین، مردم شروع کردند به گفتن
 اینکه: «چه! او کسی نیست جز پسر یک نجار»

۱۵- تفسیر مرقس ۱: ۶ و پاورقی تفسیر آن مشاهده
 شود.

۱۶- در دوره عهدجدید، کتاب‌ها بر روی
 طومارهایی نوشته می‌شد و به‌صورت لوله پیچیده
 می‌شد (عبرانیان ۷: ۱۰ مشاهده شود).

۱۷- عیسی این کلمات را از اشعیا ۵۸: ۶ نقل کرد.

بر این باورند که بازدید از ناصره که در اینجا در
 آیه‌های ۱۶-۳۰ توصیف شده است، همان
 بازدید است که در متی ۵۳: ۱۳-۵۸ و مرقس
 ۱: ۶-۱۵ آمده است. به عقیده ایشان لوقا این
 حکایت را از این جهت در ابتدای انجیلش آورده
 است تا هدف اصلی خدمت عیسی را به‌روشنی
 توضیح دهد (آیه‌های ۱۸-۱۹). بر طبق آیه ۲۳،
 عیسی پیش از آنکه به ناصره برود، ابتدا به دیگر
 شهرها نظیر کفرناحوم رفت.

یهودیان مراسم مذهبی‌شان را در دهکده‌ها
 در کنیسه برگزار می‌کردند. این مراسم، روزهای
سبّت یعنی شنبه‌ها برگزار می‌شد. رسم بر این
 بود که در هر جلسه صحیفه‌ای^{۱۶} از عهدعتیق
 خوانده شود. غالباً از میهمانان کنیسه دعوت
 می‌شد که متن کلام را خوانده، یا تفسیری از آن
 را ارائه دهند (اعمال رسولان ۱۳-۱۴، ۱۵، ۴۲؛
 ۱۷: ۱-۴).

۱۸-۱۹ صحیفه اشعیا نبی را به عیسی
 دادند تا بخواند. وی اشعیا ۶۱: ۱-۲ را قرائت
 فرمود که نبوت‌های مربوط به مسیحا را بازگو
 می‌کند. بدین‌سان، هنگامی که عیسی آن را
 خواند، حقیقتاً در مورد خود سخن می‌گفت.

روح خداوند بر من است (آیه ۱۸). عیسی
 به‌واسطه روح‌القدس قوت یافته بود؛ او پر از
 روح‌القدس بود (آیه‌های ۱، ۱۴). روح به‌گونه‌ای
 نامحدود به او عطا شده بود (یوحنا ۳: ۳۴).

...**زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت**
دهم. عیسی «شخص مسح شده» بود (لوقا
 ۲۵: ۲ مشاهده شود). در اینجا **فقیران** تنها به
 مستمندان اشاره نمی‌کند، بلکه **فقیران و مسکینان**
در روح را نیز شامل می‌شود (متی ۵: ۳ مشاهده
 شود). مسکینان و فقیران در روح هستند که با
 شادمانی **خبر خوش** نجات را دریافت می‌دارند.

مرا فرستاد تا اسیران را رستگاری دهم. در
 اینجا تنها منظور زندانیان نبوده، بلکه اسیران
 گناه، اسیران شیطان نیز منظور نظر است. مسیح
 آمد تا ایشان را آزاد سازد، یعنی آمد تا گناهانشان

(مرقس ۱:۶-۳؛ یوحنا ۶:۴۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۲۳ عیسی مشاهده کرد که مردم ناصره که هموطنان او بودند، پر از ناباوری هستند. ایشان نمی‌توانستند باور کنند که پسر یک نجار از شهر خودشان بتواند تبدیل به چنین شخصیتی شود. شاید که حسادت می‌کردند. به‌هرحال، از ایمان آوردن امتناع ورزیدند.

عیسی دل ایشان را می‌شناخت. آنان خواهان این بودند که وی در مقابل چشمانشان معجزه‌ای انجام دهد تا ثابت شود که مسیح موعود است. ایشان گفتند: «بگذارید که کسی را از شهر خود شفا دهد». آنان شنیده بودند که وی در جاهای دیگر معجزاتی انجام داده است. پس می‌خواستند که در ناصره نیز معجزه‌ای انجام دهد.

۲۴ لیکن عیسی می‌دانست که حتی اگر در مقابلشان معجزه‌ای انجام دهد، باز ایمان نخواهند آورد. برای همین عده کمی را شفا داد. اما به‌دلیل ناباوری مردم، نتوانست کارهای بزرگ دیگری در ناصره انجام دهد (متی ۱۳:۵۸؛ مرقس ۶:۶ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۲۵-۲۶ سپس عیسی چیزی گفت که مردم را خشمگین ساخت. وی خاطر نشان کرد که الیاس نبی نیز در ایام خشکسالی در اسرائیل، با ناباوری و بی‌ایمانی مواجه شد. بنابراین رفت و نزد بیوه‌زن غیریهودی در صَرفه، در شمال اسرائیل اقامت گزید (اول پادشاهان ۱۷:۷-۱۶).
۲۷ به همان طریق نیز یهودیان به الیشع نبی ایمان نیاوردند. لذا وی برکتش را از اسرائیل برگرفته، یک بت‌پرست جذامی را در عوض شفا داد (دوم پادشاهان ۵:۱-۱۵).

منظور عیسی این بود: اگر یهودیان وی را همانند الیاس و الیشع طرد کنند، او نیز آنان را طرد کرده، نزد غیریهودیان خواهد رفت (متی ۲۱:۴۳ مشاهده شود). به‌راستی نیز مسیح غالباً در بین غیریهودیان ایمان بیشتری می‌یافت تا در

بین یهودیان (متی ۸:۸-۱۰).

۲۸-۳۰ مردم ناصره بیش از این نتوانستند سخنان عیسی را تحمل کنند و سعی کردند او را از صخره‌ای واقع در نزدیکی قریه‌شان به زیر افکنند. لیکن وی بطرز معجزه‌آسایی از دست ایشان گریخت (یوحنا ۸:۵۹؛ ۱۰:۳۹) زیرا که زمان خدا برای مرگ او فرا نرسیده بود.

عیسی روح خبیث را بیرون می‌راند (۴:۳۱-۳۷)

(مرقس ۱:۲۱-۲۸)

۳۱-۳۷ مرقس ۱:۲۱-۲۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی بسیاری را شفا می‌دهد (۴:۳۸-۴۴)

(متی ۸:۱۴-۱۷؛ مرقس ۱:۲۹-۳۹)

۳۸-۴۴ مرقس ۱:۲۹-۳۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۵

دعوت از اولین شاگردان (۵:۱-۱۱)

(متی ۴:۱۸-۲۲؛ مرقس ۱:۱۶-۲۰)

۱-۳ در این آیه‌ها لوقا شرح می‌دهد که عیسی چگونه نخستین چهار شاگرد خود را فراخواند. مرقس این موضوع را به‌صورت کوتاه‌تری شرح می‌دهد (مرقس ۱:۱۶-۲۰ مشاهده شود).

عیسی به کنار **دریاچه جنیسارت**، یعنی دریای جلیل آمد. ابتدا عیسی از قایق شمعون (پطرس) برای انبوه جمعیت موعظه کرد. پطرس و کسانی که با او بودند، بی‌شک مانند هر کس دیگری متحیر شدند.

۴-۵ بنابراین، هنگامی که پطرس دستور غیرمعمول و ظاهراً بیهوده عیسی را شنید،

شفای مفلوج (۲۶-۱۷:۵)

(متی ۹:۱-۸؛ مرقس ۲:۱-۱۲)

۱۷-۲۶ مرقس ۲:۱-۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

دعوت از لاوی (۳۲-۲۷:۵)

(متی ۹:۹-۱۳؛ مرقس ۲:۱۳-۱۷)

۲۷-۳۲ مرقس ۲:۱۳-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

سؤال در مورد روزه (۳۹-۳۳:۵)

(متی ۹:۱۴-۱۷؛ مرقس ۲:۱۸-۲۲)

۳۳-۳۹ مرقس ۲:۱۸-۲۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۶**خداوند سببت (۵۰:۱:۶)**

(متی ۱۲:۱-۸؛ مرقس ۲:۲۳-۲۸)

۱-۵ مرقس ۲:۲۳-۲۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

مردی با دست خشک شده

(۱۱-۶:۶)

(متی ۹:۱۲-۱۴؛ مرقس ۳:۱-۶)

۶-۱۱ مرقس ۳:۱-۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

دوازده رسول (۱۶-۱۲:۶)

(متی ۱۰:۱-۱۴؛ مرقس ۳:۱۳-۱۹)

۱۲-۱۶ مرقس ۳:۱۳-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی بسیاری را شفا می دهد

(۱۹-۱۷:۶)

(متی ۱۲:۱۵-۱۶؛ مرقس ۷:۳-۱۲)

۱۷-۱۹ مرقس ۷:۳-۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

بی درنگ آماده اطاعت شد. عیسی فرمود: «... دامها را ببند از یسد». اما پطرس می دانست که محال است چیزی صید کنند. وی و همکارانش تمام شب را زحمت کشیده بودند و چیزی نگرفته بودند. درضمن، عیسی خودش ماهیگیر نبود؛ او یک نجار بود!

بسیارند شبانان و واعظینی که بسیار زحمت کشیده، سخت کار می کنند، لیکن چیزی «نمی گیرند». لیکن مسیح همچنان می گوید: «دامها را ببند از یسد». یک روز ماهی خواهید گرفت.

۶-۷ سپس عیسی معجزه ای کرد. هنگامی که دامها را انداختند، آنقدر ماهی گرفتند که تور نزدیک بود پاره شود.

۸ آنگاه پطرس دریافت که طبیعت نیز تحت اقتدار و سلطه عیسی می باشد؛ وی از قدرت خدا برخوردار بود. وی خداوند و سرور عالمیان بود. و پطرس در حضور مردی نظیر عیسی، بی لیاقتی و گناهکار بودن خود را احساس کرد (اشعیا ۶:۵).

پطرس به عیسی عرض کرد: «از من دور شو. من لایق این نیستم که در حضورت بایستم. زیرا مردی گناهکارم.»

پطرس گناهکارتر از دیگر انسانها نبود. ما همگی در مقایسه با عیسی که کاملاً بدون گناه بود، گناهکاریم و لایق این نیستیم که به حضورش بیاییم. اگر کسی بی لیاقتی و گناهکار بودن خود را احساس نکند، آن شخص هنوز به شناخت عیسی نائل نشده است.

۹-۱۱ مرقس ۱:۱۷-۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

مرد جذامی (۱۶-۱۲:۵)

(متی ۸:۱-۴؛ مرقس ۱:۴۰-۴۵)

۱۲-۱۶ مرقس ۱:۴۰-۴۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

برکت‌ها و وای‌ها (۶:۲۰-۲۶)

(متی ۱۲:۵-۱۱)

۲۰ متی ۳:۵ و تفسیر آن مشاهده شود.
 ۲۱ متی ۴:۵، ۶ و تفسیر آن مشاهده شود.
 ۲۲-۲۳ متی ۵:۱۰-۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.
 ۲۴ در آیه‌های ۲۴-۲۶ عیسی نقطه مقابل برکاتی را که در بالا در آیه‌های ۲۰-۲۲ نوشته شده است، قید می‌کند.

اگر مسکین بودن یک برکت است (آیه ۲۰)، در اینصورت دولت‌مند بودن نمی‌تواند برکت باشد. بلی، آنان که برای خود ثروت می‌اندوزند، از برکت و موهبتی زودگذر و ناپایدار در این زندگی برخوردار می‌شوند؛ چنین سعادت‌ی دوامی نخواهد داشت. رفاه و راحتی ناشی از ثروت ایشان با مرگشان به پایان می‌رسد؛ تمام آسایش و سعادت‌ی که دارند، در لحظه‌ای بر باد می‌رود (مرقس ۱۰:۲۵؛ لوقا ۱۲:۱۶-۲۱؛ ۱۶:۱۹-۲۶ و تفسیر آنها مشاهده شود).

ما باید تعلیم عیسی را درک کنیم. ثروتمند بودن گناه نیست لیکن دوست داشتن ثروت و اندوختن و نگاه داشتن آن فقط برای خویشتن گناه است. اگر دارایی خود را در راه خدمت خدا بکار نبریم، بدل به یک لعنت خواهد شد (یعقوب ۵:۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود). بنابراین بکوشید تا در سخاوت و اعمال نیکو ثروتمند باشیم (اول تیموتاؤس ۶:۱۷-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲۵ آنان که **گرسنه** عدالتند، سیر خواهند شد (آیه ۲۱). آنان که خود را **سیر** می‌دانند یعنی خود را عادل می‌شمارند، به‌زودی دیگر خوراکی در سفره خود نخواهند یافت. کسانی که معده‌شان پر است، گرسنگی را احساس نمی‌کنند. کسانی که از خود و با چیزهای این جهان راضی هستند، برای مواهب جهان بعدی گرسنه نخواهند بود. و هنگامی که حیات بعدی بیاید، ایشان به‌راستی

گرسنه خواهند شد! تنها عیسی می‌تواند خوراکی بدهد که تا تمامی ابدیت دوام یابد (یوحنا ۶:۳۵، ۴۸-۵۱ و تفسیر آن مشاهده شود).

کسانی که برای گناهانشان ماتم گرفته، گریه می‌کنند، تسلی خواهند یافت (آیه ۲۱). کسانی که اکنون می‌خندند یعنی اعتنایی به گناهانشان نمی‌کنند، یقیناً هنگامی که در روز داوری در حضور خدا می‌ایستند، نوحه و گریه خواهند کرد.

۲۶ **وای بر شما وقتی که جمیع مردم شما را تحسین کنند.** چه تعلیم حیرت‌انگیزی! همه ما خواهان این هستیم که مردم ما را تحسین کنند. لیکن عیسی در اینجا می‌گوید که در این صورت برکت نخواهیم یافت.

چرا؟ زیرا که مردمان دنیوی کسانی را که حقیقتاً به مسیح و به ملکوت آسمان تعلق دارند، تحسین نمی‌کنند. تاریکی از نور نفرت دارد (یوحنا ۳:۱۹-۲۰). دنیا - یعنی انسانهای دنیوی - از مسیح نفرت دارند. بنابراین، دنیا از شاگردان او نیز نفرت خواهد داشت (یوحنا ۱۵:۱۸-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

بنابراین اگر دنیا ما را تحسین می‌کند، باید کمی نگران شویم؛ شاید قدم در جای پای^{۱۸}

۱۸- در این آیه توجه داشته باشید که عیسی در مورد تمام انسانهایی صحبت می‌کند که ما را تحسین می‌کنند. وقتی که چنین باشد، باید نگران شویم! انسانهای دنیوی با دل‌های سخت شده خود نباید ما را تحسین کنند، چه در اینصورت معنی آن این خواهد بود که ما نیز بسیار شبیه آنها شده‌ایم.

با اینحال مفهوم دیگری نیز وجود دارد که بر طبق آن بی‌ایمانان باید از مسیحیان به نیکویی یاد کنند. ایشان باید بتوانند مسیح را در ما ببینند و بواسطه رفتار نیکوی ما به‌سوی مسیح کشیده شوند (اعمال ۵:۱۲-۱۴؛ اول تیموتاؤس ۳:۷).

بناکنندگان دانا و نادان (۴۶:۶-۴۹)
(متی ۲۴:۷-۲۷)
۴۶-۴۹ متی ۲۴:۷-۲۷ و تفسیر آن
مشاهده شود.

باب ۷
ایمان افسر (یوزباشی) رومی
(۱:۷-۱۰)

(متی ۵:۸-۱۳)
۱-۱۰ متی ۵:۸-۱۳ و تفسیر آن مشاهده
شود.

عیسی پسر یک بیوه زن را زنده
می کند (۱۱:۷-۱۷)

۱۱-۱۷ عیسی و شاگردانش به بیوه‌ای
برخوردند که یگانه پسرش مرده بود. عیسی
دلش به طور خاص برای آن زن سوخت زیرا که
این پسر، تنها تکیه‌گاه و تسلی خاطر او بود (آیه
۱۳). بنابراین، او را زنده کرده، به مادرش سپرد.
مردم تصدیق کردند که عیسی نبی بزرگی
بود. او همانند الیاس و الیشع، انبیای عهدعتیق
بود که مرده را زنده می‌کردند (اول پادشاهان
۱۷:۱۷-۲۴؛ دوم پادشاهان ۴:۱۸-۳۷). این
تنها مرده‌ای نبود که عیسی زنده کرد. وی
دوستش ایلعازر را نیز که چهار روز از مرگش
می‌گذشت، زنده کرد (یوحنا ۱۱:۳۸-۴۴). وی
افراد دیگری را نیز زنده کرد، چرا که به شاگردان
یحیی گفت: «**بروید و یحیی را از آنچه شنیده و**
دیده‌اید اطلاع دهید که ... مردگان زنده
می‌شوند» (متی ۴:۱۱-۵).

بسیاری از یهودیان عیسی را به خاطر
کارهای عظیمش، کارهایی نظیر زنده کردن
مردگان، نبی بزرگی می‌دانستند (متی ۲۱:۱۱؛
لوقا ۱۹:۲۴؛ یوحنا ۶:۱۴). لیکن تنها بعد از
قیام او از مردگان بود که مردم دریافتند که او
بیش از یک نبی بود - او خود مسیحا، پسر خدا
بود.

مسیح نمی‌گذاریم. ما باید خود را بررسی کنیم.
دنیا از انبیای دروغین پیروی کرده، آنها را
تحسین می‌کند. مردمان نفسانی و دنیوی کسانی
را تحسین می‌کنند که گناهان ایشان را مورد
نکوهش قرار ندهند و آنان را دعوت به توبه
نکنند. انسانهای دنیوی کسانی را تحسین و
تمجید می‌کنند که مانند خودشان زندگی
می‌کنند. از تمجید و تحسین دنیا جداً برحذر
باشیم.

دوست داشتن دشمنان (۲۷:۶-۳۶)
(متی ۳۸:۵-۴۸؛ ۷:۱۲)

۲۱-۲۷ متی ۴۳:۵-۴۴ و تفسیر آن
مشاهده شود.
۲۹-۳۰ متی ۳۸:۵-۴۲ و تفسیر آن
مشاهده شود.
۳۱ متی ۷:۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.
۳۲-۳۵ متی ۴۴:۵-۴۷ و تفسیر آن
مشاهده شود.
۳۶ متی ۵:۴۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

داوری (انتقاد) کردن از دیگران
(۳۷:۶-۴۲)

(متی ۶:۱۴؛ ۷:۱-۵)
۳۱-۳۷ متی ۱۴:۶؛ ۷:۱-۲ و تفسیر آنها
مشاهده شود.
۳۹ متی ۱۵:۱۴؛ مرقس ۷:۱۴-۱۶ و تفسیر
آنها مشاهده شود
۴۰ متی ۱۰:۲۴-۲۵؛ یوحنا ۱۳:۱۳-۱۶ و
تفسیر آنها مشاهده شود.
۴۱-۴۲ متی ۷:۳-۵ و تفسیر آن
مشاهده شود.

درخت و میوه آن

(متی ۷:۱۶-۱۸؛ ۱۲:۳۳-۳۵)
۴۳-۴۵ متی ۷:۱۶-۱۸؛ ۱۲:۳۳-۳۵ و
تفسیر آنها مشاهده شود.

عیسی و یحیای تعمیددهنده (۱۸:۷-۳۵)

(متی ۱۱:۱-۱۱؛ ۱۶-۱۹)

- ۲۱-۱۸ متی ۱۱:۱-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.
- ۳۰-۲۹ متی ۲۱:۳۲ و تفسیر آن مشاهده شود.
- ۳۵-۳۱ متی ۱۱:۱۶-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

تدهین عیسی توسط زنی گناهکار (۷:۳۶-۵۰)

- ۳۶-۳۱ تدهینی که لوقا در این بخش شرح می‌دهد، مشابه تدهینی است که در مرقس ۱۴:۹-۱۴ توصیف شده است. اما این دو واقعه یکی نیستند. زنی که در اینجا شرحش آمده، فاحشه بود و عمل تدهین نیز در خانه شمعون که فریسی بود انجام شد (مرقس ۱۴:۹-۹ و تفسیر آن مشاهده شود).
- ۳۹ هنگامی که شمعون فریسی مشاهده کرد که زن گناهکار عیسی را لمس می‌کند، با خود گفت که عیسی نمی‌تواند واقعاً نبی باشد چرا که نبی واقعی یقیناً متوجه می‌شود که آن زن یک گناهکار است، و بدینسان هرگز نمی‌گذاشت که او را لمس کند. یهودیان خصوصاً فریسیان بر این باور بودند که در اثر تماس با گناهکاران، نجس می‌گردند (مرقس ۲:۱۵-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود).
- ۴۰ عیسی می‌دانست که آن زن یک بدکار است؛ افکار شمعون را نیز دانست. برای همین، مثلی برای شمعون آورد.
- ۴۱-۴۳ در این مثل عیسی تعلیم داد که انسان معمولاً خدا را همان قدر دوست دارد و شکرش می‌کند، که از او محبت و بخشایش دیده است. هر چقدر گناهی که خدا می‌بخشد عظیم‌تر باشند، محبت گناهکار نیز نسبت به خدا عظیم‌تر خواهد بود. گناه همانند قرض

است. اگر انسانی بداند که گناهانش بسیار بزرگند، نسبت به بخشایش الهی قدردان‌تر خواهد بود. اگر انسانی گناهان خود را ناچیز بداند، برای آمرزش خود ارزش کمتری قائل خواهد شد. توجه داشته باشید که سپاسگزاری یک انسان بستگی به این ندارد که وی واقعاً چقدر گناهکار است، بلکه بسته به این است که وی خود را چقدر گناهکار می‌پندارد. همچنین توجه داشته باشید که گناهان ما چه کوچک و چه بزرگ باشند، نمی‌توانیم بواسطه کارهای نیک و دینداری خود قرض خود را به خدا بپردازیم. به قول عیسی، ایشان «چیزی نداشتند که ادا کنند» (آیه ۴۲). تنها رحمت خدا می‌تواند قرض‌های ما را ببخشد.

بهتر این است که انسان گناهان خود را خیلی عظیم بشمارد، زیرا خدا به گناهان ما با همین چشم نگاه می‌کند.

۴۴-۴۷ سپس عیسی روی به شمعون فریسی نمود و او را با زن گناهکار که مورد نفرت شمعون بود، مقایسه کرد. فریسیان خود را گناهکار نمی‌شمردند؛ به همین دلیل، رحمت و آمرزش خدا برای ایشان مفهومی نداشت. ایشان دلیلی برای سپاسگزاری از خدا و دوست داشتن او نمی‌دیدند. ایشان خدا را تنها با لبهایشان محبت می‌کردند.

لیکن عیسی به شمعون فرمود: «این زن گناهکار مرا از عمق دل خود محبت نمود و محبت خود را نسبت به من نشان داد. بنابراین، این امر گواه بر این است که گناهانش بخشوده شده‌اند. محبت او گواه بر این است که وی از گناهِش پاک شده، مقبول خدا واقع شده است. لیکن تو ای شمعون، تو نسبت به من محبت نشان ندادی. بنابراین آشکار است که گناهان تو بخشوده نشده‌اند، چه در غیر اینصورت مرا همانند این زن دوست می‌داشتی.»

قدم اول را در محبت نمودن و بخشودن ما، خدا برداشت. به همین دلیل است که ما نیز او را

۲-۳ همراه شاگردان، زنان بسیاری نیز با عیسی همراه بودند. این زنان به عیسی و شاگردانش در سفرها خدمت می‌کردند. بسیاری از این زنان از ارواح پلید و دیگر بیماری‌ها توسط عیسی شفا یافته بودند. ایشان با ترک خانه‌هایشان و خدمت و کمک مالی به او و شاگردانش هر کجا که می‌رفتند، سپاسگزاری خود را نشان دادند (مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱ و تفسیر آن مشاهده شود). یکی از ایشان، مریم مجدلیه بعداً اولین کسی بود که عیسی را پس از قیامش ملاقات کرد (مرقس ۱۶: ۹). یونا به همراه مریم مجدلیه رفت و قیام مسیح را به رسولان اعلام داشت (لوقا ۱۰: ۲۴).

مثل برزگر (۸: ۴-۱۵)

(متی ۱۳: ۱-۲۳؛ مرقس ۴: ۱-۲۰)
۴-۱۵ مرقس ۴: ۱-۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

چراغی بر روی چراغدان (۸: ۱۶-۱۸)

(متی ۵: ۱۵؛ ۱۰: ۲۶؛ ۱۳: ۱۲؛ مرقس ۴: ۲۱-۲۵)
۱۶-۱۸ متی ۵: ۱۵؛ مرقس ۴: ۲۱-۲۵ و تفسیر آنها مشاهده شود.

مادر و برادران عیسی (۸: ۱۹-۲۱)

(متی ۱۲: ۴۶-۵۰؛ مرقس ۳: ۳۱-۳۵)
۱۹-۲۱ مرقس ۳: ۳۱-۳۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی طوفان را آرام می‌کند (۸: ۲۲-۲۵)

(متی ۸: ۲۳-۲۷؛ مرقس ۴: ۳۵-۴۱)
۲۲-۲۵ مرقس ۴: ۳۵-۴۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

دوست می‌داریم (اول یوحنا ۴: ۱۰ مشاهده شود). هیچکس حقیقتاً نمی‌تواند خدا را دوست بدارد مگر اینکه گناهکار بودن خود را تصدیق کرده، به واسطه ایمان به مسیح، بخشایش را دریافت نماید.

۴۸-۴۹ سپس عیسی به زن گفت: «گناهان تو آمرزیده شد.» عیسی این مطلب را طوری گفت که دیگر میهمانان نیز بتوانند آن را بشنوند. زن بخشوده شده بود و اینک عیسی این امر را تأیید می‌کرد تا دیگران نیز آن را بدانند (مرقس ۵: ۲-۱۱ مشاهده شود).

۵۰ سپس عیسی به زن فرمود: «ایمانت تو را نجات داده است.» این محبت زن نسبت به عیسی نبود که او را نجات داد، بلکه ایمانش این کار را کرد. از آنجا که وی ایمان داشت که عیسی نجات‌دهنده او است و می‌تواند گناهانش را ببامزد، نجات را دریافت کرد.

تنها به واسطه ایمان است که می‌توانیم آمرزش، شفا و نجاتی را که خدا در فیض خود به انسان گناهکار بخشیده است دریافت داریم (مرقس ۵: ۳۴؛ ۱۰: ۵۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

باب ۸

عیسی خبر خوش را موعظه می‌کند (۸: ۱-۳)

۱ عیسی مبشری سیار بود و در یک شهر نمی‌ماند. وی شبان یک کلیسا نبود. او از دهکده‌ای به دهکده‌ای دیگر رفته، **بشارت (خبر خوش) ملکوت خدا** را موعظه می‌کرد (مرقس ۱: ۱۴-۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود). دوازده شاگرد همراه او می‌رفتند تا وی بتواند ایشان را برای عهده‌دار شدن کار او بعد از مرگش تربیت و آماده نماید. علاوه بر دوازده شاگرد اصلی او، افراد دیگری نیز به دنبال عیسی می‌رفتند (لوقا ۱: ۱۰).

شفای مرد دیوزده (۲۶:۸-۳۹)

(متی ۲۸:۸-۳۴؛ مرقس ۱:۵-۲۰)

۳۹-۲۶ مرقس ۱:۵-۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

مشاهده شود.
۲۷ مرقس ۱:۹ و تفسیر آن مشاهده شود.**تبدیل هیأت (۲۸:۹-۳۶)**

(متی ۱۷:۱۳-۱۱؛ مرقس ۲:۹-۱۳)

۳۶-۲۸ مرقس ۲:۹-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

دختر مرده و زن بیمار (۴۰:۸-۵۶)

(متی ۹:۱۸-۲۶؛ مرقس ۵:۲۱-۴۳)

۵۶-۴۰ مرقس ۵:۲۱-۴۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

پسر دیوزده (۳۷:۹-۴۵)

(متی ۱۷:۱۴-۲۳؛ مرقس ۹:۱۴-۳۲)

۴۵-۳۷ مرقس ۹:۱۴-۳۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۹**اعزام دوازده شاگرد (۱:۹-۶)**

(متی ۹:۱۰-۱۵؛ مرقس ۶:۷-۱۳)

۶-۱ مرقس ۶:۷-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

بحث درباره بزرگی (۴۶:۹-۵۰)

(مرقس ۹:۳۳-۴۰)

۵۰-۴۶ مرقس ۹:۳۳-۴۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

سردرگمی هیرودیس (۷:۹-۹)

(متی ۱۴:۱-۲؛ مرقس ۶:۱۴-۱۶)

۹-۷ مرقس ۶:۱۴-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

خصوصیت سامریان (۵۱:۹-۵۶)

۵۱ عیسی می‌دانست که باید به‌دست رهبران یهود در اورشلیم شکنجه بشود و به‌قتل برسد (مرقس ۸:۳۱). بنابراین هنگامی که موعد مرگش نزدیک شد، وی و شاگردانش از جلیل، در شمال اسرائیل، به اورشلیم که پایتخت بود رفتند.

۵۲ راه ایشان از منطقه سامره می‌گذشت. سامریان یهودیانی بودند که با بیگانگان ازدواج کرده بودند. ایشان نیمه یهودی بودند، بنابراین عامه یهودیان از ایشان نفرت داشتند (متی ۱۰:۵؛ یوحنا ۴:۹-۹؛ اعمال ۸:۴-۵ مشاهده شود).

۵۳ سامریان نیز از یهودیان نفرت داشتند. هنگامی که آگاه شدند که عیسی و شاگردانش عازم اورشلیم، پایتخت یهودیان هستند، از ایشان استقبال نکردند.

۵۴ یعقوب و یوحنا، دو تن از شاگردان مسیح (مرقس ۳:۱۷) خواستند که سامریان را

عیسی به پنج هزار نفر خوراک می‌دهد (۱۰:۹-۱۷)

(متی ۱۴:۱۴-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ یوحنا ۶:۱-۱۵)

۱۷-۱۰ مرقس ۶:۳۰-۴۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

اعتراف پطرس (۱۸:۹-۲۲)

(متی ۱۶:۱۳-۲۱؛ مرقس ۸:۲۷-۳۱)

۲۱-۱۸ مرقس ۸:۲۷-۳۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۲ مرقس ۸:۳۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

درباره انکار نفس (۲۳:۹-۲۷)

(متی ۱۶:۲۴-۲۶؛ مرقس ۸:۳۴-۳۸؛ ۹:۱)

۲۶-۲۳ مرقس ۸:۳۴-۳۸ و تفسیر آن

۳ به مجازات برسازند (مرقس ۱۱:۶ مشاهده شود). ایشان با پیروی از سرمشق ایلیای نبی (دوم پادشاهان ۱۲-۹:۱)، مایل بودند ایشان را با نازل ساختن **بارش آتش از آسمان**، نابود کنند.

۴ متی ۱۰:۹-۱۰؛ مرقس ۸:۶-۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

۵-۱۲ متی ۱۱:۱۰-۱۵؛ مرقس ۶:۱۰-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

۶-۱۳ متی ۱۱:۲۰-۲۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

۷-۱۶ متی ۱۰:۴۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۷ هنگامی که هفتاد شاگرد از سفر خود بازگشتند، آنچه را که انجام داده بودند برای عیسی بازگو کردند. درست همانگونه که دوازده شاگرد اولیه کارهای عظیمی انجام داده بودند، این هفتاد شاگرد نیز کارهای مشابهی را به انجام رساندند (مرقس ۱۲:۶-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود). کارهایی که ایشان انجام دادند، در نام عیسی و به واسطه قدرت او صورت پذیرفت. دیوها مطیع شاگردان می شدند زیرا که مسیح اقتدار خود را به ایشان بخشیده بود (آیه ۱۹).

۱۸ سپس عیسی به شاگردانش توضیح داد که چرا دیوها مطیع ایشان شدند. دلیل آن این بود که قدرت شیطان مغلوب شده بود (یوحنا ۴:۱۰-۱۱). هنگامی که شاگردان عازم مأموریت شده بودند، عیسی در رؤیا دید که شیطان از آسمان سقوط کرده است (مکاشفه ۹:۱۲). اکنون نه تنها مسیح بر شیطان پیروز شده بود، بلکه شاگردانش نیز بر او پیروز گشتند.

۱۹ عیسی به شاگردانش اقتدار شخصی اش را داده بود. آن اقتدار بسیار عظیم بود زیرا که **تمامی قدرت در آسمان و بر روی زمین** به عیسی تعلق داشت (متی ۱۸:۲۸). و همان اقتدار به تمامی کسانی که به عیسی ایمان داشته، اراده او را به جا می آورند داده شده است.

ماران و عقربها معرف تمامی انواع شرارت می باشند. عیسی به شاگردانش گفت که با

۱-۱۹- برخی از نسخه های قدیمی، به جای هفتاد نفر، به «هفتاد و دو» نفر اشاره می کنند.

۵۵ لیکن عیسی یعقوب و یوحنا را سرزنش کرد. ایشان می بایست خواهان بارش فیض از آسمان باشند، نه آتش. خواسته ایشان ناشی از روح مسیح نبود؛ خواسته ایشان ناشی از روح انتقام و خشم بود، نه روح محبت و بخشایش. به همین سبب، عیسی به ایشان فرمود: «نمی دانید که شما از کدام روح هستید، زیرا که پسر انسان نیامده است تا جان مردم را هلاک سازد، بلکه تا نجات دهد.»

۵۶ به هر حال، عیسی و شاگردانش به آن دهکده سامری نرفتند و راه دیگری را در پیش گرفتند.

بهای پیروی از عیسی (۹:۵۷-۶۲)

(متی ۱۸:۸-۲۲)

۶۲-۵۷ متی ۱۸:۸-۲۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۱۰

اعزام هفتاد نفر از شاگردان

(۱۰:۱-۲۰)

(متی ۹:۳۷-۳۸؛ ۱۰:۹-۱۵؛ ۱۱:۲۰-۲۴؛

مرقس ۶:۷-۱۳)

۱ علاوه بر دوازده شاگرد اصلی عیسی، بسیاری دیگر نیز او را پیروی کرده، شاگردش شدند. عیسی قبلاً دوازده شاگردش را برای موعظه و شفا دادن اعزام نموده بود (مرقس ۶:۷؛ لوقا ۹:۱-۲ و تفسیر آن مشاهده شود). اکنون در این بخش، لوقا شرح می دهد که عیسی چگونه هفتاد^{۱۹} شاگرد دیگر را اعزام کرده، رهنمودهای مشابهی به ایشان می دهد.

۲ متی ۹:۳۷-۳۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

دریافت اقتدار او، ایشان از هر گونه زیان از جانب شیطان مصون خواهند ماند.^{۲۰} ایشان **تمامی قدرت دشمن** را پایمال خواهند کرد (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸ مشاهده شود). شیطان می‌توانست به جسم ایشان حمله کند، لیکن قادر نمی‌بود که به جان ایشان صدمه‌ای زند (متی ۱۰: ۲۸).

۲۰ در واقع عیسی می‌خواست به شاگردان خود چنین چیزی بفرماید: «... از این شادی مکنید که ارواح اطاعت شما می‌کنند. این مهم‌ترین مسأله نیست. مهم‌ترین مسأله، داشتن ایمان، تعلق داشتن به من و به میراث بردن ملکوت آسمان است. به این خاطر باید شادی کنید؛ **شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرقوم است.**» قدرت فرزند خدا شدن مهم‌تر از قدرت انجام معجزه است (یوحنا ۱: ۱۲).

بسیاری از غیرمسیحیان کارهای شگفت‌انگیزی انجام می‌دهند. برخی هستند که در نام عیسی کارهای بزرگی می‌کنند، لیکن وارد ملکوت آسمان نخواهند شد. فقط آنانی که حقیقتاً به عیسی ایمان داشته، او را محبت نموده، و از او اطاعت می‌کنند، نامشان در آسمان مرقوم می‌شود (متی ۷: ۲۱-۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

عیسی پدر را تمجید می‌کند (۱۰: ۲۱-۲۴)

(متی ۱۱: ۲۵-۲۷؛ ۱۳: ۱۶-۱۷)

۲۱-۲۴ متی ۱۱: ۲۵-۲۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۳-۲۴ متی ۱۳: ۱۶-۱۷؛ مرقس ۴: ۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

حکایت سامری نیکو (۱۰: ۲۵-۳۷)

۲۵ یکی از فقها از عیسی سؤال کرد: «چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟» سؤال وی از روی صداقت نبود، بلکه می‌خواست عیسی را

امتحان کند.

۲۶ فقیه می‌بایست پاسخ این سؤال را بداند، چرا که این پاسخ در خود شریعت یهود نوشته شده است. «**فرايض واحكام مرا نگاه داريد که هر آدمی که آنها را به جا آورد، در آنها زیست خواهد کرد**» (لاویان ۱۸: ۵؛ غلاطیان ۳: ۱۲). یعنی آنکه از احکام خدا تماماً و بطور کامل اطاعت می‌کند، حیات جاودانی را به میراث خواهد برد. لیکن عیسی به جای پاسخ مستقیم به سؤال آن فقیه، سؤالی طرح کرد: «**در تورات چه نوشته شده است؟**»^{۲۱}

۲۷ فقیه به درستی به سؤال عیسی پاسخ داد. وی کل تورات را با نقل قول دو حکم از بزرگترین احکام خلاصه کرد (متی ۲۲: ۴۰؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱ و تفسیر آنها مشاهده شود). **۲۸** عیسی فرمود: «**چنین بکن که خواهی زیست**؛ یعنی اگر این دو حکم را به طور کامل به جا آوری، خواهی زیست.

منظور عیسی این نبود که انسان می‌تواند با اطاعت از شریعت نجات یابد، زیرا که انسان تنها به واسطه ایمان نجات می‌یابد (غلاطیان ۲: ۱۵-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود). دلیل اینکه انسان نمی‌تواند به واسطه شریعت نجات یابد، این است که هیچ انسانی (به جز مسیح) هرگز نتوانسته است از شریعت بطور کامل اطاعت کند (غلاطیان ۳: ۱۰؛ یعقوب ۲: ۱۰ و تفسیر آنها مشاهده شود). چه کسی هرگز می‌تواند در تمام مواقع از این دو حکم بزرگ اطاعت کند؟ هیچکس! تنها هنگامی که به مسیح ایمان می‌آوریم و محبت او در دل ما ریخته می‌شود، می‌توانیم اطاعت از این دو حکم را

۲۰- در برخی مواقع بر طبق مشیت خدا، مسیحیان

در برابر صدمه جسمانی نیز مصونیت خواهند داشت (اعمال ۱۲: ۵-۱۱؛ ۲۸: ۳-۶ مشاهده شود).

۲۱- در اینجا تورات به معنی پنج کتاب اول عهدعتیق است.

آغاز کنیم. بدون ایمان، محبت حقیقی نمی‌تواند وجود داشته باشد. تنها به واسطه ایمانی که به محبت عمل می‌کند (یعنی خود را از طریق محبت نشان می‌دهد)، شخص می‌تواند وارث حیات جاودانی گردد (غلاطیان ۵:۶).

۲۹ فقیه از پاسخ عیسی خشنود نشد. وی می‌دانست که خدا را چگونه باید و شاید، دوست نداشته است. وی می‌دانست که همه انسانها را نیز دوست نداشته است. به عنوان مثال او غیریهودیان را دوست نداشت. اکثر یهودیان، بت‌پرستان را «همسایگان» خود تلقی نمی‌کردند. ایشان ادعا می‌کردند که دومین حکم که مربوط به دوست داشتن همسایه است، شامل محبت به غیریهودیان نمی‌شود. فقیه امیدوار بود که عیسی تصدیق کند که غیریهودیان «همسایه» به شمار نمی‌آیند، چه در اینصورت بخاطر محبت نکردن به ایشان احساس گناه نمی‌کرد. وی سعی داشت خود را توجیه کند. او ترجیح می‌داد نشان دهد که چقدر خوب است و بدی خود را نبیند.

عیسی به واسطه حکایت سامری نیکو، به فقیه فهماند که تمامی انسانها - چه یهودی و چه غیریهودی - همسایگان او هستند و لذا باید تمامی انسانها را دوست بدارد و نه فقط دوستانش را (متی ۵:۴۴). در این حکایت یا مثل، کسی که شریعت را به‌جا آورد، همین شخص غیریهودی یعنی سامری^{۲۲} بود، نه آن دو یهودی متکبر و سنگدل. در این حکایت، کسی که به ملکوت آسمان نزدیکتر بود، این شخص سامری بود، نه آن کاهن یهودی یا آن لاوی (آیه‌های ۳۱-۳۲).

۳۰ اریحا شهری در سی کیلومتری شرق اورشلیم، نسبت به سطح دریا ۱۰۰۰ متر پایین‌تر از اورشلیم بود. جاده میان اریحا و اورشلیم ناهموار و سنگلاخ بود. ناحیه مزبور پناهگاه دزدان بود و مردم غالباً در طول راه مورد حمله ایشان قرار می‌گرفتند. این مثل احتمالاً بر

حادثه‌ای واقعی استوار بوده است. **۳۱-۳۲ کاهنان و لاویان**^{۲۳} عادل‌ترین یهودیان شمرده می‌شدند. با اینحال آنقدر مشغول بودند که نمی‌توانستند به ممنوع یهودی خود که مورد ضرب و شتم دزدان واقع شده بود، محبتی نشان دهند. شاید کار مهمی در هیکل داشتند و نمی‌توانستند برای کمک به همسایه خود وقت صرف کنند.

۳۳-۳۵ لیکن یک سامری توقف کرد. حتی با وجود اینکه سامریان کاملاً یهودی نبودند، و با وجود اینکه معمولاً یهودیان و سامریان از یکدیگر نفرت داشتند، مرد سامری نسبت به یهودی که مورد حمله دزدان واقع شده بود، رحمت نشان داد.

وی تنها به همدردی نپرداخت، بلکه از مرد مصدوم مراقبت کامل به‌عمل آورد. وی بر زخمهای مرد مرهم نهاد و او را به کاروانسرای برد و تمام مخارج او را عهده‌دار شد. این است معنی دوست داشتن همسایه. بنابراین «محبت را بجا آوریم، نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی» (اول یوحنا ۳:۱۸).

۳۶-۳۷ فقیه سؤال کرد: «همسایه من کیست؟» (آیه ۲۹). پاسخ این است: تمامی انسانها همسایه ما هستند مخصوصاً نیازمندان. اما در این مثل سؤال دیگری مطرح می‌شود: آیا من یک همسایه هستم؟ آیا همچون یک همسایه رفتار می‌کنم؟ پرسیدن این سؤال از خویشتن، مهم‌تر از این سؤال است که همسایه ما کیست. سامری «نجس» مورد تحقیر همسایه واقعی بود و بنابراین او شخصی بود که حیات جاودانی را به ارث می‌برد.

۲۲- سامریان در لوقا ۹:۵۲ و تفسیر آن قید شده‌اند.

۲۳- لاویان از نسل لاوی، یکی از دوازده پسر یعقوب بودند. ایشان مسؤول خدمات هیکل یهود بودند. از سوی دیگر کهنه از نسل هارون برادر موسی، یعنی نوه لاوی، بودند. تنها نسل هارون می‌توانستند کاهن شوند.

عیسی به فقیه گفت: «**برو و تو نیز همچنان کن**، همان عملی که آن سامری نسبت به یهودی مصدوم انجام داد، تو نیز برو و همان کار را نسبت به کسی که به کمک تو نیاز دارد بکن - حتی اگر او یک سامری باشد.»

در خانه مرتا و مریم (۳۸:۱۰-۴۲)

۳۹-۳۸ **مرتتا و مریم** در بیت عنیا، در نزدیکی اورشلیم زندگی می‌کردند (یوحنا ۲:۱۱-۱۲). هنگامی که عیسی نزد آنان آمد، مرتتا مشغول تدارک غذا شد. مریم به جای کمک به خواهرش، با عیسی ماند تا به سخنانش گوش فرا دهد. این همان مریم است که در موقعیتی دیگر عیسی را با عطری گرانبها تدهین کرد (مرقس ۱۴:۳؛ یوحنا ۱۲:۱-۳).

۴۰ **مرتتا مضطرب بود**. وی می‌خواست که غذای خوبی برای خداوند آماده کند، لیکن برای آن مضطرب بود. وی از خواهرش گله کرد و مسیح را سرزنش نمود و به او گفت «**آیا تورا باکی نیست؟** من تمام این کارها را باید انجام دهم و خواهرم هیچ کمکی به من نمی‌کند.»

۴۱-۴۲ سپس عیسی به ملایمت به مرتتا گفت که نباید مضطرب باشد و نباید خواهرش را سرزنش کند. «**مریم آن نصیب خوب را اختیار کرده است**». مریم این را انتخاب کرده بود که به کلام حیات گوش فرا دهد. وی با گوش دادن به عیسی و با اشتیاق برای ماندن در محضر او، به او حرمت نشان داد. وی همچنین برکت صمیمیت با عیسی را دریافت کرد و این چیزی بود که مرتتا بخاطر اضطراب و روح شکایت نمی‌توانست به دست آورد.

مرتتا با فراهم کردن خوراک، کار نیکویی انجام می‌داد و با این عملش عیسی را محبت می‌نمود (اول یوحنا ۳:۱۸). لیکن در مضطرب شدن و ترشرویی، راه خطا می‌پیمود. مشغول خدمت بودن خطا نیست، اما پریشان بودن در خدمت خطا است. همچنین وی در سرزنش

کردن خواهر خود نیز خطا می‌کرد. پولس رسول چنین می‌نویسد: «**هر کاری را بدون هممه و مجادله بکنید**» (فیلیپیان ۲:۱۴).

توجه داشته باشید که عیسی به مرتتا نگفت که بنشیند و به سخنان او گوش فرا دهد. همچنین به مریم نیز نگفت که برخیزد و به خواهرش کمک کند. هر دو خواهر کاری را انجام می‌دادند که مقبول خداوند بود. یکی خدمت می‌کرد و دیگری گوش فرا می‌داد. هر دو کار، ضروری و نیکو بود. برخی از مسیحیان وقت بیشتری را صرف خدمت و انجام کارهای گوناگون می‌کنند، حال آنکه دیگر مسیحیان وقت بیشتری را به دعا و تعموق و پرستش اختصاص می‌دهند. خوب است که از یکدیگر انتقاد نکنیم. بگذارید هر کاری که می‌کنیم، برای محبت مسیح باشد. به این شکل، مسیح خشنود خواهد شد.

در زندگی مسیحی خود، باید نوعی تعادل میان وقتی که برای خدمت صرف می‌کنیم و وقتی که به دعا و پرستش اختصاص می‌دهیم، برقرار نماییم. اگر به دعا و عبادت وقت ندهیم، خدمت ما خشک و بی‌تأثیر خواهد شد. از سوی دیگر اگر اعمال خدمت را به‌جا نیاوریم، مذهب ما مرده خواهد شد (یعقوب ۲:۱۷). بیایید از خدا برای میزان وقتی که باید به عبادت و به خدمت اختصاص دهیم، طلب هدایت نماییم.

با اینحال، باشد که آنچه را که عیسی به مرتتا گفت فراموش نکنیم: «**... تنها یک چیز لازم است**» (آیه ۴۲). آن چیز مشارکت و رفاقت روحانی با مسیح است. **آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد؛ زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد** (یوحنا ۱۵:۵). مریم این را می‌دانست، وی نصیب خوب را اختیار کرد. مشارکت و رفاقت ما با مسیح با مرگ ما به پایان نمی‌رسد، لیکن خدمت ما به پایان می‌رسد. رفاقت مریم با مسیح از او گرفته نخواهد شد.

DO NOT COUNT THIS PAGE

برآورده می‌سازد. گاه انسانها به تقاضاهای ما پاسخ می‌دهند از این جهت که از اصرار ما عاصی می‌شوند. لیکن خدا به تقاضای ما پاسخ می‌دهد، از این جهت که از اصرار ما خشنود می‌گردد.

بر طبق این مثل، ما باید طوری نزد خدا برویم که گویی نزد یک دوست می‌رویم. ما باید با این انتظار نزدش برویم که به تقاضای ما پاسخ خواهد داد. ما باید با **اعتماد** نزد او برویم (عبرانیان ۱۶:۴).

توجه داشته باشید که مرد اول برای خود تقاضایی نداشت بلکه برای شخص دیگری که به‌طور غیرمنتظره به‌خانه‌اش میهمان آمده بود. تقاضای او برای منافع خودخواهانه خود نبود. هنگامی که تقاضای ما برای دیگران یا بخاطر مسیح باشد، خدا بیشتر به ما گوش فرامی‌دهد. خدا بسیار مشتاق است که برکات خود را به ما ارزانی دارد، اما بیش از آن خواهان این است که دیگران را به‌واسطه ما و در اثر دعاهای ما برکت دهد.

آیا کسی هست که برایش دعا کنید؟ آیا کسی هست که بخواهید او را نزد مسیح آورید؟ آیا همسایه‌ای دارید که نیازمند نان روحانی باشد؟ سؤال کنید. حتی نیمه‌شب هم سؤال کنید. با اصرار و اعتماد سؤال کنید. اگر دوستی نیمه شب برمی‌خیزد تا به شما نان دهد، چقدر بیشتر خدا برخاسته، به تقاضای شما پاسخ خواهد داد! (متی ۱۱:۷؛ لوقا ۱۱:۱۳ و تفسیر آنها مشاهده شود). خدا ممکن است بلافاصله پاسخ ندهد، لیکن اگر به دعا ادامه دهیم، یقیناً پاسخ خواهد داد.

بسیار این سؤال را از خود بکنیم: آیا حاضریم نیمه شب برای یکی از دوستان نیازمند خود، از خواب خود صرف نظر کنیم؟ اگر حاضریم، خدا نیز حاضر و مایل خواهد بود که به تقاضای ما پاسخ دهد.

هیچ چیز قدرت نخواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد (رومیان ۳۸:۸-۳۹).

آنچه برای مسیح مهم بود، کاری نبود که مرتا و مریم انجام می‌دادند. آنچه که اهمیت داشت، حالت ایشان بود. مرتا رویه خطارا در پیش گرفته بود و مریم رویه صحیح را. اگر مرتا رویه صحیح را در پیش گرفته بود، می‌توانست در بحبوحه وظایفش از رفاقت مسیح نیز برخوردار شود. از سوی دیگر ممکن بود دلیل مریم برای نشستن در محضر عیسی، دلیل نادرستی باشد، مثلاً تنبلی. مسأله مهم، کاری نیست که انجام می‌دهیم؛ مهم، انگیزه ما از انجام این کار است. مرتا به‌خاطر اضطرابی که برای امور دنیوی داشت، مورد سرزنش واقع شد، نه بخاطر خدمتش. مریم نیز به‌خاطر محبتش به عیسی مورد تأیید واقع شد، نه بخاطر نشستنش پای عیسی. ما همواره باید به‌خاطر داشته باشیم که **تنها یک چیز لازم است**، و آن یک چیز مشارکت و رفاقت با مسیح است، نه کاری که انجام می‌دهیم، این چیزی است که هرگز نمی‌تواند از ما گرفته شود.

باب ۱۱

تعلیم عیسی درباره دعا (۱:۱۱-۴)

(متی ۹:۶-۱۳)

۴-۱ متی ۹:۶-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

اصرار در دعا (۵:۱۱-۸)

۸-۵ عیسی در اینجا مثلی را می‌آورد در مورد اینکه انسان چگونه باید دعا کند. ایشان باید با **اصرار** دعا کنند (آیه ۸).

در این مثل، دوست شخص ابتدا به تقاضای وی پاسخ نمی‌دهد. اما سرانجام به‌خاطر اصرار مراجعه‌کننده، درخواست او را

سؤال کنید، بطلبید، بگوید (متی ۹:۱۱-۱۳)

(متی ۷:۷-۱۱)

۱۳-۹ متی ۷:۷-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی و بعلزبول (متی ۱۴:۱۱-۲۸)

(متی ۱۲:۲۲-۳۰، ۴۳-۴۵؛ مرقس

۳:۲۰-۲۷)

۱۴-۲۳ مرقس ۳:۲۰-۲۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۴-۲۶ متی ۱۲:۴۳-۴۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۷-۲۸ زنی که تعالیم عیسی را شنیده بود فریاد زد «خوشبحال مادری که تو را بدنیا آورد». وی آرزو داشت که پسری نظیر عیسی می‌داشت.

لیکن عیسی پاسخ داد که لزومی ندارد که مادر او باشد تا برکت یابد. هر که از کلام خدا اطاعت کند نیز برکت خواهد یافت، درست همانند مادر عیسی که برکت یافت. (مرقس ۳:۳۳-۳۵ و تفسیر آن مشاهده شود.)

آیت یونس (متی ۲۹:۱۱-۳۲)

(متی ۱۲:۲۸-۳۱؛ مرقس ۸:۱۱-۱۲)

۲۹-۳۲ متی ۱۲:۲۸-۳۱؛ مرقس ۸:۱۱-۱۲ و تفسیر آنها مشاهده شود.

چراغ بدن (متی ۱۱:۳۳-۳۶)

(متی ۵:۱۵؛ ۶:۲۲-۲۳؛ مرقس ۴:۲۱؛ لوقا

۱۶:۸)

۳۳ متی ۵:۱۵؛ مرقس ۴:۲۱ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۳۴-۳۶ متی ۶:۲۲-۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

شش «وای» (متی ۱۱:۳۷-۵۴)

(متی ۲۳:۴، ۲۳-۲۶، ۲۹-۳۱، ۳۴-۳۸)

۳۷-۳۸ مرقس ۷:۱-۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

۳۹ متی ۲۳:۲۵-۲۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۰ انسانها شبیه به پیاله هستند. خدا نه تنها بیرون پیاله را بلکه درون آن را نیز بساخت. وی هم بیرون بدن و هم درون بدن یعنی دل را آفرید. چه فایده‌ای دارد که بیرون را پاک نگه داریم، حال آنکه درونمان چرک و ناپاک است؟ این درست مثل این است که ظرفی را به خدا تقدیم کنیم که بیرون آن پاک، ولی درونش پر از آلودگی است.

۴۱ درون پیاله، دل ما است، محبت ما است. همچنین معنی آن دارایی ما است. مسیح به ما می‌گوید که به نیازمندان کمک کنیم و دارایی خود را با ایشان تقسیم کنیم. آنگاه حقیقتاً پاک خواهیم شد. اگر درون پیاله ما پاک باشد - یعنی اگر دلمان وسیع باشد و دارایی مان را با نیازمندان تقسیم کنیم - در اینصورت کل زندگی مان، به همراه دارایی مان در نظر خدا پاک خواهد بود (تیطس ۱:۱۵ مشاهده شود).

۴۲ متی ۲۳:۲۳-۲۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۳ مرقس ۱۲:۳۸-۳۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۴ یهودیان بر این باور بودند که تماس با قبر، شخص را نجس می‌کند (اعداد ۱۹:۱۶). بنابراین ایشان قبرها را سفید می‌کردند تا به راحتی دیده شوند. در غیر اینصورت یک یهودی ممکن بود ناآگاهانه از روی قبری بگذرد و در نتیجه نجس شود.

فریسیان شبیه به قبرهایی بودند نامشخص و سفید نشده. انسانها ناآگاهانه بواسطه تعالیم غلط و سرمشق بد فریسیان نجس می‌شدند.

باب ۱۲

هشدارها و تشویق‌ها (۱:۱۲-۱۲)

(متی ۱۹:۱۰-۲۰، ۲۶-۳۳؛ ۱۲:۳۱-۳۲؛

مرقس ۳:۲۸-۲۹؛ ۴:۲۲؛ ۱۱:۱۳)

۱ مرقس ۸:۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲-۳ متی ۱۰:۲۶-۲۷؛ مرقس ۴:۲۲ و

تفسیر آنها مشاهده شود.

۴-۹ متی ۱۰:۲۸-۳۳ و تفسیر آن

مشاهده شود.

۱۰ مرقس ۳:۲۸-۲۹ و تفسیر آن مشاهده

شود.

۱۱-۱۲ مرقس ۱۱:۱۳ و تفسیر آن

مشاهده شود.

حکایت ثروتمند نادان

(۱۲:۱۳-۲۱)

۱۳ عده‌ای از مردم عادی عیسی را معلم و

نبی بزرگی می‌دانستند. بنابراین، یکی از ایشان

از عیسی خواست که میان او و برادرش بر سر

تقسیم ارث، قضاوت کند. مرد سهم خود را از

ارث می‌خواست، لیکن برادرش به خواسته او

وقعی نمی‌گذاشت.

۱۴ عیسی به تقاضای مرد پاسخ نداد. وی

قاضی شرع نبود تا در خصوص اختلافاتی از این

دست، قضاوت کند. وی قاضی امور روحانی

بود. انسان نباید به امید کسب نوعی منفعت

دنیوی نزد عیسی بیاید. ملکوت مسیح از آن این

دنیا^{۲۴} نیست (یوحنا ۱۸:۳۶).

۱۵ به علاوه عیسی دل انسان را می‌شناخت.

۲۴- عیسی نسبت به بی‌عدالتی و نابرابری که در

این دنیا دیده می‌شود، بی‌تفاوت نیست. او روزی کسانی

را که هم‌نوع خود را فریب می‌دهند یا فقرا را استثمار

می‌کنند، داوری خواهد کرد. با اینحال دلیل اصلی آمدن

عیسی به زمین، رسیدگی به شکایات یا اصلاح خطاها

نبود. دلیل اصلی آمدن او، نشان دادن طریق ملکوت

آسمان به انسانها بود.

۴۵ فقها احساس کردند که به ایشان توهین

شده است زیرا که ایشان نیز همان چیزهایی را

تعلیم می‌دادند که فریسیان تعلیم می‌دادند.

بدینسان در آیه ۴۶، عیسی شروع می‌کند به

سرزنش فقها.

۴۶ متی ۴:۲۳ و تفسیر آن مشاهده

شود.

۴۷-۴۸ یهودیان روزگار عیسی

مقبره‌هایی را برای انبیایی بنا می‌کردند که

پدرانشان کشته بودند. آنان ادعا می‌کردند که

بدین طریق بر انبیا ارج می‌نهند، لیکن در

واقع در دلشان درست شبیه به پدرانشان

بودند. ایشان به طریقی با ساختن مقبره برای

انبیای کشته شده، کار پدران خود را تأیید

می‌کردند (متی ۲۹:۲۳-۳۲ و تفسیر آن مشاهده

شود).

۴۹-۵۱ متی ۲۳:۳۴-۳۶ و تفسیر آن

مشاهده شود.

۵۲ فقها کلید معرفت را پوداشته‌اند - یعنی

معرفت مسیح و معرفت نجات را. کلید نجات،

ایمان به عیسی مسیح است. فقها به غلط

تعلیم می‌دادند که انسان تنها به واسطه

اعمال نجات می‌یابد. ایشان تکذیب می‌کردند

که عیسی همان مسیح موعود و نجات‌دهنده

مردم جهان بود. بدینسان ایشان به واسطه

تعالیم غلطشان، کلید حقیقی نجات را از

انسانها پنهان می‌داشتند. آنان خودشان از

ایمان آوردن به مسیح امتناع می‌ورزیدند و

بدتر از آن، مانع می‌شدند که دیگران نیز به او

ایمان آورند (متی ۱۳:۲۳ و تفسیر آن مشاهده

شود).

۵۳-۵۴ طبیعتاً فریسیان و فقها از گفته

عیسی خشمگین شدند. لذا سعی داشتند تا

تکته‌ای از زبان او بگیرند، تا ادعایی علیه او

به دست آورند. ایشان خواهان قتل او بودند

(مرقس ۳:۶؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۲:۱۲-۱۳ و تفسیر آنها

مشاهده شود).

اندیشه مکنید (غصه نخورید) (۱۲:۲۲-۳۴)

(متی ۱۹:۶-۲۱، ۲۵-۳۳)

۲۲-۳۲ متی ۲۵:۶-۳۳ و تفسیر آن مشاهده شود.
۳۳-۳۴ متی ۱۹:۶-۲۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

بیدار بودن (۱۲:۳۵-۴۸)

(متی ۲۴:۴۳-۵۱)

۳۷-۳۵ عیسی در اینجا مثل کوتاهی در مورد بازگشت خود می‌آورد که شبیه به مثل ده باکره در انجیل متی است (متی ۱:۲۵-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود). به جای داماد و باکره‌ها، این مثل در مورد ارباب و غلامانش می‌باشد، اما در باره همان مفهوم سخن می‌گوید.

در این مثل، ارباب فقط به غلامانش سفارش نمی‌کند که بیدار باشند؛ وی در واقع ایشان را خدمت خواهد کرد، طوری که گویی ایشان ارباب بوده و او غلام است. مسیح فرمود: «... پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند» (مرقس ۱۰:۴۵). اگر بیدار بوده، آماده باشیم که در دل‌هایمان را به روی مسیح بگشاییم، در اینصورت وی به ما خوراک و نوشیدنی روحانی و هر نوع برکت روحانی را ارزانی خواهد داشت (یوحنا ۴:۱۳؛ ۶:۲۷، ۵۱؛ افسسیان ۳:۱؛ مکاشفه ۳:۲۰).

۳۸ بنابراین بیدار و آماده باشید. عیسی ممکن است هر لحظه بازگردد (مرقس ۱۳:۳۵-۳۷ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۹-۴۰ متی ۲۴:۴۳-۴۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۱ پطرس از عیسی سؤال کرد که آیا این مثل را برای شاگردان زده است یا برای همه از جمله بی‌ایمانان.

عیسی مستقیماً به سؤال پطرس پاسخ نداد؛ به جای آن مثل دیگری آورد (آیه‌های ۴۲-۴۶).

آن مرد سهم خود را از ارث خواهان بود زیرا که طمع‌کار و حریص بود. «طمع ورزیدن» تنها به معنی خواستن داراییِ شخص دیگر نمی‌باشد. طمع می‌تواند به معنی طلبیدن چیزهایی فراتر از آنچه که داریم، باشد. طمع داشتن به معنی دوست داشتن چیزی است؛ و عهدجدید می‌آموزد که ما نباید هیچ چیزی را که به این دنیا تعلق دارد، دوست بداریم (متی ۱۹:۶-۲۱؛ اول یوحنا ۲:۱۵ مشاهده شود).

عیسی فرمود: «حیات انسان از اموالش نیست». اموال هرگز به ما حیات جاودانی نمی‌بخشند. اموال حتی در این دنیا نیز به ما شادی و سلامتی نمی‌دهند، بلکه گناه حتی اضطراب را عاید ما می‌کنند. در واقع هر چه بیشتر برای خود مال بیندوزیم، همانقدر از لحاظ روحانی فقیر می‌شویم، چرا که به جای تکیه بر خدا، بر اموال خود تکیه می‌کنیم و بزودی اعتماد به خدا را به فراموشی می‌سپاریم. اینچنین است که حیات واقعی و ابدی خود را از دست می‌دهیم (متی ۶:۲۴؛ مرقس ۸:۳۵-۳۷؛ ۱۰:۲۱-۲۵؛ اول تیموتاؤس ۶:۶-۱۰ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱۶-۲۱ سپس عیسی این مثل را آورد که مردی برای خود ثروتی اندوخت. در اثر کسب این ثروت، احساس امنیت می‌کرد. اما خدا به او فرمود: «در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت». امشب خواهی مرد. پس فایده تمامی ثروت تو چه خواهد بود؟» (ایوب ۸:۲۷).

ما برهنه بدنی می‌آییم و برهنه نیز آن را ترک می‌کنیم (ایوب ۱:۲۱). به‌هنگام مرگ ثروت دنیوی‌مان را با خود نخواهیم برد (اول تیموتاؤس ۷:۶). انسانی که گنج جاودانی در آسمان نمی‌اندوزد، به‌راستی نادان است. چرا باید میراث ابدی خود را به‌خطر بینداریم، فقط به‌خاطر کسب گنجی دنیوی که تنها چند سالی دوام دارد؟

پنج قنطار اضافی سود کند (متی ۱۹:۲۵-۲۱). لیکن از شخصی که دو قنطار دریافت کرده بود، انتظار می‌رفت که دو قنطار اضافی کسب کند (متی ۲۲:۲۵-۲۳). توجه داشته باشید که هر دو این اشخاص پاداش یکسانی دریافت کردند. زیرا که در ارتباط با قنطارهای دریافتی، کار یکسانی را انجام داده بودند - یعنی قنطارهای خود را دو برابر کردند.

در مثل ده قنطار، عیسی همان حقیقت را لیکن به طریقی متفاوت تعلیم داد (لوقا ۱۹:۱۱-۲۶ مشاهده شود). در مثل قنطارها، عطایا یکسان بودند. هر یک از اشخاص یک قنطار دریافت کرد. لیکن هر یک از ایشان قنطار را به طریقی متفاوت به کار گرفت. برخی بهتر از برخی دیگر از آن استفاده کردند. یکی ده قنطار اضافه سود کرد (لوقا ۱۹:۱۶). دیگری پنج قنطار اضافه (لوقا ۱۸:۱۹). سپس این افراد پاداشهای متفاوتی دریافت کردند (لوقا ۱۹:۱۷، ۱۹). همه آنها زیاد دریافت کرده بودند، اما همه زیاد بازپس ندادند. کسانی که سود زیادترا از آنچه که یافته‌اند نیاوردند، پاداش کمتری دریافت کردند.

دوستان، مراقب باشیم که عطایای خود را هدر ندهیم. بگذارید که آنچه را که خدا به ما داده است، ضایع نسازیم. او به ما مواهب روحانی و مواهب دنیایی عطا فرموده است، نظیر تندرستی، سلامت عقل و روان، و امکانات مادی. بیایید تمامی این عطایا را به حد اکمل در راه خدمت به او صرف کنیم. از این آیه‌ها نکته دیگری را نیز درمی‌یابیم.

۲۵- حتی شخصی که هرگز در باره مسیح نشنیده است، در عالم آینده مجازات خواهد شد زیرا که تمامی انسانها بطریقی نسبت به خدا گناه ورزیده‌اند. تمامی انسانها تا حدی می‌دانند که خواست خدا چیست. بنابراین هیچ انسانی عذری ندارد (رومیان ۱: ۱۸-۲۰؛ ۳: ۱۰-۱۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

اما مثل بعدی نیز در مورد غلامان و اربابشان بود. به همین دلیل، این مثل در مورد شاگردان بود، خصوصاً کسانی که می‌بایست در کلیسا رهبر شوند.

نتیجتاً این مثل پاسخی شد برای سؤال پطرس؛ اما مثل اول در مورد بیداری (آنکه پطرس در مورد آن سؤال کرد)، برای ایمانداران - یعنی شاگردان - بود و نه برای بی‌ایمانان. **۴۲-۴۶** متی ۲۴:۴۵-۵۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۷-۴۸ در این آیه‌ها عیسی حقیقت روحانی مهمی را تعلیم می‌دهد: کسانی که ناآگاهانه گناه می‌ورزند، تنبیه‌شان مختصر خواهد بود؛ لیکن کسانی که آگاهانه گناه می‌کنند، بیشتر مجازات خواهند شد. در واقع بر طبق شریعت عهدعتیق، برای گناهان آگاهانه آمرزشی وجود ندارد (اعداد ۲۷:۱۵-۳۱). از این امر می‌توانیم دریابیم که در جهنم، درجات مختلفی برای مجازات وجود دارد. کسانی که انجیل مسیح را می‌شنوند اما آگاهانه آن را رد می‌کنند، شدیدتر مجازات خواهند شد. کسانی که هرگز انجیل را نشنیده‌اند، مجازات ۲۵ خفیف‌تری خواهند یافت.

به‌همان طریق، در آسمان نیز پاداشهای مختلفی وجود خواهد داشت. کسانی که مسیح را به شایستگی و از روی ایمان خدمت کرده‌اند، پاداش بزرگتری دریافت خواهند کرد. کسانی که از عطایای مسیح به‌طور شایسته و از روی ایمان استفاده نکرده‌اند، پاداش کمتری دریافت خواهند داشت (متی ۲۷:۱۶؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۱۰ مشاهده شود).

سپس عیسی فرمود: «**به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیاده‌تر گردد**» (آیه ۴۸). خدا هر یک از ما را بر طبق معرفت روحانی و عطایایی که دریافت کرده‌ایم، داوری کرده، پاداش خواهد داد. در مثل قنطارها، به شخصی پنج قنطار داده شد، لذا از او انتظار می‌رفت که

کار نجاتش سریعاً در تمامی جهان منتشر گردد. هنگامی که آتش زبانه می‌کشد، خودبه‌خود منتشر می‌گردد. آتش می‌بایست پیش از مرگ مسیح روشن شود، در غیر اینصورت خاموش می‌شد. آتش در دل شاگردانش شعله‌ور شد و تا به امروز در دل هر نسل از شاگردانش افروخته شده است.

۵۰ مسیح می‌بایست متحمل **تعمیدی** شود. در اینجا «تعمید» به معنی رنج و مرگ است (مرقس ۱۰:۳۸ و تفسیر آن مشاهده شود). پیش از آنکه آتش روح‌القدس بیاید، مسیح ابتدا می‌بایست زحمت بکشد و بمیرد. وی مشتاق بود که این «تعمید» به سرعت پایان پذیرد.

۵۱-۵۳ متی ۱۰:۳۴-۳۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

۵۴-۵۶ مرقس ۸:۱۱-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

۵۷-۵۹ متی ۵:۲۳-۲۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

کسانی که مسیحی هستند، نمی‌توانند به شیوه غیر مسیحیان زیست کنند؛ ایشان باید بهتر زندگی کنند. کسانی که روح‌القدس را دریافت کرده‌اند، نمی‌توانند شبیه به کسانی زندگی کنند که روح‌القدس را ندارند. ایشان باید بهتر زندگی کنند یعنی زندگی مقدس‌تری داشته باشند. آنانی که از روح‌القدس بیشتر پر هستند، باید نسبت به کسانی که کمتر پر هستند، زندگی خدایسندانه‌تری داشته باشند. مسیحیان بالغ باید بهتر از مسیحیان نوایمان و نابالغ زندگی کنند. آنچه که برای یک نوایمان گناه کوچکی بشمار می‌رود، برای مسیحی قدیمی‌تر ممکن است گناه بزرگی به حساب آید. کسانی که مسئولیت دریافت کرده‌اند، با جدیت بیشتری داوری خواهند شد تا آنانی که مسئولیتی نداشته‌اند (یعقوب ۳:۱ مشاهده شود). **به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد؛ و نزد هر که امانت بیشتر نهند، از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.**

نه سلامتی، بلکه تفریق (۵۹-۴۹:۱۲)

(متی ۵:۲۶-۲۳؛ ۱۰:۳۶-۳۴؛ ۱۶:۱-۴)

مرقس ۸:۱۱-۱۳

۴۹ **من آمدم تا آتشی در زمین افروزم.** آمدن مسیح مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: آنانی که او را رد می‌کنند و آنانی که او را می‌پذیرند. برای کسانی که او را رد می‌کنند، آتش، آتش داوری است، به عبارتی آتش جهنم. لیکن برای آنانی که مسیح را می‌پذیرند، آتش، آتش تطهیر و تقویت خواهد بود (اول پطرس ۱:۶-۷ مشاهده شود)، یعنی آتش روح‌القدس (متی ۳:۱۱؛ مرقس ۱:۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

مسیح فرمود: «**پس چه می‌خواهم اگر الان درگرفته است.**» وی آرزو داشت که انجیلش همچون «آتش» منتشر شود. وی آرزو داشت که

باب ۱۳

توبه یا هلاکت (۱۳:۱-۹)

۱ در لوقا ۱۲:۴۹-۵۹، عیسی مردم را در مورد نشانه‌های انقضای عالم آگاه ساخت. در این بخش، او انسان را دعوت می‌کند که پیش از آنکه دیر شود، توبه کند.

مدتی پیش از این، برخی از یهودیان جلیل در هیکل اورشلیم به‌هنگام گذراندن قربانی، به‌دستور پیلاتس، والی رومی یهودیه، به‌قتل رسیدند و خون ایشان را با خون قربانی‌هایشان در آمیختند. علت این اقدام پیلاتس مشخص نیست، اما به‌هرحال، او در بی‌رحمی شهرت داشت.

۲-۳ این واقعه را به عیسی گوشزد کردند. اکثر یهودیان در روزگار عیسی بر این باور بودند که اگر چنین مصیبتی بر شخصی نازل شود، علتش قطعاً این است که شخص مزبور بسیار

بده». برخی از محققین کتاب مقدس معتقدند که باغبان همان مسیح است که در این زمینه، از پدر تقاضا می‌کند که مجازات قوم یهود را به تعویق بیندازند، شاید که توبه کنند.

به همان طریق، خدا امروز نیز به انسانها رحمت نشان می‌دهد. وی به مردمان فرصت بیشتری برای توبه داده است. لیکن این فرصت همیشگی نخواهد بود (دوم پطرس ۳:۳-۴، ۹-۱۰ و تفسیر آنها مشاهده شود). هشدار ما به تمامی انسانها، امروزه همان است که در ایام عیسی بود: توبه کنید - فرصت زیادی باقی نمانده است. آنگاه که مسیح بازگردد، بسیار دیر خواهد بود.

ما نیز همانند باغبان می‌توانیم دعا کنیم که خدا فرصت بیشتری برای توبه به انسانها بدهد. بر ما نیست که دعا کنیم که مسیح فوراً بیاید - بلکه فقط اینکه بیاید (مکاشفه ۲۰:۲۲).

لیکن توجه داشته باشید که باغبان در این اثنا چه باید بکند. وی باید به درخت بی‌ثمر کود داده، آن را پرورش دهد. یعنی ما فقط نباید دعا کنیم که انسانها فرصت بیشتری برای توبه داشته باشند، بلکه باید در عین حال انجیل مسیح را به ایشان اعلام کرده، آنان را فعالانه تشویق به توبه نماییم.

۲۶- البته درست است که گاهی اوقات مصیبت بدین خاطر بر افراد نازل می‌شود که گناه ورزیده‌اند. لیکن غالباً، علت مصیبت‌ها گناه نمی‌باشد، و این امر می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. به‌عنوان مثال، یوحنا ۱:۹-۳؛ یعقوب ۱:۲-۳؛ اول پطرس ۱:۶-۷؛ ۴:۱۲-۱۳ و تفسیر آن آنها مشاهده شود. ما نمی‌توانیم گناهان یک انسان را بر حسب رنجی که بر او نازل شده است بسنجیم.

۲۷- درخت انجیر غالباً به‌عنوان نشانه قوم یهود بکار رفته است (هوشع ۹:۱۰؛ یوئیل ۱:۷؛ مرقس ۱۱:۱۲-۱۴، ۲۱).

گناهکار بوده و آن مصیبت مجازاتی بوده از جانب خدا. اما عیسی فرمود که چنین نیست.^{۲۶} جلیلیانی که به قتل رسیده بودند، گناهکارتر از دیگر یهودیان نبودند. در واقع مصیبتی که بر آن جلیلیان نازل شد، هشدار بود به همه یهودیان که اگر توبه نکنند، خیلی زود به همان سرنوشت دچار خواهند شد. (ما اکنون می‌دانیم که یهودیان توبه نکردند و چهل سال بعد تمامی ساکنان اورشلیم توسط سپاه روم به‌هلاکت رسیدند.)

۴-۵ سپس عیسی خود مثالی از فاجعه‌ای دیگر آورد که طی آن، هجده نفر در اثر فرو ریختن یک برج، کشته شدند. لیکن آن هجده نفر در نظر خدا گناهکارتر از بقیه یهودیان بی‌ایمان اورشلیم نبودند. یهودیان دیگر نیز هلاک خواهند شد.

۶-۷ لیکن خدا به قوم یهود فرصت بیشتری برای توبه داد. وی آن ویرانی را که می‌بایست بر ایشان نازل شود، به تعویق انداخته بود. عیسی برای توضیح این امر، مثالی آورد در مورد مردی که درخت انجیری کاشت. آن مرد معرف خدا است و درخت انجیر معرف قوم یهود^{۲۷}. قوم یهود همانند درخت انجیر بی‌ثمر، ثمره توبه و عدالت را به‌بار نیاورد.

بنابراین، مرد به باغبان خود گفت: «آن را قطع کن» (متی ۳:۱۰؛ ۱۹:۷ مشاهده شود). درخت نه تنها نفعی نمی‌رساند، بلکه زیانبار نیز بود، چرا که مانع رشد بقیه گیاهان می‌شد و زمین را اشغال می‌کرد.

همان امری که در مورد درختان صادق است، در مورد انسانها نیز صدق می‌نماید. کسانی که کار نیکی انجام نمی‌دهند، معمولاً زیانبارند، چرا که سرمشق بدی ارائه می‌دهند. انسانها یا خیر می‌رسانند و یا ضرر.

۸-۹ لیکن باغبان به مرد گفت: «فرصت بیشتری به درخت بده. یکسال دیگر هم فرصت

شفای زن بیمار در روز سبت (۱۳:۱۰-۱۷)

۱۴-۱۰ ماجرای شفای زن بیمار در روز سبت، شبیه به شفا یافتن مردی است با دست خشک شده (مرقس ۳:۱-۳ و تفسیر آن مشاهده شود). این زن **دختر ابراهیم** (آیه ۱۶) بود یعنی یک یهودی بود و مدت هجده سال روح ضعف بر او چیره بود. شیطان باعث ضعف او شده بود.^{۲۸}

۱۷-۱۵ هنگامی که یهودیان با شفای زن در روز سبت مخالفت کردند، عیسی ایشان را **ریاکار** خواند. اگر گوسفندی در روز سبت درون چاهی بیفتد، ایشان آن را بیرون خواهند آورد. آیا گوسفند و دیگر حیوانات بارزتر از انسانها هستند؟ (متی ۱۲:۱۱-۱۲؛ مرقس ۳:۴-۶؛ لوقا ۱۴:۱-۶ و تفسیر آنها مشاهده شود). اگر بستن و گشودن حیوانات برای نوشیدن آب در روز سبت مجاز باشد، یقیناً آزاد کردن شخص بیمار از قید شیطان در روز سبت نیز مجاز است.

مثل های دانه خردل و خمیرمایه (۱۳:۱۸-۲۱)

(متی ۱۳:۳۱-۳۳؛ مرقس ۴:۳۰-۳۲) ۱۹-۱۸ مرقس ۴:۳۰-۳۲ و تفسیر آن مشاهده شود.
۲۱-۲۰ متی ۱۳:۳۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

در تنگ (۱۳:۲۲-۳۰)

۲۳-۲۲ بسیاری از مردم عقیده داشتند که عیسی یک نبی و یک معجزه‌گر است، و فقط عده کمی او را نجات دهنده یعنی مسیح موعود می‌دانستند. بسیاری از مردم توبه نکرده، به او ایمان نیاوردند. کسی که متوجه شده بود که تنها تعداد اندکی از او پیروی می‌کنند، پرسید: «ای خداوند آیا کم هستند که نجات یابند؟»^{۲۹}
۲۴ عیسی به سؤال او مستقیماً پاسخ نداد و

در عوض گفت: «جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید، زیرا بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست. سؤال نکنید که چه تعداد نجات خواهند یافت، بلکه فقط پرسید که آیا خود شما نجات خواهید یافت یا نه. پیش از آنکه غصه دیگران را بخورید، مطمئن شوید که خود شما از در تنگ وارد آسمان شده‌اید» (متی ۱۳:۷-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲۵ منظور عیسی این بود: برای رسیدن به آسمان، همه ما باید از «در تنگ» عبور کنیم. گذشتن از آن راحت نیست. ما باید **جد و جهد** کنیم که از آن بگذریم؛ این کار را نباید به تعویق اندازیم. وقتی که در بسته شد، دیگر برای دخول بسیار دیر خواهد بود. ما باید تا وقتی که در باز است، از آن داخل شویم، زیرا که زمانی فرا خواهد رسید که عیسی باز خواهد گشت و در را خواهد بست. در آنصورت فرصت خود را از دست داده‌ایم (متی ۶:۲۵-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

تا زمانی که عیسی باز گردد، همچنان فرصت هست که انسانها از در تنگ داخل شوند. در، برای تمام کسانی که توبه کرده، ایمان آورده باشند باز است... **بگوئید که برای شما باز کرده خواهد شد** (متی ۷:۷). فرصت را از دست ندهید. جد و جهد کنید تا فرصت هست، داخل شوید.

هنگامی که عیسی در قوت و جلال باز گردد، بسیاری خواهند کوشید که از در داخل شوند. ایشان در خواهند یافت که وی به‌راستی

۲۸- از یک نظر می‌توان گفت که تمامی بیماری‌ها ناشی از شیطان است. از زمانی که آدم و حوا در باغ عدن گناه ورزیدند، نوع بشر تحت نفرین مرگ و بیماری قرار گرفت. این کار شیطان است (پیدایش ۱۳-۶، ۱۷-۱۹).
۲۹- یهودیان می‌پنداشتند که همگی نجات خواهند یافت. اما عیسی تعلیم می‌داد که فقط آنانی که به او ایمان آورند، نجات خواهند یافت.

اتمام برساند. «**امروز و فردا**» - یعنی در وقت باقی مانده - کار خواهم کرد و **روز سوم** به هدف خود می‌رسم.» هدف عیسی مردن و برخاستن از مردگان بود. به واسطه مرگش بود که هدف نجات انسان از گناه تحقق می‌یافت (مرقس ۱۰:۴۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۳ هیچ تهدیدی عیسی را از انجام اراده خدا باز نمی‌داشت. وی می‌دانست که باید کشته شود، لیکن نه در جلیل و توسط هیروودیس. انبیای قدیم در اورشلیم کشته شده بودند. تنها شورای عالی در اورشلیم بود که می‌توانست انبیاء را به مرگ محکوم کند؛ و اورشلیم تحت اقتدار سیاسی هیروودیس نبود.

۳۴-۳۵ متی ۲۳:۳۷-۳۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۱۴

شفای مرد بیمار در روز سبت (۱۴:۱-۶)

۱ هر جا که عیسی می‌رفت، دقیقاً **مراقب** او بودند. فریسیانی که با او خصومت داشتند، امیدوار بودند که وی کاری کند تا به خاطر آن بتوانند او را محکوم به مرگ نمایند. شفا دادن یک شخص در روز سبت از نظر یهودیان نقض شریعت یهود بود (مرقس ۳:۱-۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲ هنگامی که عیسی در روز سبت در خانه یکی از فریسیان برجسته مشغول صرف غذا بود، مردی مستقسی را نزد او آوردند (در این بیماری، بدن شخص متورم می‌شود و به قول معروف آب می‌آورد). فریسیان مراقب بودند تا ببینند عیسی چه خواهد کرد.

۳ لیکن عیسی ابتدا از فریسیان و فقها سؤال کرد: «**آیا در روز سبت شفا دادن جایز است؟**» اگر ایشان پاسخ مثبت می‌دادند، در آنصورت نمی‌توانستند اتهامی بر عیسی وارد کنند. و اگر جواب منفی می‌دادند، مردم به خاطر

نجات‌دهنده، و پسر خدا است. اما دیگر دیر خواهد بود. او خواهد گفت: «**شمارا نمی‌شناسم.**»

۲۶-۲۷ مردم در آن هنگام به عیسی خواهند گفت: «**در حضور تو خورديم و آشاميديم.**» به کلیسا رفته‌ایم. کلام تو را گوش داده‌ایم. گفته‌ایم «**خداوند، خداوند**» (متی ۲۱:۷-۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود). در آن زمان، یهودیان روزگار عیسی نیز خواهند گفت: «ما نیز یهودیانی همچون تو می‌باشیم. از نسل ابراهیم هستیم. قوم برگزیده خدا هستیم. پس یقیناً جایی در ملکوت آسمان داریم.» لیکن عیسی به همه ایشان خواهد گفت: «**شما حقیقتاً به من ایمان نداشته‌اید. شمارا نمی‌شناسم.**»

۲۸-۳۰ سپس عیسی به یهودیانی که ایستاده بودند و به حرفهایش گوش فرا می‌دادند گفت: «در آن روز گریه و فشار دندان خواهد بود. زیرا که ایمان نیاوردید. مردمی از مشرق و مغرب و شمال و جنوب - یعنی غیریهودیان - به جای شما در ملکوت خدا خواهند نشست (متی ۱۱:۸-۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود). پنداشتید که اولین هستید، لیکن سرانجام آخرین خواهید شد. پنداشتید که نجات یافته‌اید؛ لیکن سرانجام هلاک خواهید گشت» (مرقس ۱۰:۳۱ و تفسیر آن مشاهده شود).

اندوه عیسی برای اورشلیم (۱۳:۳۱-۳۵)

۳۱ هنگامی که عیسی همچنان در جلیل بود، برخی از فریسیان به وی هشدار دادند که آن ناحیه را ترک گوید زیرا که هیروودیس، حاکم جلیل قصد داشت او را به قتل رساند.

۳۲ عیسی نظر مثبتی نسبت به هیروودیس نداشت. وی یحیی تعمیددهنده را به قتل رسانده بود. وی قدرت داشت و همچون روباه حيله‌گر بود. لیکن قدرت این را نداشت که عیسی را باز دارد. عیسی پیش از مرگ می‌بایست کارش را به

بی‌رحمی‌شان نسبت به مرد بیمار خشمگین می‌شدند. لذا **ساکت ماندند**.

۴-۶ عیسی مرد بیمار را شفا داد. یهودیان، بیرون آوردن یک حیوان را از چاه، در روز سبت جایز می‌شمردند. بنابراین یقیناً در نظر خدا، نجات دادن یک انسان از بدبختی و فلاکت در روز سبت جایز بود (متی ۱۲: ۱۰-۱۲؛ مرقس ۳: ۴-۶؛ لوقا ۱۳: ۱۵-۱۷ و تفسیر آنها مشاهده شود).

تعلیم دربارهٔ فروتنی (۱۴: ۷-۱۴)

۷ هنگامی که عیسی در خانهٔ فریسی بود، میهمانان دیگری نیز آمدند. ایشان به‌هنگام ورود، بهترین جایها را برای نشستن انتخاب می‌کردند (مرقس ۱۲: ۳۸-۳۹ مشاهده شود). عیسی با دیدن تکبر و میل ایشان برای خودنمایی، مثلی آورد.

۸-۱۰ این مثل در مورد دعوت شدن به یک ضیافت بود. در ضیافت‌ها، برخی از جایها به افراد مهم اختصاص دارند و بقیهٔ جایها برای سایر افراد می‌باشد. معمولاً مهم‌ترین میهمانان دیرتر از همه وارد می‌شوند. اگر یک میهمان غیرمهم در جایی که مخصوص افراد مهم است بنشیند، میزبان از آن شخص خواهد خواست که در جای پایین‌تر بنشیند! چه اتفاق شرم‌آوری! بهتر است که از همان اول جای پایین را انتخاب کرد (امثال ۲۵: ۶-۷).

منظور عیسی این نیست که باید تظاهر به فروتنی کنیم. برخی افراد آگاهانه، جای پست‌تری را انتخاب می‌کنند، چرا که می‌دانند که از ایشان تقاضا خواهد شد که در جای بالاتری بنشینند. ایشان ادعای فروتنی می‌کنند، لیکن در واقع در جستجوی احترام بیشتری هستند. چنین افرادی ظاهر فروتنی دارند، لیکن در واقع متکبرند.

مثل مزبور دارای مفهومی روحانی نیز هست. خدا «ضیافتی» را مهیا کرده است و به هر

میهمان جای خاصی را اختصاص داده است. هنگامی که به حضور او می‌آییم، نباید مدعی جای بالایی باشیم. وی دل ما را می‌شناسد و می‌داند که سزاوار چه جایی هستیم. باشد که خود را در حضور او فروتن سازیم و پست‌ترین جا را اشغال کنیم. زیرا که خدا کسانی را که سعی می‌کنند خود را بزرگ سازند، ذلیل می‌کند (آیه ۱۱).

۱۱ متی ۲۳: ۱۲؛ اول پطرس ۵: ۵-۶ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۱۲ هنگامی که عیسی در منزل آن فریسی متشخص نشسته بود (آیه ۱) متوجه شد که میزبان تنها دوستان و بستگان ثروتمند خود را دعوت کرده است. پذیرایی از تمامی آن میهمانان گران تمام می‌شد، لیکن میزبان در نهایت متحمل زیان نخواهد شد، زیرا که تمامی آن میهمانان بعداً او را به خانه‌های خود دعوت خواهند کرد و بدین ترتیب، زحمات و هزینه‌هایش عوض خواهند یافت.

عیسی به فریسی فرمود: «**دوستان، برادران یا خویشان یا همسایگان دولت‌مند خود را دعوت مکن**». منظور عیسی چنین بود: تنها این قبیل میهمانان را دعوت مکن، بلکه آنانی را نیز دعوت کن که نمی‌توانند تو را عوض دهند.

۱۳-۱۴ عیسی می‌دانست که آن فریسی تنها کسانی را دعوت کرده است که می‌توانند او را به طریقی عوض دهند. منظور او از این دعوت، جلب نظر مساعد آنان و کسب نوعی امتیاز بود. اما عیسی به او فرمود: «اگر می‌خواهی برکت خدا را دریافت کنی، کسانی را دعوت کن که نمی‌توانند تو را عوض دهند. در اینصورت خدا تو را **در قیامت عادلان**^{۳۰} یعنی

^{۳۰} - تمامی مردگان چه عادل، چه غیرعادل، در انتهای عالم زنده شده، بدن جدیدی خواهند یافت (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ اعمال رسولان ۲۴: ۱۵؛ رومیان ۲: ۱۳ و تفسیر آنها مشاهده شود). قیامت عادلان در آسمان

در آسمان عوض خواهد داد.»

منظور عیسی این بود که اگر تنها به امید عوض یا پاداش در این جهان، کارهای نیک انجام دهیم، از جانب خدا در آسمان پاداشی دریافت نخواهیم کرد (متی ۶: ۱-۴ و تفسیر آن مشاهده شود). خیلی بهتر است که پاداش خود را از خدا دریافت کنیم تا از انسان. اجرهای این جهان پایان می‌پذیرند، لیکن اجرهای خدا تا به ابد دوام می‌یابند.

هر کار نیکی که انجام دهیم، در آسمان ثبت می‌شود و به‌خاطر آن اجر خواهیم یافت (متی ۶: ۲۷). هنگامی که کسانی را دعوت می‌کنیم که **فقیر و لنگ و شل و کور** هستند، خود مسیح را دعوت کرده‌ایم (متی ۲۵: ۴۰). و او ما را بدون پاداش نخواهد گذاشت.

لازم است که دو نکته دیگر را نیز یادآوری کنیم. اولاً دعوت کردنِ دوستان و همسایگان دولت‌مند اشتباه نیست. دولت‌مندان هم نیاز به نجات دارند؛ ایشان محتاج محبت صادقانه و بی‌ریا هستند. لیکن باید ایشان را از روی محبتی خالص دعوت کنیم، نه به‌خاطر کسب منفعتی مادی.

ثانیاً نباید فقرا را تنها به‌خاطر دریافت پاداش در آسمان دعوت کنیم. این عملی است خودخواهانه و باز نفع‌پرستانه. ما باید ایشان را به‌خاطر اینکه دوستشان داریم، دعوت کنیم. باید به‌خاطر داشته باشیم که مسیح چگونه ما را دعوت کرده، بخشیده، و محبت نموده است. پس ما نیز باید نسبت به کوچکترین برادران او نیز چنین کنیم: **«ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نماییم»** (اول یوحنا ۴: ۱۱).

مثل ضیافت عظیم (۱۴: ۱۵-۲۴)

۱۵ یهودیان غالباً ملکوت خدا را به ضیافتی عظیم و شاد تشبیه می‌کردند (متی ۲۲: ۱-۲). بعد از آنکه عیسی سخن خود را در

مورد شیوه دعوت افراد به پایان رساند (آیه‌های ۱۲-۱۳)، یکی از حاضرین در مجلس فوراً گفت: «خوشابحال کسی که در ملکوت خدا غذا خورد.» منظور او این بود: ما یهودیان چه امتیازی داریم، زیرا که تنها ما هستیم که در آن ضیافت دعوت خواهیم داشت.

۱۶-۱۷ عیسی برای پاسخ به آن مرد، مثل دیگری آورد. او این مثل را بیان نمود تا به یهودیان هشدار دهد که در حال از دست دادن جای خود در ضیافت خدا می‌باشند (متی ۲۲: ۱-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

شخصی... بسیاری را دعوت نمود. آن شخص

خدا است و **مبهمانان** یهودیان می‌باشند. خدا ابتدا یهودیان را از طریق انبیای عهدعتیق دعوت نمود. سپس ایشان را برای بار آخر فرا خواند. وی **غلام** (خادم) خود مسیح را فرستاد تا به یهودیان بگوید که اینک ضیافت آغاز می‌شود.

۱۸-۲۰ اما همه دعوت‌شدگان گفتند که نمی‌توانند بیایند و هر یک عذری آورد. عذرهای واقعی بودند لیکن دلایل خوبی نبودند. در هر مورد، دعوت‌شدگان اگر می‌خواستند، می‌توانستند بیایند. اما به‌جای آن، چیزهای دیگر را بالاتر از دعوت خدا قرار دادند.

۲۱-۲۳ بنابراین، از آنجا که یهودیان نمی‌خواستند که به ضیافت بیایند و به آخرین دعوت خادم یعنی مسیح گوش فرادادند، خدا به‌جای آنها غیریهودیان را دعوت کرد (متی ۲۱: ۴۳). وی ایشان را دعوت کرد **«تاخانه من پر شود»** (آیه ۲۳). هیچکس از ضیافت خدا محروم نمی‌ماند، مگر آنان که از آمدن امتناع می‌ورزند.

۲۴ سپس عیسی به یهودیانی که به مثل گوش می‌دادند فرمود: **«به شما می‌گویم هیچیک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهد چشید.»** ضیافت، ضیافت عیسی بود. ضیافت به

خواهد بود. برای بحث بیشتر به «فهرست لغات: قیامت» مراجعه شود.

افتخار او بود. این ضیافت عروسی او بود (مکاشفه ۷:۱۹-۹ و تفسیر آن مشاهده شود). لیکن یهودیان فرصت شرکت در آن را از دست داده بودند.

آن مرد یهودی که ابتدا گفت: «**خوشابحال کسی که در ملکوت خدا غذا خورد**» (آیه ۱۵) حق داشت. لیکن در موقع مقرر، دعوت را رد کرد. وی فرصت غذا خوردن در ضیافت را از دست داد زیرا که عیسی را نپذیرفت.

با وجود آنکه عیسی این مثل را در خانه فریسی خطاب به یهودیان گفت، باید به خاطر داشته باشیم که برای ما نیز نوشته شده است. این مثل برای همگان، چه یهودی و چه غیریهودی نوشته شده است، برای همه آنانی که از سوی مسیح به ضیافتش دعوت شده‌اند. تمام کسانی که سخنان مسیح را می‌شنوند، دعوت شده‌اند. مسیح امروزه خطاب به تو می‌فرماید: «به ضیافت من بیا!» پاسخ من و شما چیست؟ آیا ما نیز همانند یهودیان، چیزهای دیگر را در اولویت قرار می‌دهیم؟ در اینصورت ما نیز فرصت غذا خوردن در ضیافت را از دست خواهیم داد. دوستان عزیز، بیایید غم و غصه‌های دنیوی خود و دل بستگی‌های مادی خود را ترک کنیم (متی ۱۰:۳۷؛ مرقس ۱۰:۲۹-۳۱ و تفاسیر مشاهده شود). می‌توانیم روز دیگری به آنها بپردازیم. مسیح اکنون ما را فرا می‌خواند. پاسخ ما چه خواهد بود؟

هیچ انسانی نمی‌تواند داخل آسمان شود مگر آنکه خدا او را دعوت کرده باشد. اما انسان می‌تواند این دعوت را رد کند. هیچ انسانی نمی‌تواند خود را نجات دهد؛ اما می‌تواند خود را از نجات محروم سازد. مسیح در ابتدا ما را طرد نمی‌کند: این ما هستیم که مسیح را رد می‌کنیم. عیسی فرمود: «**هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود**» (یوحنا ۶:۳۷). «آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید،

بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (یوحنا ۳:۳۶). چنانکه خدا مسیح را به جهان فرستاد تا بشر را به ضیافت خود دعوت کند، مسیح نیز ما را به جهان فرستاد تا هموعان خود را به ضیافت او دعوت نماییم (یوحنا ۱۷:۱۸). آخرین بار که کسی را به ضیافت مسیح دعوت کرده‌ایم، کی بود؟

بهای شاگردی (۱۴:۲۵-۳۵)

(متی ۱۳:۵؛ ۱۰:۳۷؛ ۱۶:۲۴؛ مرقس ۸:۳۴؛ ۹:۵۰)

۲۵-۲۶ متی ۱۰:۳۷؛ یوحنا ۱۲:۲۵ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۲۷ مرقس ۸:۳۴ و تفسیر آن مشاهده شود.
۲۸-۳۰ عیسی ما را به ضیافت خود دعوت کرده است. وی ما را خوانده است تا از او پیروی کنیم. اما هشدار می‌دهد که ما داده‌ایم. وی خاطر نشان می‌کند که شاگردی و پیروی او کار ساده‌ای نیست. بسیاری خیلی سریع به عیسی می‌گویند: «از تو پیروی خواهم کرد»، لیکن نمی‌دانند چه می‌گویند (متی ۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۹:۵۷-۵۸ و تفسیر آن مشاهده شود). ایشان سختی و مشکلات پیروی از عیسی را در نظر نگرفته‌اند.

عیسی در اینجا دو مثال می‌زند تا توضیح دهد که باید ابتدا پیش از پیروی از او، بهای شاگرد بودن را برآورد کنیم. اولین مثال، مربوط به مردی است که بر جی می‌سازد. پیش از شروع کار، باید مطمئن شود که از عهدهٔ مخارج آن بر می‌آید چرا که اگر کار را شروع کند، باید تکمیلش نماید. در غیر اینصورت مورد استهزا واقع خواهد شد. به همان طریق، وقتی وارد جادهٔ شاگردی عیسی شدیم، دیگر توقف میسر نیست؛ جایی برای بازگشت به عقب وجود ندارد (متی ۸:۲۱-۲۲؛ لوقا ۹:۶۱-۶۲ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۱-۳۲ دومین مثال در مورد پادشاهی

۱۶:۲-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود). به همین جهت، عیسی برای اینکه توضیح دهد چرا گناهکاران و مطرودین اجتماع را با آغوش باز می‌پذیرد، سه مَثَل آورد: حکایت گوسفند گمشده (آیه‌های ۳-۷)، حکایت سکه گمشده (آیه‌های ۸-۱۰) و حکایت پسر گمشده (آیه‌های ۱۱-۳۲).

۷-۳ متی ۱۸:۱۲-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

حکایت سکه گمشده (۱۵:۸-۱۰)

۱-۱۰ این مَثَل، همان مفهوم حکایت گوسفند گمشده را در بر دارد (آیه‌های ۳-۷). حکایت سکه گمشده، هم در مورد ایماندارانی صدق می‌کند که راه را گم کرده‌اند، و هم در مورد بی‌ایمانانی که هنوز راه را نیافته‌اند.

این دو حکایت آموزش می‌دهد که خدا پدر مهربانی است که در جستجوی گمشدگان می‌باشد. هیچ مذهب دیگری در جهان در مورد خدایی که در جستجوی انسانها است، تعلیم نمی‌دهد. خدا پسر خود مسیح را به زمین فرستاد تا ما را بجوید (لوقا ۱۹:۱۰). مسیح شبیه به چوپانی بود که زندگی‌اش را داد تا گوسفند گمشده را بیابد (یوحنا ۱۰:۱۱). خدا اجازه داد تا خون پسرش ریخته شود تا ما را بیابد و نجات دهد (مرقس ۱۰:۴۵؛ ۱۴:۲۴؛ افسسیان ۲:۱۳). ما به بهایی خریداری شده‌ایم، بهای خون مسیح (اول قرن‌تیان ۶:۲۰). اگر خدا خواسته است که این بهای عظیم را بپردازد، پس ببینید هر یک از انسانها چقدر در نظرش باید ارزشمند باشند! به همین دلیل است که برای هر گناهکاری که توبه می‌کند، خوشی در آسمان رخ می‌دهد (آیه ۷).

حکایت پسر گمشده (۱۵:۱۱-۳۲)

۱۱-۱۶ سپس عیسی مثل سومی آورد در مورد پسر کوچکتر خانواده که سهم ارث خود

است که می‌خواهد به جنگ برود. وی پیش از آغاز نبرد، باید تعداد سپاهیان خود و دشمن را محاسبه نماید. اگر برای پیروز شدن در جنگ سرباز کافی ندارد، بهتر است که دست به حمله نزند!

در مورد شاگردان مسیح نیز چنین است. هنگامی که از مسیح پیروی می‌کنیم، وارد پیکار علیه گناه، وسوسه و شیطان می‌شویم. بهتر است با سپاه کوچک و ناآزموده وارد کارزار نشویم! باید که سختیهای نبرد را متحمل شویم، و الا شکستمان حتمی است.

۳۳ برای شاگرد مسیح بودن، تنها محاسبه بها کافی نیست؛ باید آن را نیز بپردازیم. باید آماده باشیم که شادمانه همه چیز را به خاطر مسیح از دست بدهیم: ثروت، رفاه، خانواده و حتی زندگی خود را. وگرنه، نمی‌توانیم شاگردان مسیح باشیم (متی ۱۰:۳۷؛ مرقس ۸:۳۴؛ لوقا ۱۴:۲۶-۲۷ مشاهده شود).

۳۴-۳۵ متی ۵:۱۳؛ مرقس ۹:۵۰ و تفسیر آنها مشاهده شود.

باب ۱۵

مَثَل گوسفند گمشده (۱۵:۱-۷)

(متی ۱۸:۱۲-۱۴)

۱ عیسی هر جا که می‌رفت و تعلیم می‌داد، امید و بخشایش را برای بسیاری از گمراهان و آنان که در بند گناه بودند، به ارمغان می‌آورد. او می‌گفت: «توبه کنید، تعمید بیابید و به من ایمان آورید و نجات خواهید یافت» (اعمال ۲:۳۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

بدین‌سان هر جا که می‌رفت، بسیاری از **باجگیران و گناهکاران** گرد می‌آمدند تا به سخنانش گوش فرا دهند (مرقس ۲:۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲ لیکن فریسیان و فقیهان خشمگین اعتراض می‌کردند که چرا با چنین اشخاص پست اجتماع همراه شده است (مرقس

را گرفت و آن را در دیاری دور دست، صرف **عیاشی ناهنجار** نمود. پسر با خود اندیشید: «حالا دیگر آزاد خواهم بود و هر چه دلم بخواهد، خواهم کرد. دیگر لازم نیست که از پدرم اطاعت کنم.»

در اینجا گناه بنیادین انسان را علیه خدا مشاهده می‌کنیم، گناه ناطاعتی و طغیان. انسان دوست دارد آنچه را که دلش می‌خواهد، انجام دهد؛ به همین دلیل، به خدا پشت می‌کند. وی به **ملکی بعید** می‌رود و زندگی خود را در گناه می‌گذراند.

اما برای آن پسر چه اتفاقی افتاد؟ تمام برکات و تمام ارثی که پدرش به او بخشیده بود، به هدر رفت و ضایع شد. او گمان می‌کرد که آزادی‌اش را به دست آورده است؛ لیکن در واقع آن را از دست داده بود. وی برده گناه شده بود. زندگی در کنار پدرش، در مقایسه با زندگی در کنار خوکه‌ها، آزاد و شاد به نظر می‌رسید.

۱۷ سرانجام پسر به **خود آمد**. وی پی برد که وضعیت چقدر اسفبار است و چقدر نادان بوده است. درک وضعیت بد خویش، نخستین گامی است که منتهی به توبه می‌شود.

۱۸-۱۹ پسر گناه خود را اعتراف کرد: «**به آسمان گناه کرده‌ام**». سپس تصمیم گرفت که از گناه دست بکشد و نزد پدر خود بازگردد. توبه پسر اکنون تکمیل شده بود: وی متوجه گناه خود شد، آن را اعتراف کرد و از آن دست کشید. توبه حقیقی باید شامل این سه جزء باشد.

توبه حقیقی همچنین شامل فروتنی است. پسر گفت: «**دیگر شایسته آن نیستم که پسر تو خوانده شوم؛ مرا چون یکی از مزدوران خود بگیر**» (آیه ۱۹).

توجه داشته باشید که پسر دقیقاً آنچه را که قرار بود به پدر خود بگوید آماده کرده بود. اگر ما علیه خدا یا شخص دیگری خطا کرده باشیم و بخواهیم که از آن توبه کنیم، خوب است که آنچه را که باید بگوییم، آماده سازیم. بگذارید عذر و

بها نه نیاوریم. بگذارید که گناه خود را پنهان نسازیم. بگذارید که صادقانه خطای خود را اقرار کنیم. تنها در آن صورت است که بخشایش را دریافت خواهیم کرد (مزمور ۵:۳۲؛ اول یوحنا ۹:۱ و تفسیر آن مشاهده شود). ما نمی‌توانیم بخشایش را به صورت توقع درخواست کنیم؛ بخشایش و آمرزش ناشی از فیض و رحمت آن کسی است که علیه او گناه ورزیده‌ایم.

توجه داشته باشید که پسر چنین اعتراف کرد: «**به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام**». هرگاه که به شخص دیگری گناه کنیم، به خدا نیز گناه کرده‌ایم. هر گناهی در واقع علیه خدا است.

۲۰ پدر منتظر و چشم‌به‌راه پسر گمشده‌اش بود. وی هرگز ناامید نشده بود. او هیچگاه از دوست داشتن پسر خود دست نکشیده بود، حتی هنگامی که پسرش دیگر او را دوست نداشت. **اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده، ترحم نمود.**

۲۱-۲۴ پسر حتی پیش از آنکه بتواند اعترافی را که آماده کرده بود، به پایان برساند، پدرش او را بخشید و دوباره او را به‌عنوان پسرش محبت نمود. پسر شایسته این نبود که فرزند او خوانده شود؛ اما پدر با او بر اساس استحقاق و شایستگی‌اش رفتار نکرد، بلکه بر اساس محبت و فیض خود. خدا با تمام کسانی که حقیقتاً توبه می‌کنند، اینچنین رفتار می‌نماید. درست همانگونه که چوپان با یافتن گوسفند گمشده، شادمانی کرد (آیه ۶)، پدر نیز با یافتن پسر گمشده‌اش شادی کرد، زیرا که پسرش مرده بود و اکنون دوباره زنده شده بود (افسیان ۲:۱).

از این مثل می‌توان به محبت و رحمت خدا نسبت به تمام آنانی که با دلی توبه‌کار نزد او می‌آیند، پی برد. وی ما را سرزنش و مجازات نخواهد کرد، بلکه ما را خواهد پذیرفت، گویی هرگز مرتکب گناه نشده‌ایم. او دیگر گناهان ما را به یاد نخواهد آورد (اشعیا ۱:۱۸؛ ۲۵:۴۳).

است. اگر دیگران نیز با مادر گرما و نور خورشید سهیم شوند، گرما و نور کمتری به ما نخواهد رسید. فیض خدا بی پایان است و میراثش نیز بی انتها. دلیلی برای حسد ورزیدن نداریم.

پدر همچنین برای پسر بزرگتر توضیح داد که چرا جشن گرفته است. این بدین خاطر نبود که حرمت بیشتری برای پسر کوچکتر قائل بود. این برای ابراز شادمانی از بازگشت پسر جوانتر بود.

بار دیگر به شکیبایی و ملایمت پدر نسبت به پسر بزرگترش توجه کنید. پدر سعی داشت که با استدلال او را متقاعد کند. این درسی است برای مسؤولین و خادمین کلیسا که به همان ترتیب سعی کنند که با ملایمت با افراد تحت نظارت خود استدلال کنند. متقاعد کردن با ملایمت، بهتر است از خشونت (افسیان ۴:۶، ۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

از این مثل، به تفاوت میان مسیحیت و تمامی دیگر مذاهب پی می‌بریم. مسیحیت مذهب فیض، رحمت و محبت است. ما بخشایش و آموزش خود را با کارها و شایستگی خود کسب نمی‌کنیم. خدا به رایگان و به‌طور کامل ما را می‌بخشد. تنها کاری که باید انجام دهیم، همانا توبه کردن و دریافت بخشایش مسیح از طریق ایمان است.

برادر بزرگتر معرف مکاتب و تفکرات مذهبی خاصی است، این تفکر که می‌گوید: «گناهکاران نباید رایگان بخشوده شوند. ایشان باید بخشایش را با تلاش و کوشش کسب کنند. باید بکوشند تا شایسته آن گردند.»

لیکن این تعلیم غلط است. هیچکس شایسته این نیست که چیزی را از خدا دریافت کند. هیچیک از ما نمی‌تواند بگوید که در همه چیز از خدا اطاعت کرده است. ما همگی نیاز داریم که خود را به رحمت خدا بسپاریم. هر یک از ما «پسر گمشده‌ای است» - حتی برادر بزرگتر!

۲۵-۳۰ هنگامی که برادر بزرگتر شنید که به برادر کوچکترش چه عزت و احترامی شده است، شدیداً به خشم آمد (آیه ۲۸). وی حسادت ورزید و به پدرش گفت: «**هرگز بزغاله‌ای به من ندادی... لیکن... برای او گوساله پرواری را ذبح کردی**» (آیه‌های ۲۹-۳۰).

پسر بزرگتر شبیه به فریسیان بود. فریسیان نسبت به عیسی خشمگین بودند به این دلیل که گناهکاران را به گرمی می‌پذیرفت؛ به این دلیل که عیسی می‌گفت که گناهکارانی که توبه کنند، در ضیافت آسمانی سهم خواهند داشت. یهودیان خود را وارثین برحق ضیافت خدا تلقی می‌کردند؛ پس چرا این گناهکاران، این غیریهودیان می‌بایست در میراث ایشان سهیم شوند.

پسر بزرگتر همچون فریسیان خود را عادل می‌شمرد: «**اینک سالهاست که... هرگز از حکم تو تجاوز نورزیده‌ام**». اما اینک از بخشیدن و محبت نمودن به برادرش امتناع می‌ورزید. وی نسبت به پدرش خشمگین بود. دل او سرد بود. اکنون او بود که گناهکار بوده، از خدا دور شده بود.

از این نکته باید دریابیم که حسد، در نظر خدا گناه بزرگی است (رومیان ۱۳:۱۳؛ اول قرن‌تینان ۳:۳؛ دوم قرن‌تینان ۱۲:۲۰؛ غلاطیان ۵:۲۱؛ یعقوب ۳:۱۴-۱۶). کسی که به برادرش حسد ورزد، از سعادت و کامیابی او خوشحال نمی‌شود. کسی که حسد می‌ورزد، برادرش را دوست نمی‌دارد. محبت حسد نمی‌ورزد (اول قرن‌تینان ۴:۱۳). بدین سان هنگامی که به برادر خود حسد می‌ورزیم، در حقش گناه می‌کنیم.

۳۱-۳۲ پدر پسر بزرگتر خود را نیز دوست می‌داشت. به همین دلیل، به او یادآور شد و گفت: «**آنچه از آن من است، مال توست**». پسر بزرگتر در اثر بازگشت برادرش چیزی را از دست نداده بود. محبت پدر برای هر دو پسر بسیار زیاد بود. محبت خدا برای هر کس عظیم

باب ۱۶ حکایت ناظر (مباشر) زیرک (۹:۱۶-۱)

۷-۱ عیسی در این مَثَل، ماجرای ناظر خائنی را تعریف می‌کند که شغل خود را از دست می‌داد. اربابش تصمیم داشت او را از شغلهش برکنار سازد چرا که شنیده بود اموالش را حیف و میل می‌کند (آیه ۲).

اما ناظر پیش از آنکه اخراج شود، کار عاقلانه‌ای انجام داد. وی بدهکاران آقای خود را فرا خواند و بدهی ایشان را سبک کرد. او با خود چنین اندیشید: «اگر این لطف را در حقشان انجام دهم، هنگامی که شغل خود را از دست بدهم، ایشان مرا یاری خواهند رساند.» ناظر بدین طریق آقای خود را فریب داد تا نفعی عاید خود او شود.

۸ آقا ناظر خائنی را آفرین گفت زیرا که عاقلانه عمل کرد. ارباب او را به خاطر خیانتش آفرین نگفت، بلکه به خاطر زیرکی‌اش.

درسی که از این مثل می‌توان فرا گرفت، از این قرار است: انسانها باید عاقلانه و زیرکانه عمل کنند - اما نه خائنانه. پسران نور، یعنی مسیحیان غالباً در روابط خود با دیگران عاقل و زیرک نیستند. در ایجاد رابطه دوستی با دیگران غفلت می‌کنند؛ گاهی نیز بی‌جهت مردم را می‌رنجانند. ایشان برای آینده خود تدارک مناسبی نمی‌بینند و به راحتی دچار خطا می‌شوند. مسیح می‌گوید که باید «زیرک» بود. او فرمود که باید مثل مارها هشیار باشیم و از طرفی چون کبوتران ساده و بی‌گناه (متی ۱۰:۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

درس دیگر این مثل می‌تواند این باشد که مسیحیان باید در کسب سود روحانی همانقدر عاقل و زیرک باشند که مردم دنیوی در کسب سود دنیوی هستند.

۹ سپس عیسی مفهوم دیگر مثل را بازگو کرد. تا زمانی که در جهان هستیم، باید از

موقعیت و ثروت خود برای کسب رفاقت خدا استفاده کنیم. ناظر خائنی از موقعیت خود برای کسب دوستانی استفاده کرد. ما باید در کسب رفاقت خدا «زیرک» باشیم. زیرا که به‌زودی موقعیت و ثروت خود را در این جهان از دست خواهیم داد. بنابراین نیازمند دوستانی در آسمان هستیم (خدا و فرشتگانش) تا در خیمه‌های جاودانی بپذیرند.

برخی از صاحب‌نظران کتاب مقدس بر این عقیده‌اند که منظور عیسی این نکته نیز بود که باید ثروت خود را در این جهان با فقرا تقسیم کنیم. سپس هنگامی که فقرایی که در ثروت ما سهیم شده‌اند به آسمان بروند، در آنجا دوستان ما خواهند بود و در حضور خدا به نفع ما شهادت خواهند داد. این نیز می‌تواند معنی این مثل ۳۱ باشد.

کاربرد درست ثروت (۱۶:۱۰-۱۸)

(متی ۲۴:۶؛ ۹:۱۹؛ مرقس ۱۱:۱۰-۱۲)

۱۰ در این آیات، عیسی اصولی را در زمینه کاربرد ثروت دنیوی تعلیم می‌دهد.

تمام ثروت‌های این جهان به خدا تعلق دارد؛ انسانها فقط مباشران آن می‌باشند. شیوه استفاده فرد از ثروتی اندک، نشان‌دهنده نحوه استفاده او از ثروت و مال و منال زیاد می‌باشد. کسی که از دارایی اندک خود، به دیگران کمک می‌کند و گشاده‌دست است، در صورت یافتن ثروتی هنگفت همان سخاوت و بزرگواری را در بُعدی گسترده‌تر نشان خواهد داد. کسی که در مسائل کوچک امین و وفادار باشد، بر کارهای بزرگ گمارده خواهد شد (متی ۲۵:۲۱).

۱۱ خدا ناظر بر افکار و اعمال ما است. اگر مواهب و ثروت‌های دنیوی خود را عاقلانه و با درستکاری به کار ببریم، او به ما موهبت‌ها و

۳۱- مثل‌های عیسی گاهی اوقات می‌توانند بیش از

یک معنی حقیقی داشته باشند.

آنگونه که واقعاً هست، می‌بیند. در عین حال آنچه که انسانها تحقیر می‌کنند، غالباً مورد تأیید خدا است (اول قرنتیان ۱: ۲۶-۲۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۶ هنگامی که یحیی تعمیددهنده آمد، عهد عتیق (یا میثاق قدیمی) میان خدا و اسرائیل پایان پذیرفت و عهد جدید (یا میثاق جدید) آغاز گردید (عبرانیان ۷: ۸-۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود). تا ایام یحیی، تنها **تورات و کتب انبیا** یعنی عهدعتیق اعطا شده بود. لیکن بعد از یحیی، تعلیم جدیدی اعلام شد، یعنی **خبر خوش ملکوت و حکومت خدا** که انجیل مسیح است. مسیح اعلام می‌کرد که انسان به واسطه پیروی از شریعت نجات نمی‌یابد، بلکه فقط توسط فیض خدا از راه ایمان نجات می‌یابد (افسیان ۸: ۲-۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

وقتی یهودیان عادی و افراد دیگری نظیر گناهکاران و باجگیران می‌شنیدند که خدا انسان را فقط از روی لطف و فیض بی‌کرانش بدون قید و شرط می‌پذیرد و گناهانش را می‌بخشاید، دسته‌دسته به سوی او می‌شتافتند. ایشان خواهان آمرزش و زندگی نوین بودند و اشتیاق داشتند که داخل ملکوت خدا شوند. ایشان به نوعی برای **ورود به آن جد و جهد می‌کردند** (متی ۱۲: ۱۱-۱۳). اما فریسیان از این بابت خوشنود نبودند.

۱۷ بنابراین فریسیان و دیگر رهبران یهود شروع کردند به متهم کردن عیسی و شاگردانش به نقض کردن شریعت قدیمی یهود (مرقس ۲: ۲۳-۲۴؛ ۳: ۱-۵؛ ۷: ۵). ایشان می‌گفتند «پیروان عیسی از هیچ قاعده و قانونی پیروی نمی‌کنند.» لیکن عیسی آن را تکذیب می‌کرد. وی شریعت اخلاقی عهدعتیق را نه رد کرد و نه باطل نمود (متی ۵: ۱۷-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۸ مرقس ۱۱: ۱۰-۱۲ و تفسیر آن مشاهده

ثروت‌های روحانی را نیز ارزانی خواهد داشت. اگر از امکانات خود در این جهان به‌اشتباه استفاده کنیم، چیزی در حیات بعدی دریافت نخواهیم کرد (مرقس ۸: ۳۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۲ اگر در استفاده از دارایی اربابمان که باید به او حساب پس بدهیم درستکار نباشیم، در خصوص دارایی خودمان نیز مورد اعتماد نخواهیم بود؛ دارایی خودمان یعنی میراث روحانی‌مان در آسمان که برای تمامی کسانی که به خدا ایمان دارند اندوخته شده است. اگر کسی بطرزی غیرمسئولانه اموال دیگری را به کار ببرد، در مورد اموال خود نیز غیرمسئول خواهد بود. بنابراین خدا ارث آن شخص را باز پس خواهد گرفت.

۱۳ متی ۶: ۲۴ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۴ فریسیان تعالیم عیسی را در مورد پول نمی‌پسندیدند زیرا که ثروت‌اندوزی را بسیار دوست می‌داشتند. فریسیان ثروتمند بودند و ثروت دنیوی خود را پاداش یهودی بودنشان می‌دانستند. عیسی فقیر بود و فریسیان او را **استهزا** می‌کردند. در نظر فریسیان، فقر عیسی نشانه این بود که وی یهودی دیندار و خوبی نیست.

۱۵ اما عیسی اندیشه ایشان را درک کرد و آنان را سرزنش نمود. ایشان سعی داشتند که خود را در نظر انسانها **عادل** نشان دهند، یعنی مذهبی و باتقوا جلوه کنند؛ اما دل ایشان پر از طمع و پول‌پرستی بود. مردم فریسیان را به‌خاطر ثروت و تقوای ظاهری‌شان محترم می‌شمردند، اما خدا از آنچه که انسانها محترم می‌شمارند، نفرت دارد. خدا به دل می‌نگرد؛ او ریایی را که در دل فریسیان می‌دید، دوست نداشت (اول سموئیل ۷: ۱۶).

مهم شمردن نظرات انسانها اشتباه بزرگی است. آنچه که انسانها برایش ارزش بسیار قائلند، غالباً مورد نفرت خدا است چرا که او امور را

شود.

خواسته‌های نفسانی خود زیسته بود. این بود خطای او.

مرد ثروتمند از ابراهیم تقاضای رحمت کرد. وی بر روی زمین رحمتی نشان نداده بود ولی اکنون رحمت را می‌طلبید. وی ابراهیم را پدر خود خواند زیرا که ابراهیم پدر تمامی یهودیان است. تنها تقاضای او این بود که زبانش با قطره‌ای آب^{۳۳} خنک شود.

۲۵-۲۶ برای مرد ثروتمند هیچ آسودگی وجود نداشت. میان بهشت و جهنم **ورطه عظیمی است**. هیچکس نمی‌تواند از یک سو به سوی دیگر برود. داوری خدا نهایی است. اگر انسانی در این جهان به خدا و به هم‌منوعش محبت نکند، خدا نیز در عالم آینده محبتی به او نخواهد کرد و برای تمامی ابدیت به جهنم فرستاده خواهد شد. داوری خدا غیرقابل بازگشت است. مرد ثروتمند راحتی خود را بر روی زمین دریافت کرده بود و اکنون دیگر نصیبی از آسودگی نمی‌برد (لوقا ۶:۲۴).

بنابراین، ای دوستان، تا زمانی که پیش از مرگتان فرصت هست با خدا مصالحه کنید. از گناهانتان توبه کرده، به سوی عیسی باز گردید. زیرا که بعد از مرگ دیگر هرگز فرصتی نخواهید داشت.

امروز توبه کنید. منتظر فردا نشوید. زیرا که

۳۲- برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس بجای کلمه

جهنم، کلمه (Hades) را بکار برده‌اند. (Hades) محلی است که روح مردگان نجات نیافته تا روز داوری به آنجا می‌رود.

۳۳- باید به‌خاطر داشته باشیم که این فقط یک مثل

است. بنابراین حاوی تعلیمی کامل در مورد حیات بعد از مرگ نمی‌باشد. بعنوان مثال، روح جسم، انگشت و زبان ندارد. تنها بعد از رستاخیز عمومی مردگان در انتهای عالم، مردگان بدن جدید خواهند یافت. تقاضای مرد ثروتمند مبنی بر خنک شدن زبانش، بطور مجازی اشاره به غذایی می‌کند که دچارش شده بود.

مرد ثروتمند و ایلعازر فقیر (۱۶:۱۹-۳۱)

۱۹-۲۱ در اینجا عیسی هولناک‌ترین هشدار خود را به رهبران ثروتمند یهود می‌دهد. و این هشدار برای تمام کسانی است که در رفاه زیسته، فقرای پشت درشان را فراموش می‌کنند. عیسی ماجرای دو مرد را بازگو می‌کند، یک یهودی ثروتمند و یک گدا. یکی در خوشبختی و کامرانی زندگی می‌کرد و دیگری در فلاکت. یکی مورد تمجید انسانها بود و دیگری مورد تحقیر. تنها سگها به ایلعازر فقیر توجه داشتند. مرد ثروتمند می‌پنداشت که فردی مذهبی و یهودی خوبی است. عیسی نمی‌گوید که وی مردی شریر یا پلید بود. وی در نظر مردم دنیا مرد خوبی بود. شاید هم یک فریسی یا یک رهبر مذهبی بود. بهر حال مورد احترام همگان بود.

۲۲-۲۴ با اینحال آنچه در نظر انسان محترم است، در نظر خدا پست و ناپسند است (آیه ۱۵). خدا با اشخاص متکبر مخالفت می‌کند، اما فروتنان را سرفراز می‌گرداند (اول پطرس ۵:۵). بنابراین، هنگامی که ایلعازر درگذشت، فرشتگان روح او را به آسمان، **به آغوش ابراهیم** بردند. لیکن مرد ثروتمند، وقتی مُرد، به **جهنم**^{۳۲} افکنده شد.

مرد ثروتمند به‌خاطر اینکه ثروتمند بود، به جهنم افکنده نشد، بلکه به‌خاطر عشقی که به ثروت داشت (اول تیموتاؤس ۶:۱۰). وی از ثروتش برای کمک به فقرا استفاده نکرد؛ او دلی بی‌رحم داشت (متی ۴۱:۲۵-۴۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

هنگامی که مرد ثروتمند به جهنم رسید، ناگهان ذهنش باز شد. در آن لحظه متوجه شد که چه خطای وحشتناکی مرتکب شده است. وی به‌جای اینکه برای خدا زندگی کند، برای ارضای

ممکن است همین امشب زندگی تان به پایان برسد (لوقا ۱۲:۲۰ مشاهده شود). در اینصورت تا ابد در جهنم خواهید بود.

به این بیندیشید که ابدیت چقدر طولانی است. انسان برای یکسال، پنج سال، بیست سال به زندان می‌افتد و آن را زمانی بسیار طولانی می‌یابد. لیکن ابدیت در جهنم شبیه به آن نیست. زمان آن هرگز پایان نمی‌پذیرد.

اما کسی نمی‌تواند بگوید: «من که ثروتمند نیستم؛ بنابراین این مثل مربوط به من نمی‌شود.» این مثل مربوط به هر کسی می‌شود - چه ثروتمند و چه فقیر - که برای خود مال و منال می‌اندوزد و به همنوع خود کمک نمی‌کند و برای خدا دولت‌مند نیست (لوقا ۱۲:۲۱). بنابراین، بگذارید که هر کس از خود چنین سؤال کند: «به دنبال چه هستیم؟ چه نوع گنجی اندوخته‌ام - گنجی روحانی یا گنجی دنیوی؟ آیا خدا را خدمت کرده‌ام یا اموالم را؟ ارباب من کیست - خدا یا پول؟» اشخاص فقیر و کم درآمد نیز ممکن است بسیار حریص، طماع و پول‌پرست باشند. برای آنان نیز ممکن است پول «خدا» باشد. پول دوستی امری است قلبی؛ فرقی نمی‌کند که شخص عملاً ثروتمند باشد یا ندارد. این مثل برای همگان است.

۲۷-۲۸ هنگامی که مرد ثروتمند مطمئن شد که راه گریزی نیست، به فکر پنج برادرش افتاد که هنوز زنده بودند. وی از ابراهیم خواست که به ایلعازر اجازه دهد که رفته، به آنان هشدار دهد. گفت: «به ایشان بگو که در چه عذابی هستیم. به ایشان بگو که جهنم چه نوع جایی است، تا ایشان توبه کرده، به این مکان و حشتناک نیایند.»

۲۹ ابراهیم پاسخ داد: «ایشان نیازی به هیچ هشدار جدیدی ندارند. چرا که موسی و انبیا^{۳۴} را دارند. کافی است که آن را بخوانند و به‌جا آورند. اگر به عهدعتیق ایمان نداشته باشند، به ایلعازر هم ایمان نخواهند آورد» (یوحنا ۵:۴۶-۴۷).

مشاهده شود).

۳۰ اما مرد ثروتمند گفت: «اگر کسی از بین مردگان نزد ایشان برود، ایمان آورده، توبه خواهند کرد.»

۳۱ لیکن ابراهیم گفت: «اگر از قبل ایمان نداشته‌اند، حتی اگر کسی از مردگان نیز برخیزد ایمان نخواهند آورد.» و این امر حقیقت دارد. حتی هنگامی که عیسی از مردگان برخاست، اکثر یهودیان از ایمان آوردن امتناع ورزیدند. ایشان گفتند که جسد وی دزدیده شده است.

مثل مذکور این تعلیم را در بر ندارد که تمامی ثروتمندان به جهنم و تمامی فقرا به آسمان خواهند رفت. برخی از ثروتمندان به آسمان می‌روند و برخی از فقرا نیز به جهنم. تنها یک کلید آسمان برای ثروتمند و فقیر وجود دارد و آن کلید ایمان است. اگر مرد ثروتمند توبه کرده، ایمان آورده بود، نسبت به مرد فقیر رحمت نشان می‌داد و ثروت خود را صرف کمک به همسایه‌اش می‌کرد؛ در آن صورت به آسمان می‌رفت.

به‌همان شکل، ایلعازر فقیر نیز ممکن بود به آسمان نرود. ممکن بود که در این دنیا از خدا خشمگین می‌بود و او را مسبب بدبختیهای خود می‌دانست. ممکن بود که از ایمان آوردن امتناع می‌ورزید؛ در این صورت به جهنم می‌رفت.

بنابراین، چه برای ثروتمند و چه برای فقیر، تنها یک راه وجود دارد که منتهی به آسمان می‌شود، و آن طریقی است **تنگنا** که تنها عده کمی آن را می‌یابند (متی ۱۴:۷). و آن طریق، طریق توبه و ایمان به مسیح است.

۳۴- در اینجا کلمه «موسی» به پنج کتاب اول تورات اشاره می‌کند که توسط موسی نوشته شده است. بنابراین اصطلاح موسی و انبیا به معنی کل عهدعتیق است. عهدعتیق گاهی اوقات «شریعت و انبیا» نیز خوانده شده است (آیه ۱۶).

باب ۱۷

گناه، ایمان، وظیفه (۱۷:۱-۱۰)

(متی ۲۰:۱۷؛ ۶:۱۸-۷، ۱۵، ۲۱-۲۲؛ مرقس ۹:۴۲)

۲-۱ مرقس ۹:۴۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴-۳ متی ۱۵:۱۸، ۲۱-۲۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

۶-۵ متی ۱۷:۲۰؛ مرقس ۹:۲۴-۲۹ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱-۷ در اینجا عیسی در مورد رابطه میان ارباب و خادم تعلیم می‌دهد. ارباب خادمش را می‌فرستد تا زمین را شخم بزند و گله را بچراند. در پایان روز هنگامی که خادم باز می‌گردد، باید غذای اربابش را تهیه کند. ارباب به غلام خدمت نمی‌کند؛ حتی اگر تمام روز کار کرده و خسته شده باشد، باید همچنان به اربابش خدمت کند.

۹ ارباب وظیفه ندارد که از خادم «تشکر» کند. ارباب هیچ دینی به غلام ندارد، زیرا که وی فقط وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. غلام مجبور است که دائماً به اربابش خدمت کند، لذا مستحق تشکر یا سپاسگزاری خاصی نیست. ارباب هیچگاه از غلام به خاطر اطاعت از حکمش تشکر نمی‌کند.

۱۰ به همان طریق ما نیز غلامان مسیح هستیم. ما جزو مایملک خدا، و برده او هستیم (رومیان ۱:۱ و تفسیر آن مشاهده شود). در روزگار عیسی، برده‌ها هیچ حق و حقوقی نداشتند. ارباب او را می‌خرید و می‌بایست هر کاری را که حکم می‌کرد، به‌جا آورد. ما نیز توسط مسیح خریداری شده‌ایم. وی ما را با خون خود خریده است (اول قرنتیان ۶:۲۰؛ اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ و تفسیر آنها مشاهده شود). بنابراین، تمام روز و با تمام وجودمان باید هر آنچه را که مسیح می‌گوید، انجام دهیم. و هنگامی که هر چه را که به ما گفته، انجام دادیم، آنگاه باید بگوییم: «غلامان بی‌منفعت هستیم، زیرا»

که آنچه بر ما واجب بود، به‌جا آوردیم.»

چه تعلیم عمیقی! حتی اگر در همه چیز از مسیح اطاعت کنیم، باز هم **ناشایسته** هستیم. هیچ کاری نیست که بتوانیم انجام دهیم تا در نظر خدا «شایسته» گردیم. ما هرگز نمی‌توانیم شایسته قدردانی خدا باشیم و هرگز نمی‌توانیم شایسته دریافت فیض خدا یعنی نجات او باشیم - حتی اگر هر چه را که خدا فرموده است، انجام دهیم. اگر خدا برکات و مواهب خود را نصیب ما می‌سازد، هرگز بدین خاطر نیست که شایسته آن هستیم، بلکه تنها به خاطر رحمت و فیض اوست.

یک سؤال دیگر باقی می‌ماند: آیا کسی در بین ما هست که هر چه را که خدا گفته است، انجام داده باشد؟ نه، هیچکس! بنابراین، حتی اگر شخص بعد از انجام هر چیزی که به آن **مأمور شده**، همچنان **بی‌منفعت** خوانده می‌شود، ما که همه کارها را نکرده‌ایم، کمتر از نالایق هستیم. خدا بر ما رحم کند!

شفای ده جذامی (۱۷:۱۱-۱۹)

۱۱ عیسی بر سر راه اورشلیم (لوقا ۹:۵۱؛ ۱۳:۲۲)، از جلیل و سامره عبور می‌کرد. در سامره مقدم او را گرامی نداشتند (لوقا ۹:۵۲). لذا به اطراف سامره^{۳۵} رفت.

۱۲-۱۳ بر سر راه، عیسی به ده جذامی برخورد که بر طبق شریعت یهود، **دور ایستادند**. جذامی نمی‌توانست به مردم نزدیک شود و می‌بایست هر بار که کسی به او نزدیک^{۳۶} می‌شد، فریاد بزند «**نجس! نجس!**» (لاویان

۳۵- برای این کار، عیسی می‌بایست به‌طرف پایین از سمت شرقی رود اردن بگذرد، زیرا که سامره بر روی جاده مستقیم بین جلیل و اورشلیم قرار داشت. در شهر اریحا، وی به سمت غربی رود اردن گذشت (لوقا ۱۹:۱).
۳۶- جذام مرضی است مسری. در دوران عیسی، جذام برخلاف امروز، درمانی نداشت.

بنابراین، ایشان با این تصور که عیسی فقط یک نبی است، از او سؤال کردند که ملکوت خدا چه هنگام خواهد آمد.

عیسی در پاسخ فرمود: «**ملکوت خدا با مراقبت نمی آید.**» مردم دوست دارند به یکدیگر بگویند: «نگاه کن! ملکوت آنجا است.» لیکن ملکوت خدا چیزی روحانی است، نه دنیوی. ملکوت خدا در واقع حاکمیت خدا در دل انسانها است (متی ۱۹:۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود).

نه تنها این، بلکه ملکوت خدا از قبل آمده است. عیسی ملکوت را با خود آورده بود. هنگامی که انسانها مسیح را می پذیرند، داخل ملکوت خدا می شوند و ملکوت خدا نیز وارد دل ایشان می شود. عیسی فرمود: «**ملکوت خدا در میان شما است**»^{۳۷}

فریسیان می خواستند بدانند که چه هنگام ملکوت خدا خواهد آمد. لیکن اگر چشمان روحانی ایشان گشوده بود، پی می بردند که هم اینک آمده است.

۲۲ در آیه های ۲۵-۲۱ عیسی در مورد آمدن ملکوت خدا - یعنی در مورد نخستین آمدن خود صحبت می کرد. اکنون در آیه ۲۲، عیسی به شاگردان خود در مورد آمدن دوم خود

۱۳:۴۵-۴۶). این ده مرد در مورد عیسی مطالبی شنیده بودند، لذا تقاضای ترحم کردند.

۱۴ عیسی ایشان را از راه دور شفا داد و فقط گفت: «**بروید و خود را به کاهن بنمایید**» (مرقس ۱:۴۴ و تفسیر آن مشاهده شود). و هنگامی که عازم شدند تا خود را به کاهنان نشان دهند، شفا یافتند. ایمان ایشان عظیم بود زیرا حتی پیش از آنکه شفای خود را ببینند، از حکم مسیح اطاعت کردند. ایشان سهم خود را یعنی اطاعت را به جا آوردند و عیسی نیز سهم خود را بجا آورد.

۱۵-۱۸ نه نفر از ده جذامی یهودی بودند و برای تشکر از عیسی برگشتند. تنها یک سامری غریب بود که از عیسی سپاسگزاری نمود.

۱۹ عیسی به سامری گفت: «**ایمانت تورا نجات داده است**» (مرقس ۵:۳۴ و تفسیر آن مشاهده شود). منظور عیسی این نبود که فقط جسمش شفا یافته؛ آن مرد روحش نیز شفا یافته بود. وی نجات را دریافت داشته بود.

نه جذامی دیگر تنها شفای جسم را دریافت کردند. اگر نزد خدا نیاییم و او را به خاطر برکاتی که در این جهان دریافت کرده ایم تمجید نماییم، در جهان آینده، برکتی دریافت نخواهیم داشت.

آمدن ملکوت خدا (۱۷:۲۰-۳۷)

(متی ۲۵:۱۶؛ ۲۴:۱۷-۱۸، ۲۶-۲۸،

۳۷-۴۱؛ مرقس ۸:۳۵؛ ۱۳:۱۵-۱۶، ۲۱،

(۲۳)

۲۰-۲۱ رؤسای یهود همواره در صدد دانستن این بودند که ملکوت خدا چه هنگام خواهد آمد. ایشان انتظار داشتند که مسیح موعود همانند پادشاهی قدرتمند بیاید و بر رومیان چیره شود و حکومت اسرائیل را از نو مستقر سازد. البته فرض ایشان این بود که خودشان نیز در رأس امور این حکومت جدید خواهند بود.

۳۷- در زبان یونانی که زبان مورد استفاده لوقا بود، واژه «در میان» در این آیه، می تواند به معنی «در درون» نیز باشد. هر دو معنی صحیح می باشند. ملکوت خدا «در میان ما است» زیرا که عیسی به واسطه روحش در بین ما می باشد. همچنین ملکوت خدا در «درون» ما است زیرا که روح عیسی در درون ما می باشد. منظور عیسی این نبود که ملکوت خدا در «درون» فریسیان بی ایمان است. وی به طریقی عام گفت که ملکوت خدا در درون هر کسی است که ایمان دارد. با اینحال، حقیقت داشت که ملکوت خدا «در میان» فریسیان بود، زیرا که عیسی در آن زمان در بین ایشان حضور داشت.

۳۲ زن لوط را به خاطر آورید! زن لوط ابتدا، پیش از نابودی سدوم از آن گریخت. لیکن او به عقب نگرست. وی نمی‌خواست که شهر پلید را ترک کند و نمی‌خواست که از آن دست بکشد. دل او با شهر بود و نه با خدا. به همین دلیل، تبدیل به **ستونی از نمک** گردید (پیدایش ۱۹:۱۶-۱۷، ۲۶).

زن لوط را به خاطر آورید! بگذارید ما که از «سدوم» نجات یافته‌ایم، مراقب باشیم که به زندگی گذشته خود باز نگردیم. زیرا که در اینصورت، ما نیز همانند زن لوط، از لحاظ روحانی تبدیل به «ستونهایی از نمک» خواهیم شد.

۳۳ مرقس ۸:۳۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

۳۴-۳۶ متی ۲۴:۴۰-۴۱ و تفسیر آن^{۳۹} مشاهده شود.

۳۷ متی ۲۴:۲۸؛ مرقس ۱۳:۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۱۸

مثل بیوه زن مُصِر (۱۸:۱-۸)

۵-۱ در اینجا عیسی مثلی در مورد بیوه‌زنی می‌آورد که به یک قاضی ظالم مراجعه می‌کند. **داور نه ترس از خدا و نه باکی از انسان می‌داشت** (آیه ۲). وی داوری شریر بود که عدالت و رحمت را در مورد انسانها جاری نمی‌ساخت. وی منتظر شد تا بیوه‌زن به وی رشوه دهد، اما او بسیار فقیر بود. تنها وسیله او برای حصول دادرسی، سماجت بود. سرانجام تنها در اثر پافشاری، قاضی را وادار به دادرسی نمود.

۳۸- عیسی معمولاً از خود به‌عنوان پسر انسان یاد می‌کند (مرقس ۲:۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۹- بعضی از نسخه‌های دستنویس قدیمی لوقا حاوی آیه ۳۶ نمی‌باشند. این آیه در متی ۴۰:۲۴ یافت می‌شود.

سخن می‌راند یعنی **ایام پسر انسان**^{۳۸} که در انقضای عالم به وقوع خواهد پیوست.

عیسی فرمود: **«ایامی می‌آید که آرزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسر انسان را ببینید.»** منظور عیسی از این قرار بود: بعد از مرگ و صعود عیسی به آسمان، شاگردان عذاب سختی را متحمل خواهند شد. به‌راستی هم اکثر شاگردان کشته شدند. در آن روزهای تاریک، آرزو خواهند کرد که ببینند که عیسی در قوت و جلال بار دیگر می‌آید (مرقس ۱۳:۲۶). عیسی فرمود: **«اما نخواهید دید.»** یعنی پیش از مرگ شما نخواهم آمد.

۲۳-۲۴ متی ۲۴:۲۶-۲۷؛ مرقس ۱۳:۲۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۵ در اینجا عیسی بار دیگر به شاگردان خود می‌گوید که پیش از آنکه بتواند در جلال خود بازگردد، باید رنج بکشد و کشته شود (مرقس ۳۱:۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲۶-۲۷ اینجا عیسی توضیح می‌دهد که وی یعنی **پسر انسان** چگونه خواهد آمد. او به‌طرزی غیرمنتظره و به‌عنوان داور خواهد آمد. درست همانگونه که در دوره نوح، انسانها در اثر طوفان نابود شدند، به‌هنگام بازگشت مسیح نیز، مردمان شریر محکوم شده، نابود خواهند گردید (متی ۲۴:۳۷-۳۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲۸-۲۹ آمدن پسر انسان نیز شبیه به آتش و گوگردی خواهد بود که به‌ناگاه از آسمان بارید و شهر شریر سدوم را در روزگار لوط، برادرزاده ابراهیم، نابود ساخت. مردم در انتظار داوری خدا نبودند. ایشان می‌خوردند و می‌نوشیدند و خوشگذرانی می‌کردند. لیکن بلافاصله بعد از آنکه خدا لوط و دخترانش را از شهر خارج ساخت، شهر و مردم آن را نابود ساخت (پیدایش ۱۹:۱-۲۹؛ متی ۱۱:۲۳-۲۴ مشاهده شود).

۳۰-۳۱ مرقس ۱۳:۱۵-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

چرا خدا می‌خواهد که ما مُصر باشیم؟ پاسخ این است که ما باید ایمان خود را نشان دهیم. به‌خصوص باید به‌هنگام زحمات و سختیها در دعا مصر باشیم. یعنی هنگامی که ایمان ما در معرض آزمایش قرار می‌گیرد. عیسی گفت: «هر که تا به آخر صبر کند، همان نجات یابد» (مرقس ۱۳:۱۳). ما باید با ایمان به خدا استغاثه کنیم و هرگز شک نکنیم که در آخر به داد ما خواهد رسید. ممکن است که وی در این دنیا به داد ما نرسد، لیکن در جهان بعدی یقیناً به داد ما خواهد رسید.

لیکن این تعلیم تنها برای ایام زحمت نمی‌باشد. ما باید در مواقع دیگر نیز در دعا مصر باشیم. آیا دوست یا خویشاوندی داریم که باید برایش دعا کنیم؟ پاسخی مشاهده نمی‌کنید؟ به دعا ادامه دهید.

آیا به‌خاطر نوعی گناه یا عادت بدی در زندگی‌تان رنج می‌برید و نمی‌توانید بر آن چیره شوید؟ همچنان دعا کنید و دست نکشید. و خدا، در آخر، در زمان موعود به دعای شما پاسخ خواهد داد.

با اینحال، چون پسر انسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت (آیه ۸)؟ آیا انسانها را در دعا پایدار خواهد یافت، حتی اگر مورد ظلم و ستم واقع شده، کشته شوند؟ در روزهای آخر پیش از آنکه مسیح بازگردد، زحمت و اضطراب بر تمامی انسانها نازل خواهد شد. در آن زمان بسیاری لغزش خواهند خورد (متی ۱۰:۲۴). آیا مسیح عده‌ای را خواهد یافت که ایمان خود را حفظ کرده باشند؟

فریسی و باجگیر (۱۸:۹-۱۴)

۹ سپس عیسی مثلی آورد برای بعضی که بر خود اعتماد می‌داشتند که عادل بودند و دیگران

۴۰- برگزیدگان، کسانی هستند که از سوی خدا

برگزیده شده‌اند، یعنی ایمانداران به مسیح.

عیسی این مثل را آورد تا ما را تشویق کند که مانند بیوه‌زن، پشتکار داشته باشیم و در دعا دست از اصرار نکشیم و مایوس نگردیم (آیه ۱).

۱-۶ سپس عیسی داور بی‌انصاف را با خدا مقایسه کرد. اگر یک داور شریر و بی‌انصاف به داد یک بیوه‌زن برسد، چقدر بیشتر خدای رحیم و عادل به داد برگزیدگان^{۴۰} خود خواهد رسید، کسانی که داد خود را از خدا می‌طلبند. در این مورد شک به خود راه ندهیم. **به‌زودی دادرسی ایشان را خواهد کرد.**

از این مثل، به دو نکته عمده پی می‌بریم. اولاً خدا نیز مانند داور بی‌انصاف، ممکن است همیشه به تقاضای ما فوراً پاسخ ندهد. وی می‌خواهد که هر یک از ما نوعی بی‌عدالتی و ظلم را تجربه کنیم تا ایمان ما آزموده شود (رومیان ۵:۳-۴؛ یعقوب ۱:۲-۴؛ اول پطرس ۱:۶-۷ و تفسیر آنها مشاهده شود). وی همچنین می‌خواهد که در این دنیا در رنج مسیح شریک گردیم تا در جهان بعدی در جلال او نیز سهیم باشیم (رومیان ۸:۱۷؛ اول پطرس ۴:۱۲-۱۳ و تفسیر آنها مشاهده شود). بنابراین، باید درک کنیم که اگر خدا اجازه دهد که برای مدتی رنج ببریم، این برای خیریت ما است (رومیان ۸:۲۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

بنابراین چرا عیسی می‌گوید که خدا به‌زودی دادرسی ایشان را خواهد کرد؟ زمان خدا با زمان ما یکسان نیست (دوم پطرس ۳:۸). در اینجا واژه **به‌زودی** به معنای «در زمان موعود» است. خدا بی‌علت امری را به تعویق نمی‌اندازد.

دومین چیزی که می‌توان از این مثل آموخت این است که باید در دعا مُصر باشیم. خدا می‌خواهد که ما دعا کردن را ادامه دهیم، حتی اگر پاسخ آن فوری فرا نرسد. وی می‌خواهد که ما **پافشاری** کنیم (لوقا ۱۱:۵-۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

هستند که در هیكلها و کلیساها امروزه مشغول عبادت می‌باشند، اما ایشان را در ملکوت آسمان نخواهیم دید!

۱۳ لیکن حالت مرد دوم که **باجگیر** بود، کاملاً تفاوت داشت (مرقس ۱۴:۲ و تفسیر آن مشاهده شود). وی می‌دانست که گناهکار است و می‌دانست که به خاطر گناهانش فقط مستحق مجازات خدا می‌باشد. وی **در روح مسکین** بود؛ و به خاطر گناهانش **ماتم** گرفته بود (متی ۳:۵-۴ و تفسیر آن مشاهده شود). تنها چیزی که از خدا می‌طلبید، رحمت بود.

۱۴ **باجگیر، عادل کرده شده** به خانه خود رفت. اما فریسی در نظر خدا عادل شمرده نشد. **باجگیر** آرمزیده شد و از گناهش آزاد گردید و خدا او را پذیرفت. از سوی دیگر، فریسی به خاطر تکبر و بی‌مهری‌اش، در حضور خدا محکوم شد.

از این **مَثَلِ** مهم می‌آموزیم که برای مقبول شدن نزد خدا و عادل شمرده شدن، باید خود را فروتن سازیم، از گناهانمان توبه نماییم و رحمت خدا را تقاضا کنیم. داود نوشت: «**خدا! با دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد**» (مزور ۵۱:۱۷). فقط زمانی خداوند ما آمده، ما را تسلی خواهد داد و برهنگی ما را با جامه عدالت مسیح خواهد پوشاند که خود را در حضور خدا فروتن سازیم.

لیکن کسانی که خود را مانند این فریسی بزرگ می‌شمارند، خدا ایشان را پست خواهد ساخت. چنین افرادی در ملکوت خدا پذیرفته نخواهند شد. **هر که خود را بلند کند، پست گردد و هر که خود را فروتن سازد، سرفراز گردد** (متی ۱۲:۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

کودکان و عیسی (۱۵:۱۸-۱۷)

(متی ۱۳:۱۹-۱۵؛ مرقس ۱۰:۱۳-۱۶)

۱۷-۱۵ مرقس ۱۰:۱۳-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

را حقیر می‌شمردند. در ایام عیسی، اکثر یهودیان به‌خصوص فریسیان، مطمئن بودند که عادل هستند و خود را بهتر از دیگران می‌پنداشتند. اما این **مَثَل** همانند سایر **مَثَل**های عیسی، تنها برای یهودیان نبود، بلکه همه را مخاطب قرار می‌دهد. آیا در بین ما کسانی هستند که به خدا می‌گویند: «من لایق و عادل هستم»؟ در اینصورت این **مَثَل** برای ایشان نیز هست.

۱۰-۱۲ **مَثَل**، حکایت دو مرد را تعریف می‌کند. یکی از ایشان فریسی، یعنی یک یهودی متعصب بود که به خدا ایمان داشت و از شریعت، آنگونه که خودش درک می‌کرد، اطاعت می‌نمود. فریسی در این **مَثَل** همانند مرد ثروتمند در لوقا ۱۹:۱۶ مردی درستکار بود. وی نه تنها شریک نبود و نه تنها شریعت یهود را به‌جا می‌آورد، بلکه حتی بیش از آنچه که شریعت اقتضا می‌کرد، عمل می‌نمود. بر طبق شریعت، شخص فقط یکبار در سال می‌بایست روزه می‌گرفت، لیکن وی هفته‌ای دو بار روزه می‌گرفت. بر طبق شریعت، انسان می‌بایست تنها برای نوعی از درآمد ده یک پردازد، اما این مرد **عشر تمامی** درآمدش را می‌پرداخت (آیه ۱۲).

پس گناه این فریسی چه بود؟ گناهش این بود که خود را عادل می‌شمرد. وی فکر نمی‌کرد که احتیاج به آرمزش و رحمت خدا داشته باشد. وی می‌پنداشت که لایق دریافت نجات خدا است زیرا که اعمال نیکو انجام می‌داد. در نظر خدا، این حالتی است گناه‌آلود. فریسی متکبر بود.

علاوه بر این، فریسی مذکور در دل خود حقیقتاً عادل نیز نبود. وی دیگر انسانها را حقیر می‌شمرد و ایشان را دوست نمی‌داشت و آنان را مورد قضاوت قرار می‌داد و محکوم می‌کرد (متی ۷:۱-۲). این کار او سرپیچی از احکام خدا بود (متی ۲۳:۲۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

فریسی به هیكل رفت تا عبادت کند، بسیاری

بودند (مرقس ۲: ۱۳-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

۵-۶ با وجود آنکه زکی مرد بد و طمعکاری بود، عیسی او را خواند و به او گفت که آن روز را در خانه وی خواهد گذراند.

زکی به **خرمی عیسی** را پذیرفت، و هنگامی که احترامی را که عیسی برای او قائل شده بود دید، دلش نرم گردید. وی مشاهده کرد که عیسی آماده بود تا گناهانش را ببخشد. لذا شادمانه عیسی را به خانه اش برد.

۷ اما دیگران که شاهد ماجرا بودند، علیه عیسی همه می کردند. ایشان می گفتند: «هیچ یهودی صالحی، خصوصاً یک معلم یا یک نبی، هرگز به خانه گناهکاری نظیر یک باجگیر قدم نمی گذارد» (مرقس ۲: ۱۵-۱۷؛ لوقا ۱: ۱۵-۲ و تفسیر آن مشاهده شود).

۸ هنگامی که ایشان به خانه او رسیدند، زکی از تمام بدیهایی که کرده بود، توبه کرد. وی اقرار کرد که مردم را فریب داده است و به عیسی قول داد که از راههای گناه آلود گذشته اش دست بشوید: «**الحال نصف مایملک خود را به فقرا می دهم**». همچنین به عیسی قول داد که از هر کس که چیزی به ناحق گرفته باشد، **چهار برابر آن را** به او پس بدهد.^{۴۱}

بسیاری از مردم نادرست مجبور می شوند که تحت فشار شریعت درستکار گردند، و به خاطر آن از خدا امتیازی دریافت نمی کنند. لیکن زکی به میل خود درستکار گردید. بدینسان عیسی دانست که وی حقیقتاً توبه کرده است.

آن روز در زندگی زکی تغییری کلی پدید آمد، به این دلیل که عیسی به خانه او آمده، وارد دل او گردید. هرگاه که عیسی را به زندگی خود راه دهیم، دیگر هرگز نمی توانیم همان کسی

۴۱- بر طبق شریعت یهود، شخصی که چیزی را به فریب از دیگری غصب کند، باید دو برابر آن را بدو پس بدهد (خروج ۲۲: ۹).

جوان ثروتمند (۱۸: ۱۸-۳۰)

(متی ۱۹: ۱۶-۳۰؛ مرقس ۱۰: ۱۷-۳۱) مشاهده شود. مرقس ۱۰: ۱۷-۳۱ و تفسیر آن

عیسی بار دیگر مرگ خود را پیشگویی می کند (۱۸: ۳۱-۳۴)

(متی ۲۰: ۱۷-۱۹؛ مرقس ۱۰: ۳۲-۳۴) مشاهده شود. مرقس ۱۰: ۳۲-۳۴ و تفسیر آن

شفای فقیر کور (۱۸: ۳۵-۴۳)

(متی ۲۰: ۲۹-۳۴؛ مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲) مشاهده شود. مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲ و تفسیر آن

باب ۱۹

زکای باجگیر (۱: ۱۹-۱۰)

۱ عیسی بعد از سفر به سمت شرقی رود اردن، در شهر اریحا واقع در سی کیلومتری شرق اورشلیم، از رودخانه گذشت (لوقا ۱۰: ۳۰؛ ۱۷: ۱۱).

۲-۴ **زکی**، رئیس باجگیران، شنید که عیسی آمده است. عیسی به عنوان **دوست باجگیران** و «گناهکاران» شهرت یافته بود (متی ۱۹: ۱۱) و زکی کنجکاو بود که او را ببیند.

زکی **دولتمند** بود. رومیها در هر ایالت از امپراطوری، کار جمع آوری باج و خراج را به شخصی محول می کردند که بیشترین مقدار پول را به ایشان بپردازد. شخص باجگیر از دولت روم حقوقی دریافت نمی کرد؛ به جای آن وی تا می توانست از مردم پول می گرفت و بعد از پرداختن مقدار مقرر به رومیها، اجازه داشت که مازادی را که به طرزی نادرست به دست آورده بود، برای خود نگه دارد. بدینسان تقریباً همه باجگیرها از راه اجحاف مردم و زورگویی، ثروتمند می شدند. نتیجتاً همه از ایشان متفر

وارد اورشلیم شد. وی می‌توانست از آنجا تمام شهر را که در برابر او گسترده شده بود، ببیند. وی می‌دانست که رؤسای یهود او را رد کرده‌اند و می‌دانست که مردم اورشلیم به‌زودی خواهان مرگ او خواهند شد (مرقس ۱۲:۱۵-۱۵). او همچنین می‌دانست که مصیبتی عظیم به‌زودی بر شهر و مردمش نازل خواهد شد زیرا که پسر خدا را خواهند کشت. بنابراین به حال شهر گریست (آیه ۴۱). وی گفت: «اگر می‌دانستی در این زمان خود آنچه باعث سلامتی تو می‌شد.» اگر فقط مردم اورشلیم توبه کرده، مسیح^{۴۲} را می‌پذیرفتند، شهر مصون می‌ماند و برای مردم اورشلیم^{۴۳} سلامتی حاصل می‌شد. لیکن اکنون سلامتی از چشمان شما پنهان گشته است. فرصت توبه از دست رفته بود. دلشان سخت و چشمانشان بسته شده بود. ایشان ایام تفقد خود را ندانستند (آیه ۴۴) - یعنی زمان آمدن مسیح، پسر خدا را (متی ۲۳: ۳۷-۳۹) و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۴-۴۳ سپس عیسی نبوت کرد که به‌جای سلامتی، شمشیر بر شهر فرود خواهد آمد و سپاهیان دشمن، شهر را محاصره کرده، آن را کاملاً نابود خواهند ساخت و تمامی ساکنان را خواهند کشت (ارمیا ۶:۶؛ لوقا ۲۱: ۶، ۲۰-۲۴). این نبوت چهل سال بعد، در سال ۷۰ میلادی جامه عمل پوشید، یعنی زمانی که لشکر روم آمد و اورشلیم را نابود کرد.

خدا خدای محبت است. وی از مردم و شهرها دعوت می‌کند که توبه کنند. وی صبری بس عظیم دارد. خدا می‌خواهد که جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند (اول تیموتاؤس ۴:۲). وی نمی‌خواهد که کسی هلاک

باشیم که بودیم. تبدیل به **خلقت تازه‌ای** می‌گردیم (دوم قرنتیان ۵:۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود).

۹-۱۰ هنگامی که عیسی سخنان توبه‌آمیز زکی را شنید گفت: «**امروز نجات در این خانه پیدا شد.**» زکی در گناه و بی‌ایمانی گمشده بود و اینک نجات یافته بود.

به همین دلیل بود که عیسی به زمین آمد. به این دلیل بود که به خانه یک باجگیر رفت. چرا نمی‌بایست به زکی فرصت توبه داده می‌شد؟ او نیز همانند هر یهودی دیگری، به لحاظ جسم پسر ابراهیم بود. اکنون وی برحسب ایمان نیز «پسر واقعی ابراهیم» خواهد بود (غلاطیان ۷:۳).

عیسی برای نجات گناهکارانی نظیر زکی آمده بود (متی ۱۲:۱۸؛ مرقس ۱۷:۲ مشاهده شود). اگر همین عیسی ما را نیز نجات دهد و در درون ما زیست کند، آنگاه مشتاق خواهیم شد که خبر خوش نجات را به دیگر گناهکاران گمشده نیز بازگو کنیم.

حکایت ده قنطار (۱۹:۱۱-۲۷)

(متی ۱۴:۲۵-۳۰)

۱۱-۲۵ متی ۱۴:۲۵-۲۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۶ متی ۲۹:۲۵؛ مرقس ۴:۲۵ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۲۷ متی ۳۰:۲۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

ورود ظفرمندانه (۱۹:۲۸-۴۰)

(متی ۱۱:۲۱-۱۱:۱۱؛ مرقس ۱۱:۱۱-۱۱)

۲۸-۴۰ مرقس ۱۱:۱۱-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی برای اورشلیم گریه می‌کند (۱۹:۴۱-۴۴)

۴۱-۴۲ عیسی از کوه زیتون (آیه ۳۷)

۴۲- کسانی که طی ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم به او خوشامد گفتند، عمدتاً پیروان خود او بودند (آیه ۳۷).

۴۳- کلمه اورشلیم به معنی «شهر سلامتی» است.

قیامت و ازدواج (۲۷:۲۰-۴۰)

(متی ۲۳:۲۲-۳۳؛ مرقس ۱۲:۱۸-۲۷)
 ۲۷-۴۰ مرقس ۱۲:۱۸-۲۷ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

مسیح پسر کیست؟ (۴۱:۲۰-۴۷)

(متی ۴۱:۲۲-۴۶؛ مرقس ۳۵:۱۲-۴۰)
 ۴۱-۴۷ مرقس ۳۵:۱۲-۴۰ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

باب ۲۱**هدیه بیوه زن (۱:۱۲-۴)**

(مرقس ۱۲:۱۲-۴۴)
 ۴-۱ مرقس ۱۲:۱۲-۴۴ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

نشانه‌های انقضای عالم**(۵:۲۱-۱۹)**

(متی ۱۷:۱۰-۲۲؛ مرقس ۱۳:۱-۱۴)
 (۱۳-۱:۱۳)

۱۹-۵ مرقس ۱۳:۱-۱۳ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

نابودی اورشلیم (۲۰:۲۱-۲۴)

(متی ۲۴:۲۴-۲۸؛ مرقس ۱۳:۱۴-۲۳)
 ۲۴-۲۰ مرقس ۱۳:۱۴-۲۳ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

انقضای عالم (۲۵:۲۱-۲۸)

(متی ۲۹:۲۴-۳۱؛ مرقس ۱۳:۲۴-۲۷)
 ۲۸-۲۵ مرقس ۱۳:۲۴-۲۷ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

عاقبت اورشلیم (۲۹:۲۱-۳۳)

(متی ۳۲:۲۴-۳۵؛ مرقس ۱۳:۲۸-۳۱)
 ۳۳-۲۹ مرقس ۱۳:۲۸-۳۱ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

گردد، بلکه همه به توبه گرویند (دوم پطرس ۹:۳).
 اما اگر انسانها توبه نکنند، وی سرانجام به عنوان
 داور آمده، ایشان را نابود خواهد ساخت.

خدا از شهر بزرگ نینوا محافظت کرد زیرا که
 مردم آن توبه کردند (یونس ۳:۳-۱۰). لیکن
 سدوم را مصون نداشت. وی به ابراهیم قوم داد
 که اگر ده مرد عادل در سدوم بیابد، شهر را نابود
 نخواهد کرد؛ لیکن ده مرد توبه‌کار را نیافت، برای
 همین، شهر را نابود کرد (پیدایش ۱۸:۲۰-۳۳).
خدا را استهزا نمی‌توان کرد، هر چه آدمی بکارد
 همان را درو خواهد کرد (غلاطیان ۶:۷-۸). اگر
 توبه نکنیم، هلاک خواهیم شد. **اینک الحال**
زمان مقبول است، اینک الان روز نجات است
 (دوم قرنتیان ۶:۲). فردا ممکن است دیر باشد.

عیسی در هیکل (۴۵:۱۹-۴۸)

(متی ۲۱:۱۲-۱۹؛ مرقس ۱۱:۱۵-۱۹)
 ۴۸-۴۵ مرقس ۱۱:۱۵-۱۹ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

باب ۲۰**سؤال درباره اقتدار عیسی****(۱:۲۰-۸)**

(متی ۲۳:۲۱-۲۷؛ مرقس ۱۱:۲۷-۳۳)
 ۸-۱ مرقس ۱۱:۲۷-۳۳ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

مثل باغبانان (۹:۲۰-۱۹)

(متی ۲۳:۲۱-۴۶؛ مرقس ۱۲:۱۲-۱۲)
 ۱۹-۹ مرقس ۱۲:۱۲-۱۲ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

**پرداخت باج و خراج به قيصر
(۲۰:۲۰-۲۶)**

(متی ۱۵:۲۲؛ مرقس ۱۳:۱۲-۱۷)
 ۲۶-۲۰ مرقس ۱۳:۱۲-۱۷ و تفسیر آن
 مشاهده شود.

هشدار در مورد بیدار بودن (۳۸-۳۴:۲۱)

۳۴ عیسی در این باب نشانه‌های روزهای آخر، یعنی دوره پیش از انقضای عالم را توصیف می‌کند، زمانی که او باز می‌گردد. در این بخش، او به ما هشدار می‌دهد که مراقب باشیم. ما نمی‌توانیم بدانیم که او دقیقاً چه هنگام باز می‌گردد، لیکن باید آماده باشیم (مرقس ۱۳:۳۲-۳۳ و تفسیر آن مشاهده شود).

بنابراین عیسی به ما هشدار می‌دهد: «خود را حفظ کنید مبادا دلهای شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد.» بازگشت مسیح شبیه به بازگشت اربابی است که به‌طرز غیرمنتظره از سفر سر می‌رسد. وی غلامانش را مشغول چه کاری خواهد یافت؟ ما نیز باید بیدار باشیم و به‌خواب نرویم؛ باید با جدیت به کاری که عیسی به ما واگذار کرده، مشغول باشیم. وی هر لحظه ممکن است بیاید (متی ۲۴:۴۸-۵۱؛ مرقس ۱۳:۳۴-۳۷؛ اول تسالونیکیان ۵:۴-۸ و تفسیر آنها مشاهده شود).

مهم نیست که زمان بازگشت عیسی را بدانیم. بر ما نیست که این را بدانیم (اعمال ۱:۷). مهم فقط این است که همیشه آماده باشیم. اگر همواره آماده و مراقب باشیم، آن روز نمی‌تواند ناگهان مثل دایمی بر ما آید.

۳۵ عیسی در روز بازگشت خود، برای داوری بر تمامی انسانها خواهد آمد - چه ایماندار و چه بی‌ایمان، چه یهودی و چه غیریهودی.

۳۶ در آن روزها، مصیبت هولناکی واقع خواهد شد و بسیاری لغزش خواهند خورد (متی ۲۴:۱۰-۱۲). ما باید دعا کنیم که از وسوسه لغزش، ترک ایمان و نفی و انکار مسیح نجات یابیم. چرا که تنها هر که تا به آخر صبر کند، نجات یابد (مرقس ۱۳:۱۳). فقط کسانی که ایمانشان استوار می‌ماند، خواهند توانست در

حضور پسر انسان بایستند (عبرانیان ۱۰:۳۵-۳۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

۳۷-۳۸ طی آخرین هفته در اورشلیم، عیسی هر روز در هیکل تعلیم می‌داد. او هر شب شهر را ترک کرده، شب را در قریه بیت‌عنیا واقع در کوه زیتون، درست در بیرون اورشلیم سپری می‌کرد (مرقس ۱:۱۱، ۱۱).

باب ۲۲

یهودا عیسی را تسلیم می‌کند (۶-۱:۲۲)

(متی ۱-۲۶:۵، ۱۴-۱۶؛ مرقس ۱-۱۴:۲-۱۰، ۱۱-۱۰)

۱-۲ مرقس ۱:۱۴-۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

۳-۶ مرقس ۱۴:۱۰-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

شام آخر (۲۲:۷-۲۳)

(متی ۱۷:۲۶-۳۰؛ مرقس ۱۴:۱۲-۲۶)

۷-۲۳ مرقس ۱۴:۱۲-۲۶ و تفسیر آن مشاهده شود.

تعلیم در مورد بزرگی (۲۲:۲۴-۲۷)

(متی ۲۵:۲۵-۲۸؛ مرقس ۱۰:۴۲-۴۵)

۲۴-۲۷ مرقس ۱۰:۴۲-۴۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

عیسی و شاگردانش (۲۲:۲۸-۳۸)

۲۸-۳۰ عیسی در آیه‌های ۲۴-۲۷ شاگردانش را سرزنش می‌کند چرا که در جستجوی مقام برتر بودند. اکنون ایشان را به نوعی تحسین می‌کند. تا آن زمان، ایشان همگی در امتحانهایش با او بودند. به همین دلیل، عیسی به ایشان فرمود: «من ملکوتی برای شما قرار می‌دهم - یعنی حکومت و مقام - چنانکه

پطرس بازگشت. اگر مسیح برای ما دعا کند، ایمان ما پایرجا خواهد ماند (رومیان ۸: ۳۴-۳۷ مشاهده شود).

۳۳-۳۴ مرقس ۱۴: ۲۷-۳۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

۳۵-۳۶ در گذشته، هنگامی که شاگردان برای بشارت فرستاده شدند، نه کیسه، نه توشه‌دان و نه کفش به همراه بردند (مرقس ۸: ۶-۱۰ مشاهده شود). در آن هنگام هر جا که می‌رفتند، مردم از ایشان پذیرایی می‌کردند؛ برای همین، هیچ چیز کم نداشتند.

لیکن اکنون موقعیت به کلی دگرگون شده بود. عیسی در آستانه اعدام قرار داشت. شاگردان می‌رفتند تا مورد آزار و شکنجه قرار گیرند. به جای دریافت استقبال مردم، می‌بایست از شهری به شهری دیگر بگریزند. بنابراین احتیاج به کیسه و توشه‌دان داشتند.

نه تنها این، بلکه عیسی گفت که به شمشیر نیز نیاز خواهند داشت. منظور عیسی یک شمشیر فولادین برای جنگ نبود، بلکه شمشیری روحانی. شاگردان به شمشیر روح که کلام خدا است، نیاز خواهند داشت (افسیان ۶: ۱۷). ایشان باید همواره برای نزاع روحانی آماده باشند. اسلحه روحانی ایشان بسیار مهم‌تر از جامه‌های عادی‌شان خواهد بود.

۳۷ سپس عیسی بار دیگر رنجهای خود را پیشگویی کرد. چنانچه اشعیا نبوت کرده بود، مسیح از خطاکاران محسوب خواهد شد (اشعیا ۵۳: ۱۲). همین وقایع در انتظار شاگردانش نیز بود. بنابراین، می‌بایست از لحاظ روحانی مسلح باشند.

۳۸ شاگردان منظور عیسی را درک نکردند.

۴۴- دوازده سبط اسرائیل از دوازده پسر یعقوب

نوه ابراهیم به وجود آمده‌اند. بنابراین «دوازده سبط اسرائیل» کل قوم اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

پدرم برای من مقرر فرمود» (آیه ۲۹). ایشان بر خوان عیسی خواهند خورد و نوشید، یعنی در شادی ملکوت آسمان سهیم خواهند شد. چنانکه پدر به مسیح تمامی اقتدار در آسمان و زمین را داد (متی ۱۸: ۲۸)، به همان شکل، عیسی نیز اقتدار خود را با شاگردانش تقسیم خواهد کرد. ایشان در کار داوری دوازده سبط اسرائیل^{۴۴} سهیم خواهند گردید (متی ۱۹: ۲۸ و تفسیر آن مشاهده شود). برخی از صاحب‌نظران کتاب مقدس بر این عقیده‌اند که ایشان در آسمان، «اسرائیل نوین» یعنی کلیسا را رهبری خواهند کرد.

همانگونه که شاگردان عیسی را در این دنیا جلال دادند، وی نیز در جهان بعدی، ایشان را جلال خواهد داد (متی ۲۱: ۲۵ مشاهده شود). لازم نیست ایشان در جستجوی این باشند که خود را جلال دهند؛ خود مسیح ایشان را جلال خواهد داد.

۳۱ سپس عیسی رو به شمعون پطرس نموده، فرمود: «ای شمعون، ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند». درست همانطور که شیطان خواست ایوب را بیازماید (ایوب ۱: ۶-۱۲؛ ۲: ۳-۱۰)، به همان ترتیب خواهد خواست که شاگردان را نیز بیازماید. شیطان امیدوار بود که شاگردان همگی چون کاه پراکنده شوند. و به‌راستی نیز که شاگردان به‌هنگام دستگیری عیسی، پراکنده شدند (مرقس ۱۴: ۵۰). به‌نظر می‌آمد که شیطان پیروز شده است.

۳۲ لیکن عیسی برای شمعون پطرس دعا کرد زیرا که رهبر شاگردان بود. وی به‌طور خاص دعا کرد که ایمان پطرس تلف نشود. عیسی می‌دانست که پطرس او را انکار خواهد کرد (آیه‌های ۳۳-۳۴)، اما فقط برای مدت کوتاهی. سپس پطرس بازگشته، دیگر شاگردان را تقویت و رهبری خواهد کرد. می‌توانیم مطمئن باشیم که در اثر دعاهای مسیح بود که

باب ۲۳ عیسی در حضور پیلطس (۵-۱:۲۳)

(متی ۲۷:۱-۲، ۱۱-۱۴؛ مرقس ۱۵:۱-۲)
۳-۱ مرقس ۱۵:۱-۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴-۵ پیلطس والی رومی، عیسی در عیسی
نیافت. وی اتهام وارد شده بر او از سوی
رؤسای یهود را تنها یک اختلاف مذهبی
تلقی کرد که ربطی به امور سیاسی
نداشت (یوحنا ۱۸:۳۳-۳۸ و تفسیر آن
مشاهده شود). به علاوه، صاحب‌منصبان
رومی نظیر پیلطس مسؤول رسیدگی به
مسائل مذهبی مردم ایالاتشان نبودند
(اعمال ۱۸:۱۲-۱۶). اما رؤسای یهود
پافشاری می‌کردند. ایشان با نیرنگ
تصمیم نداشتند که عیسی را متهم به
کفرگویی کنند، چونکه در اینصورت پیلطس
آن را موضوعی مذهبی تلقی می‌کرد. در
عوض، گفتند که وی «مردم را می‌شوراند»
(آیه ۵). به عبارت دیگر ایشان عیسی را متهم
به شوراندن مردم علیه قیصر یعنی امپراطور
روم نمودند. ایشان گفتند که عیسی سعی
کرده که خود را پادشاه سازد (آیه ۲). چنین
اتهامی یقیناً پیلطس را وادار به واکنش
می‌کرد تا اقدامی جدی علیه عیسی در پیش
گیرد.

عیسی در حضور هیرودیس (۱۶-۶:۲۳)

۶-۷ هنگامی که پیلطس شنید که عیسی
موعظه خود را در جلیل آغاز کرده است (آیه ۵)،
پرسید که آیا عیسی جلیلی است یا نه. وقتی که
به صحت این امر پی برد، فوراً عیسی را نزد

ایشان همچنان فکر می‌کردند که عیسی با
سلاح‌های معمولی بر دشمنانش پیروز خواهد
گشت. ایشان می‌بایست متوجه می‌شدند که
طریق عیسی طریق محبت بود، نه خشونت.
بعداً وقتی که پطرس شمشیرش را کشید، عیسی
او را شماتت کرد (لوقا ۲۲:۴۹-۵۱؛ یوحنا
۱۸:۱۰-۱۱).

سپس شاگردان دو شمشیر را که با خود
داشتند، به عیسی نشان دادند. عیسی
غمگین شد که ایشان این را درک نکردند که
وی در مورد چه نوع شمشیری صحبت می‌کرد.
پس فرمود: «کافی است»^{۴۵} یعنی موضوع
مختومه است.

باغ جتسیمانی (۲۲:۳۹-۴۶)

(متی ۲۶:۲۶-۳۶؛ مرقس ۱۴:۳۲-۴۲)
۳۹-۴۶ مرقس ۱۴:۳۲-۴۲ و تفسیر آن
مشاهده شود.

دستگیری عیسی (۲۲:۴۷-۵۳)

(متی ۲۶:۴۷-۵۶؛ مرقس ۱۴:۴۳-۵۲؛ یوحنا
۱۱:۱-۱۱)
۴۷-۵۳ مرقس ۱۴:۴۳-۵۲ و تفسیر آن
مشاهده شود.

پطرس عیسی را انکار می‌کند (۲۲:۵۴-۶۲)

(متی ۲۶:۶۹-۷۵؛ مرقس ۱۴:۶۶-۷۲؛ یوحنا
۱۸:۱۵-۱۸، ۲۵-۲۷)
۵۴-۶۲ مرقس ۱۴:۶۶-۷۲ و تفسیر آن
مشاهده شود.

عیسی در حضور رؤسای کهنه (۲۲:۶۳-۷۱)

(متی ۲۶:۵۷-۶۸؛ مرقس ۱۴:۵۳-۶۵)
۶۳-۷۱ مرقس ۱۴:۵۳-۶۵ و تفسیر آن
مشاهده شود.

۴۵- «کافی است» اصطلاحی است یهودی به معنی
«موضوع مختومه است».

مصلوب شدن عیسی (۲۳:۲۶-۴۳)

۸ (متی ۲۷:۳۲-۴۴؛ مرقس ۱۵:۲۱-۳۲؛ یوحنا ۱۹:۱۷-۲۴)
 ۲۶-۲۸ مرقس ۱۵:۲۱-۳۱ و تفسیر آن مشاهده شود.
 ۲۹-۴۳ مرقس ۱۵:۳۲ و تفسیر آن مشاهده شود.

مرگ عیسی (۲۳:۴۴-۴۹)

۹ (متی ۲۷:۴۵-۵۶؛ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱؛ یوحنا ۱۹:۲۸-۳۰)
 ۴۴-۴۹ مرقس ۱۵:۳۳-۴۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

تدفین عیسی (۲۳:۵۰-۵۶)

۱۰ (متی ۲۷:۵۷-۶۱؛ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷؛ یوحنا ۱۹:۳۸-۴۲)
 ۵۰-۵۶ مرقس ۱۵:۴۲-۴۷ و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۲۴

قیام عیسی (۱:۲۴-۸)

۱ (متی ۲۸:۱-۸؛ مرقس ۱۶:۱-۸؛ یوحنا ۲۰:۱)
 ۱-۸ مرقس ۱۶:۱-۸ و تفسیر آن مشاهده شود.

پطرس قبر خالی را می بیند (۲۴:۹-۱۲)

۹-۱۱ زنان، بعد از آنکه قبر را خالی یافتند و دو فرشته را دیدند، اولین کاری که کردند، این

پادشاه دست نشانده، **هیروودیس**^{۴۶} فرستاد که بر ایالت جلیل حکمرانی می کرد.

۸ هیروودیس مطالب زیادی در مورد کارهای عظیم عیسی شنیده بود و امیدوار بود که معجزه‌ای در مقابلش انجام دهد. برای هیروودیس اهمیت نداشت که عیسی واقعاً که بود، او فقط به دنبال سرگرمی بود.

۹ لیکن عیسی در حضور هیروودیس معجزه‌ای انجام نداد؛ حتی با او سخن نیز نگفت. عیسی برای فقیرترین و پست‌ترین افراد معجزاتی انجام داد، لیکن نه برای پادشاهان متکبر و بی‌ایمان.

۱۰ رؤسای یهود نیز به همراه عیسی نزد هیروودیس رفتند تا او را متهم سازد. ایشان امیدوار بودند که هیروودیس موافقت خواهد کرد که حکم اعدام عیسی را صادر کنند.

۱۱-۱۲ هنگامی که عیسی از سخن گفتن با او امتناع ورزید، هیروودیس خشمگین گشت. به همین جهت، او و محافظینش عیسی را استهزاء نمودند. به خاطر سکوت عیسی، هیروودیس قادر نبود حکمی صادر کند. پس او را نزد پیلاتس بازگرداند.

۱۳-۱۶ بار دیگر پیلاتس به یهودیان گفت که عیسی جرمی که سزاوار اعدام باشد، نکرده است (آیه‌های ۱۴-۱۵). لیکن برای آرام کردن یهودیان، پیلاتس پذیرفت که او را با تازیانه تنبیه نماید. با این کار، پیلاتس امیدوار بود که یهودیان از تقاضای اعدام عیسی صرف‌نظر کنند (مرقس ۱۵:۳-۵ مشاهده شود).

عیسی و برآبّا (۲۳:۱۷-۲۵)

(متی ۲۷:۱۵-۲۶؛ مرقس ۱۵:۶-۱۵)
 ۱۷-۲۵ مرقس ۱۵:۶-۱۵ و تفسیر آن مشاهده شود.

۴۶- این همان هیروودیس است که قبلاً یحیی تعمیددهنده را به قتل رسانده بود و بعداً گمان برد که عیسی همان یحیی تعمیددهنده است که از مردگان برخاسته است (مرقس ۱۴:۶-۱۶ مشاهده شود).

بود که نزد یازده^{۴۷} شاگرد عیسی رفته، گفتند که جسد وی ناپدید شده است (یوحنا ۲:۲۰). ابتدا شاگردان گفته زنان را باور نکردند.

۱۲ اما پطرس تصمیم گرفت که خود شخصاً رفته، قبر را ببیند. وی یوحنا را همراه خود برد (یوحنا ۳:۲۰-۸ مشاهده شود). ایشان کفنی را که پیکر عیسی در آن پیچیده شده بود، دیدند، اما جسد آنجا نبود. پطرس شگفت زده شد و نمی توانست درک کند که چه اتفاقی افتاده است. وی کماکان درک نمی کرد که عیسی می بایست از مردگان برخیزد (یوحنا ۹:۲۰). سپس آن دو شاگرد به خانه های خود بازگشتند (یوحنا ۱۰:۲۰).

در این اثنا، زنها به دنبال پطرس و یوحنا بر سر قبر رفتند. بعد از بازگشت آن دو شاگرد به خانه، عیسی خود بر زنان ظاهر شد (متی ۲۸:۹-۱۰؛ یوحنا ۱۱:۲۰-۱۸ و تفسیر آنها مشاهده شود). سپس بر طبق حکم عیسی، ایشان برای بار دوم نزد شاگردان رفته، این خبر جدید را اعلام کردند: عیسی زنده بود! ایشان او را دیده بودند!

با اینحال بر طبق مرقس ۱۱:۱۶، شاگردان همچنان حکایت زنان را باور نکردند، به جز یوحنا^{۴۸}. تنها بعد از آنکه خداوند بر خود پطرس ظاهر گشت (اول قرن تیان ۵:۱۵)، سایر شاگردان نیز کم کم باور کردند که عیسی حقیقتاً از مردگان برخاسته و زنده^{۴۹} است (آیه های ۳۳-۳۴).

در راه عموآس (۲۴:۱۳-۳۵)

۱۳-۱۴ در همان شبیه ای که عیسی از مردگان برخاست، دو تن از پیروانش به خانه های خود در دهکده **عموآس** می رفتند. ایشان برای عید فطیر به اورشلیم آمده بودند (مرقس ۱:۱۴ مشاهده شود) و اینک به خانه باز می گشتند. ایشان در مورد تمام اتفاقاتی که بر عیسی واقع شده بود، مطالبی شنیده بودند و در

طول راه در مورد آن گفتگو می کردند.

۱۵-۱۶ سپس مرد سومی به ایشان ملحق شد. او کسی جز عیسی نبود. اما از آنجا که بدنش اکنون تبدیل به جسم روحانی ابدی گشته بود، ایشان ابتدا نتوانستند او را بشناسند. وی بر ایشان همچون یک مرد معمولی ظاهر شد، اما ایشان نمی توانستند بگویند که او عیسی بود (یوحنا ۱۴:۲۰ مشاهده شود). چشمان روحانی ایشان گشوده نشده بود. ایشان باور نکرده بودند که عیسی واقعاً از مردگان برخاسته است.

۱۷ عیسی از ایشان سؤال کرد که در مورد چه موضوعی اینچنین سخت سرگرم گفتگو هستند. وی پاسخ را می دانست لیکن می خواست که ایشان بگویند. عیسی اکثراً شاگردان را از طریق طرح سؤال، تعلیم می داد.

۴۷- یهودای اسخریوطی دیگر در بین شاگردان نبود. لذا تعداد ایشان یازده نفر شده بود.

۴۸- یوحنا هنگامی که در همان ابتدا قبر را خالی یافت، ایمان آورد (یوحنا ۸:۲۰).

۴۹- نویسندگان چهار انجیل، هر یک بخشی از گزارش ظاهر شدنهای عیسی را بعد از قیامش ارائه می دهند. چهار مردی را مجسم کنید که شاهد واقعه ای عظیم بوده اند. هر یک آن واقعه را از نقطه نظر خود توصیف خواهد کرد. یکی یک چیز را و دیگری چیز دیگری را قید خواهد کرد. با کنار هم نهادن چهار گزارش، شخص می تواند شرح کاملی از آن واقعه به دست آورد. چهار انجیل نیز چنین هستند. تمام نوشته های هر چهار نویسنده انجیل ها حقیقت دارد، لیکن هر یک از ایشان، همه جزئیات را در انجیل خود ذکر نکرده است. بنابراین برای دستیابی به شرحی کامل از زندگی عیسی، به خصوص در مورد وقایع بعد از قیامش، باید گزارشهای چهار انجیل را توأمأ بررسی کنیم. با اینحال حتی هنگامی که چنین می کنیم، باز از دانستن بسیاری از جزئیات زندگی عیسی محروم خواهیم ماند، زیرا که نوشته نشده اند (یوحنا ۲۱:۲۵ مشاهده شود).

می دانستند این بود که جسد ناپدید شده است. ۲۵-۲۷ سپس عیسی شروع کرد به تعلیم دادن به آن دو شاگرد در مورد آنچه که درباره او در **موسی و صحف انبیا** یعنی عهدعتیق نوشته شده است. بر طبق بسیاری از نبوت های عهدعتیق، مسیحا می بایست رنج برده، بمیرد (مزمور ۱:۲۲-۳۱؛ ۱:۶۹-۳۶؛ اشعیا ۵۲:۱۳-۱۵؛ ۵۳:۱-۱۲). تنها بعد از رنج بود که مسیح موعود **وارد جلال خود می گشت**. تنها بعد از رنج بود که مسیحا ملکوت خود را مستقر می ساخت، ملکوتی روحانی که تا به ابد دوام خواهد داشت. یهودیان مطالبی از عهدعتیق در مورد «خادم رنجبر» می دانستند، لیکن فکر نمی کردند که او همان مسیحا باشد. به زعم ایشان خادم رنجبر و مسیحا دو فرد متفاوت بودند. این خود عیسی بود که تعلیم داد که خادم رنجبر، همان مسیح است. عیسی بارها و بارها به شاگردانش گفته بود که باید رنج برده، بمیرد، لیکن ایشان نمی توانستند آن را بپذیرند (مرقس ۸:۳۱-۳۲؛ لوقا ۹:۳۱-۳۲؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۴).

دو شاگرد مشتاقانه گوش فرا داده بودند. وقتی که عیسی با ایشان تکلم می نمود، **دل در درون ایشان می سوخت** (آیه ۳۲).

۲۸-۲۹ ایشان عیسی را به خانه خود دعوت کردند. اگر ایشان او را دعوت نمی کردند، هرگز نمی فهمیدند که کسی که با ایشان در راه عمواَس ره سپرده بود، که بود.

بیایید این سؤال را از خود بکنیم: «چند بار عیسی در طول راه با ما سخن گفته است و ما او را دعوت نکرده ایم که داخل شود؟» (مکاشفه ۳:۲۰).

۳۰-۳۲ بعد از آنکه به خانه رسیده، آماده غذا خوردن می شدند، عیسی **نان را گرفته**،

۱۸ یکی از آن دو، به نام **کلیوپاس**^{۵۰} به عیسی گفت: «نمی دانی در مورد چه موضوعی صحبت می کنیم؟ آیا از آنچه که در این سه روز در اورشلیم واقع شده، آگاه نیستی؟»

۱۹ عیسی پرسید: «**چه چیز است؟**» سپس ایشان در مورد رهبرشان عیسی، شروع به گفتن کردند که **نبی بود و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم**.

آنان که باور نداشتند که عیسی از مردگان برخاسته است، او را چیزی بیش از یک «نبی»، **قادر در فعل و قول** نمی دانستند (متی ۲۱:۱۱؛ لوقا ۷:۱۶ مشاهده شود). برای ایشان او فقط انسانی است بزرگ، دانا، و نیک. اما برای آنان که مسیح برخاسته از مردگان را ملاقات کرده، او را با ایمان در دل های خود پذیرفته اند، او نجات دهند، **سرور سروران و شاه شاهان** است (اول تیموتاؤس ۶:۱۵؛ مکاشفه ۱۷:۱۴). او پسر خدا است؛ او خود خدا است.

۲۰-۲۱ سپس آن دو از اینکه عیسی مرده است، اظهار یأس و نومیدی کردند. ایشان امیدوار بودند که وی مسیح موعود، پادشاه اسرائیل باشد. اما حالا می دیدند که تمام امیدهایشان نقش بر آب شده است. همین عیسی اکنون سه روز است که مرده است. تمام یهودیان بر این باور بودند که مسیحا، اسرائیل را به سوی پیروزی بر دشمنانش رهبری خواهد کرد؛ ایشان به مسیحایی که بر روی صلیب کشته شود، ایمان نداشتند.

۲۲-۲۴ آن دو شاگرد گفتند: «لیکن امروز چیز حیرت انگیزی شنیده ایم. امروز صبح قبری که جسد عیسی در آن نهاده شده بود، خالی یافت شد.» سپس برای عیسی تشریح کردند که زنان و پطرس و یوحنا چه چیزهایی گفته اند (آیه ۱۲ مشاهده شود).

با اینحال، قبر خالی نمی توانست دلیل بر زنده بودن عیسی باشد. هیچیک از شاگردان هنوز خود عیسی را ندیده بودند. آنچه که ایشان

۵۰- کلیوپاس ممکن است همانی باشد که در

یوحنا ۱۹:۲۵ قید شده است، متنها با اندکی تفاوت در تلفظ.

کنند. همه چیز شبیه به یک رویا بود و نمی‌توانستند باور کنند که آنچه می‌بینند، حقیقت دارد.

عیسی که ضعف ایمان آنان را می‌دانست، چیزی برای خوردن خواست؛ آنگاه خوراک را مقابل ایشان خورد. بعد از آن، تردید ایشان به پایان خود رسید. در آن لحظه عمیقاً درک کردند که او حقیقتاً زنده شده است.

یک هفته بعد، عیسی بار دیگر بر شاگردان در اورشلیم ظاهر گشت (یوحنا ۲۰:۲۴-۲۹ مشاهده شود). سپس در جلیل نیز بر شاگردان ظاهر شد (متی ۱۶:۲۸). بعد از آن، یک بار نیز بر پانصد نفر از برادران ظاهر شد (اول قرنتیان ۶:۱۵). سپس بر یعقوب برادر تنی خود ظاهر گشت (اول قرنتیان ۷:۱۵). تمامی این ظاهر شدنها در مدت چهل روز اتفاق افتاد، یعنی در طول دوره‌ای که عیسی از قیام تا صعودش به آسمان، بر روی زمین بود (اعمال رسولان ۳:۱).

تعلیم نهایی (۲۴:۴۴-۴۹)

۴۴ طی چهل روز بعدی، عیسی تعلیم بسیاری را به شاگردانش داد. لوقا در این بخش تنها به تعدادی از آنها اشاره می‌کند.

عیسی می‌خواست شاگردانش نوشته‌های مقدس عهدعتیق را درک کنند. وی می‌خواست که ایشان آنچه را که در عهدعتیق در مورد او گفته شده و اکنون جامه عمل پوشیده است، بدانند. او تمام این چیزها را سر راه عموآس به دو تن از شاگردانش گفت (آیه‌های ۲۵-۲۷ و تفسیر آن مشاهده شود). اکنون وی این چیزها را به همه شاگردانش تعلیم می‌داد.

۴۵-۴۶ وی بار دیگر آنچه را که بارها پیش از این به ایشان گفته بود، مطرح کرد: یعنی اینکه سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سیم

۵۱- رومیان معمولاً مجرمین را با کوبیدن میخ‌های بزرگی بر دستها و پاها از صلیب می‌آویختند.

برکت داد و پاره کرده، به ایشان داد. این شاگردان دیده بودند که عیسی بارها این کار را کرده بود (مرقس ۶:۴۱؛ ۶:۸؛ ۲۲:۱۴). ناگهان چشمان روحانی ایشان گشوده شد و عیسی را شناختند! و در آن لحظه عیسی از نظرشان غایب شد.

۳۳-۳۵ حتی با وجود اینکه شب تاریک بود، دو شاگرد با عجله به اورشلیم بازگشتند تا به دیگر شاگردان بگویند که عیسی را دیده‌اند. اما پیش از آن، عیسی بر پطرس نیز ظاهر شده بود. برخی از شاگردان حالا دیگر باور می‌کردند که عیسی به‌راستی زنده است و از مردگان برخاسته است. لیکن دیگران همچنان باور نمی‌کردند (مرقس ۱۳:۱۶ مشاهده شود). حتی هنگامی که عیسی خود دقایقی بعد، بر تمام شاگردان به یکباره ظاهر شد، ایشان همچنان در شک بودند و فکر می‌کردند که روحی می‌بینند (آیه‌های ۳۷-۳۸).

عیسی بر شاگردان ظاهر می‌شود (۲۴:۳۶-۴۳)

(یوحنا ۲۰:۱۹-۲۰)

۳۶-۴۰ هنگامی که دو شاگرد عموآس با دیگر شاگردان گفتگو می‌کردند، عیسی خود بر همگی شان ظاهر گشت. عیسی به طرز معجزه‌آسایی از در قفل شده‌ی اتاق، جایی که ایشان گرد آمده بودند، عبور کرد (یوحنا ۲۰:۱۹-۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود). شاگردان فکر کردند که روحی ظاهر شده است، یعنی روحی بدون جسم. آنگاه عیسی جای میخ‌ها را بر دستها و پاهایش^{۵۱} به ایشان نشان داد. وی به ایشان گفت که بیایند و او را لمس کنند تا بدانند که وی روح نیست. او بدنی داشت با گوشت و استخوان؛ بدن او بدنی رستخیز کرده داشت، بدنی آسمانی و جلال یافته (اول قرنتیان ۱۵:۳۷-۳۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

۴۱-۴۳ شاگردان طوری آکنده از حیرت و شادمانی شده بودند که نمی‌دانستند چه فکر

در خارج شهر، اورشلیم رفت (مرقس ۱:۱)، پس از برکت دادن ایشان، وقتی که ایشان همی نگر بستند، به آسمان بالا برده شد (اعمال ۹:۱). چون ایشان به سوی آسمان چشم دوخته بودند، دو فرشته آمده، به آنان گفتند: «همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال ۱:۱۰-۱۱).

۵۲-۵۳ سپس شاگردان آکنده از شادی گشتند. دیگر هیچ شکی در ذهن ایشان باقی نمانده بود که عیسی، خداوند و مسیح و پسر خدا است. آنگاه به اورشلیم بازگشتند و منتظر آمدن روح القدس گشتند. آن زمان، تمام وقت خود را در هیکل به عبادت و تسبیح خدا گذراندند. روح القدس بر کسانی نازل می شود که وقت زیادی را صرف تسبیح و دعا نمایند.

از مردگان برخیزد (مرقس ۸:۳۱؛ ۹:۳۱؛ اول قرن تیان ۳:۱۵-۴ مشاهده شود). وی ذهن ایشان را روشن کرد تا کتب را بفهمند (آیه ۴۵). فقط زمانی می توانیم کتاب مقدس و موعظه کلام خدا را کاملاً درک نماییم که ذهن ما توسط روح القدس روشن شده باشد.

۴۷ عیسی همچنین به شاگردانش از عهد عتیق تعلیم داد که توبه و آمرزش گناهان باید به همه ملت ها و قوم ها موعظه شود، نه تنها بر یهودیان بلکه بر غیر یهودیان نیز (اشعیا ۲:۲-۳؛ ۴۹:۶؛ ۵۱:۴-۶؛ متی ۱۹:۲۸؛ رومیان ۹:۱۵-۱۲). توبه و آمرزش گناهان دو گام اولیه برای نجات انسان می باشند. بدون توبه آمرزشی نمی تواند وجود داشته باشد؛ و بدون آمرزش، نجاتی وجود نخواهد داشت (مقاله عمومی: «طریق نجات» مشاهده شود).

۴۸ سپس عیسی فرمود: «شما شاهد بر این امور هستید». شاگردان خود این امور را دیده بودند؛ اینک می بایست به سراسر جهان رفته، آنها را به دیگران اعلام نمایند (اعمال ۱:۸ و تفسیر آن مشاهده شود).

۴۹ آنگاه فرمود: «اینک من موعود پدر خود را بر شما می فرستم» - یعنی روح القدس را (یوحنا ۱۵:۱۶-۱۷، ۲۶). سپس به ایشان گفت که در اورشلیم^{۵۲} بمانند تا روح القدس بر ایشان نازل شده، به ایشان قدرت لازم را عطا فرماید تا شاهدان وی باشند (اعمال ۱:۴-۵، ۸؛ ۲:۱-۴ و تفسیر آنها مشاهده شود). بدون روح القدس ایشان قادر نمی بودند که کاری برای مسیح بکنند (یوحنا ۱۵:۵). به راستی نیز بدون روح القدس، شاگردان هرگز نمی توانستند کلیسای مسیح را مستقر سازند.

صعود عیسی (۲۴:۵۰-۵۳)

۵۰-۵۱ عیسی چهل روز بعد از قیامش از مردگان، به همراه شاگردان به بیت عنیا، درست

۵۲ عیسی این حکم را بعد از آنکه شاگردان از جلیل به اورشلیم بازگشتند، به ایشان داد.

